

# لطف الله

لطف الله عازم کنون

شنبه ۲۴ اسد ۱۳۶۰

۱۹۸۱ آگسٹ ۱۵

شماره ۲۰

سال ۳۳

قیمت یک شماره ۱۳ - اغانی

Ketabton.com

گوینه هرگزی حزب دو گراتیک خلتو  
افغانستان و رئیس شورای انقلابی دهه تحقیق  
برایبر نظام الدین علی شیر نوای و نصرت  
یکتن از شخصیت های تابشک تاریخ کشور م  
آغاز گردید .

\*\*\*

دافتارستان دملک دو گراتیک گونند هرگزی  
گوینه عمومنشی از داغستان دده گراتیک  
چه برویت دانلابی شورا رئیس ببرک کارهله  
داند ۱۵ نیته له غرمی مخکی دفاریاب ولايت  
دیصار دولسوالی د پنهن خلکو استازی  
دانلابی شورا دهه دگلخانی به هانی کی و هنل  
اووه غدوی سره بی له صدیقت نه یه بوه  
دکه او دو گراتیکه فضا کی خبری و گری .

\*\*\*



ببرک کارهله منشی عمومنی کمیته هرگزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی چه بروی دهه گراتیک افغانستان  
موقع صحبت باشندگه اشنیل سکرتی دروزارت امور خارجه هند .

ببرک کارهله منشی عمومنی کمیته هرگزی

حزب دو گراتیک خلق افغانستان و رئیس  
شورای انقلابی چه بروی دهه گراتیک افغانستان  
عصر ۲۰ سرخان شاهندر گهار سنتک اشنیل  
سکرتی در وزارت امور خارجه هند را برای  
دلات آثار فن پذیرفته و باوی روی موضوعات  
ببرک کارهله داده ۱۷ نیته له غرمی ورسنه هرگزی حزب دو گراتیک خلق افغانستان

دملکرو ملت دسرمنشی واکتر گورت والدهایم و رئیس شورای انقلابی چه بروی دو گراتیک  
امستازی زویز بربز دوکو ببر دانلابی شورا افغانستان تلگرام تبریکیه بمنا سبب روز  
به هفر کی و هانه او په صدیمانه فضا کی بی آزادی هردم هند عنوانی جلالههاب نیسلام  
سمجیزو اریدی رئیس جمهور هند به دهلهی جدید  
سکرتیه شده است .

\*\*\*

دافتارستان دخلک دو گراتیک گونند ورسه خبری ازی و گری .  
دعا کمیته عمومنی منشی او داغستان

دده گراتیک چه برویت دانلابی شورا رئیس از طرف ببرک کارهله منشی عمومنی کمیته  
دموکراتیک هرگزی ورسنه هرگزی حزب دو گراتیک خلق افغانستان



دافتارستان دخلک دموکراتیک گونند هرگزی کمیته عمومنی منشی او دانلابی شورا رئیس ببرک کارهله گله جی بی دانلابی شورا به مقداری خانی به هانی کی دفاریاب ولايت دیصار  
دولسوالی دزیار استوزنکو خلکو استازی منلی او دددستی او صدیقت نه یه دکه فضا کی خبری ورسه کوی .

ازه باور لرم چن پلاروپته ملى جبهه به ټول مترقي قوتونه دترقى، سوگى او دنوی مرغه  
حامد داعجاد به کارکم دخلکو قوتونه سره بېگى ..

سے کے کارمل

۱۹۸۱-۱۵-۱۳۶۰: اسدی

## قوت په و حدت

## اوپیوسٹون کی دی

سواره ها آینده خوبی بخت دارد.

• • •

زندگی و آزادی

• • •

مسئول عرضه ناسالم مواد غذایی در شهر  
کست؟

• • •

دیلار وطنی همی جیهی چور نمت دیوه  
تاریخی فمروزت به حیث

• • •

تا تیرات هنر و تمدن یونان در دوره گوشائی‌ها

三

در قیمت ریگار مکمله ها .

三

#### ادیات عایینه ها خود استبداد و استعفه از

• 8 •

برخی اصطلاحات عسکری در دوره امیر  
علی شیر نوایی

1

## جهه‌هایی های روانی در جهان مدرن

رَحْمَةٌ :

شرح روی جلد : رحیم مهریار و پرستو  
ادی خانان با استعداد داده تلمیز یون .

دِم :

شرح پشتی چارم : احمدخوٹ زلہی نطاق  
خوب وبا استعداد رادیو .

شرح پشتی چارم : احمدخوٹ زلہی نطاق  
خوب وبا استعداد رادیو .

شرح پشتی چارم : احمدخوٹ زلہی نطاق  
خوب وبا استعداد رادیو .

زمهور فوت يه وحدت کي دي ، دافغا-  
او دادهيات ندي . دانش خبری او بنکلسي حقیقت کي دا Afghanistan دزبار ايستونکو خلکو  
الفاظ ندي . دا زمهور دیولنی عینی او تاریخی دوخدت او بیوستون دخلاند سمبول په حيث  
تویی نه ډک شعاردی . او ددغه شعار دور-  
لوپسرورت تاریخ زمودخوختنده اوله بیښونه  
تاریخ راواړاندی کړي .  
زمهور دوبایاپلی هیواد دتاریخ په هنداره کي  
ایما داسی مثالونه شنه چې کله زمهور خلکو  
یووالی او بیوستون کي ژوند ګریدی ، تو  
بر ستر او عنایم بر مغځگو ته او بر یالنتوبونه  
به برخه شوي دي .  
عمندا اوس اوس چې د ګران افغانستان د  
بلواکی دیا ګټلوا ددوه شیتمی کالیزی د  
مانځلواو تجلیل خخه لړوخت تیریزی ، راپیاد  
و دخیل هیواد هفه قېړهاتان او شاز لمیان  
و دری خله یې له بر تانوی امیر بالیزم سره  
یمان او وطنیالش مقابله وکړه اوله دغه  
ونږی دېښن سره یې هنګولی ورکړي .  
راپیاد کړو ، ملا مشک عالم ، محمد جان  
ان وردک ، مسجدی خان ، غلام نبی خان  
و رخی او دا زادی د جنگوتو اور زمهونو ډېر  
ستر سالاران ، قېړهاتان او شمیدان ، هفه  
پیرمانان او سالاران چې دا زادی دشمنی سره  
لان شول او هغه شمیدان چې سیڅلوا وینوبي  
غه همیشه بیمار ګلان راتیولول .

نور مهر  
به اس  
ز  
۲۰۱۴  
تاریخ کم  
کشور ا  
گرامی  
وت ترج  
روی این  
بمت کر  
دانچه  
مل اسک  
در مقا  
مدعاو  
مکذا هم  
مت اعما  
بنه خود  
یا مرده  
نده خود  
فرد نا  
شیوه  
بنی بعد  
از هم

# سیاست

## سیار ۵۰۵ آینده خوشبخت دارد

علیه دشمن مشترک شان یعنی امپریالیزم روز تارو ز طبقه کارگر دد بخش بزرگی از جهان جبر اس  
ام ۲۸  
بسیار  
بهم نزدیک ترو فشرده از هم نمودند . سوسیالیستی بخصوص کشور های پیش  
دوران هاست ، سمت حرکت تکاملی جهان  
اسیا افریقا و امریکای لاتین را در گرفته است و به تبروی غمده مبارزه در راه پیش  
است . سوسیالیزم دو سیاست جهانی انتشار اجتماعی مبدل شده است . مبارزات سیاسی  
تاریخی را بدست گرفته است و مناسبات بین اقتصادی طبقه کارگر هر روز گسترده  
مللی علیاز توینی ایجاد کرد هاست کشور های سوسیالیستی از استقلال سایر کشورها  
داری از نفوذ و اعتبار زیادی برخوردار هستند .  
و تمام مساعی انحصارات استعمارگر بر پاسی  
دو مقابل دسایس ویدوش های امپریالیزم  
تجزید این احزاب به ناکامی تجاهید افریقی  
و حقیقتی جنبش های ازاد بخش ملی، یکی از سه جر در وطن  
انقلابی تصریح هاست که خربات گوینده  
وجود کشور های سوسیالیستی امکانات صدور  
انقلاب را از جانب امپریالیزم وارتعاج وارد می‌آورد .  
بر امپریالیزم وارتعاج وارد می‌آورد .  
کومنیستی  
لذا گفته می‌توانیم که جنبش انقلابی جهان  
بایکام های بلند واستوار به بیش از ۵۰٪  
دگویان ترین حقیقت درین زمینه دفاع برادرانه  
و دوستانه از انقلاب ملی و دمو کراتیک مردم  
مردمان جهان و تسلط بدون چون وجرای متابع  
و مأموریت خویش می خواست آنرا در گلوخنه  
در سراسر سیاره هاست نزدیک و نزدیک شدند  
تریشند و دریک گلمه گفتند می توانیم که در کشور  
سازد و باصورت شد انقلاب به افق نстан  
یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی ، جنبش  
جهانی کارگری و جنبش ازاد بخش ملی بمتابه  
یک روند انقلابی علیه امپریالیزم بمارزه  
افغانستان و در رأس کشورگیر شورا ها  
زنده باد آزادی واقعی انسان .  
این دسیسه را شجاعانه ختنی نمود .

### تشکیل می‌دهد

نشاد بین-این دو سیستم که نشاد اصلی دوران هاست ، سمت حرکت تکاملی جهان ایشان را تعیین می‌کند ، نشاد میان این دو سیستم در همه زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، ایدئولوژیک و فرهنگی و در همه رویداد های تاریخی را بدست گرفته است و مناسبات بین-المللی احزاب توینی ایجاد کرد هاست کشور های سوسیالیستی از استقلال سایر کشورها  
داری از نفوذ و اعتبار زیادی برخوردار هستند .  
آری نشاد میان امپریالیزم و سوسیالیزم  
نشاد اصلی دوران هاست و در کنار این  
نشاد ، اصل های پر اهمیت دیگری  
از اند نشاد میان امپریالیزم و جنبش های از اند بخش ملی ، نشاد میان کارو سرمایه در خود کشور های سرمایه داری و هکذا نشاد  
میان خود کشور های امپریالیستی نیز وجود دارد که در آخرین تحلیل می‌توان گفت که همه این نشاد های بین المللی تابع نشاد  
امپریالیزم در تنظیم سیاست خود در زمینه های استراتیزیک و تکنیکی ناگزیر است گرایش اصلی دوران ما را در نظر گیرد تناسب نیروها در مقیاس جهانی به زیان امپریالیزم ویسود نیروهای صلح و ترقی تغییر گردد و در آینده نیز تغییر خواهد گرد اکنون بمارزه میان امپریالیزم بعنوان یک سیستم جهانی و سوسیالیزم به عنوان سیستم جهانی وبالنده دیگر معور غمده مبارزه طبقاتی دوران ما را

جهان ها ، این وطن مشترک همه بشریت دستخوش تحولات و تغییرات بزرگی است حواله و رویداد های مالک مختلف جهان نمایان نکر آنست که این تحولات و تغییرات بادوران مانکه دوران گذار از سرمایه داری به جامعه بدنون استثمار انسان از انسان است . همچنان کامل دارد . این از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه تزاری آغاز شده است . انقلاب های کارگری و مترقبی در کشور های اروپا ، آسیا و امریکای لاتین و همچنین انتخاب راه رشد غیر سرمایه داری از طرف تعدادی از کشورها ، صحت تحلیل ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر را نشان می‌دهد .  
امپریالیزم در تنظیم سیاست خود در زمینه های استراتیزیک و تکنیکی ناگزیر است گرایش اصلی دوران ما را در نظر گیرد تناسب نیروها در مقیاس جهانی به زیان امپریالیزم ویسود نیروهای صلح و ترقی تغییر گردد و در آینده نیز تغییر خواهد گرد اکنون بمارزه میان امپریالیزم بعنوان یک سیستم جهانی وبالنده سوسیالیزم به عنوان سیستم جهانی وبالنده دیگر معور غمده مبارزه طبقاتی دوران ما را

رسانیده بول ، اموال ودارانی شان را بتاراج

برندند .

هنگامیکه درستخیزدیلرانه شش چندی انقلاب توروارد مرحله نوین تکاملی خود گردید ، مردم وانقلاب ماز تباھی و شکست وحزب از هصیبت انحراف نجات یافته ، حفظ الله امین و باند جنایتکار شن به کیفر اعمال خانانه خسود رسیده و برای عیشه در اسفل السافلین زباله دان تاریخ جانیکه برایشان مناسب بود مدفون گردید .

در حال حاضر که انقلاب ملی و دمو کراپیک ما با ماهیت ضداستعماری و خسید استعماری اش سیر صعودی خود را در روند تاریخی می فکانه می پیماید از جمله وظایف فوری ضروری وعده ایکه در برابر دولت جمهوری دمو کراپیک افغانستان قرار دارد ، تأمین امنیت در سراسر کشور و قلع و قمع کردن باند عای فرستاده شده از خارج و عنصر خسید افغانی و تأمین صلح در سراسر کشور میباشد که در جهت رسیدن تا فرصت آن میباشد که در جهت رسیدن به استقلال اقتصادی و ترقی اجتماعی اقدامات جدی بعمل آید .

اکنون که مردم مایوس نوشت شان حاکمیت دارند بر تمام عناصر متفرق و نیروهای وطنی دوست است که با حزب طراز نوین دمو کراپیک خلق افغانستان «پیشاھنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور» و دولت جمهوری دمو کراپیک افغانستان همنواودریاک صفت باخاطر حفظ تمامیت ارضی ، استحکام استقلال و حاکمیت ملی و تطبيق و عملی کردن هرگز حزب و مسئی دوای برای بر آوردن آرمانهای والای مردم و املاعه عقیماندگی ، فقر ، جهل ، بیکاری و بیماری که میراث شوم دوران سر دهداری آل یعیسی میباشد ، همچنان برای اعمار ویرانیهای دوره فتور امیر حفظ الامریکای سیاه و ایجاد جامعه مرله ، شکوفان و فاقد طبقه که استثمار انسان از انسان در آن وجود نداشت

باشد پادرک مسوولیت های سترگ تاویغی خود آماده کار ویکار شده از دست آورد های انقلاب تور و مرحله نوین تکاملی آن مجدانه دفاع گرده دشمنان داخلی و خارجی کشور را با اجریان خود فروخته شان مجال ندهیم که بیش از بن بقعا بیت عالی تغیری شان در مملکت مادوام داده بتوانند .

فرخنده باد خاطره تابناک شصت و دومین سالروز استداد استقلال کشور ، این خوبیای سبداء راه آزادی ما .

بیرون باد حزب دمو کراپیک خلق افغانستان و جمهوری دمو کراپیک افغانستان . هرگز بر ارجاع و امیر بالیزم .

به بیش در راه اعمار جامعه مرله ، شکوفان بیرون ، جوان و اطفال معصوم را با پیر حمی بقتل و بدون استثمار .

نگهدارند .

اگر چه با اتفاقیل ، مبارزین وطن پرست در خلال این هدت وقتاً فوقاً برای نجات مردم و وطن و برانداختن دود مان فاسد و اهربیش نادری وایجاد یک حکومت مستقل ملی به پیکار سر بلند کرده اما از طرف آل یعیسی و عمال مرجع شان به فجع ترین وضع سر کوب گردیده اند .

تا اینکه در نهایت فرزندان مبارزو انقلابی کشور با در نظر داشت تجارب تلح نیم فرن گذشته ، شانزده سال قبل از امروز بنایسیس حزب رژیمی دموکراتیک خلق افغانستان «پیشاھنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور» که جهانیش علمی را رهنمای عمل خود قرار داد اقدام گردند .

این حزب پیشاھنگ طی این هدت چه بسا فراز و نسبیت ها و پیج و خمبا نیرا که در کوره راه های مخفوق تاریخ در مسیر خود توان با قبول مشکلات توافق ساودادن قربانیها برخود تحمل گردید .

نادر فرجام بتاریخ ۷ تور ۱۳۵۷ که شرایط

عنی و ذهنی انقلاب بكمال نفع خود رسیده بود ، به اتریک قیام دلیرانه بر عبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آخرین درخیم خاندان نادری ازین رفتاریها حکومت نوع فانیستی داود مستبد ، دولت مستقل دموکراتیک ملی در کشور ها مستقر گردید که این داد سراسر کشور از جانب مردمان شریف ها با شور و علیله زاید الوصف با گرفتی استقلال گردید .

اما دیسری نگذشت که وحدت حزب بتوسط حفظ الله امین لعین این اجنب معلوم الحال امریکا و گماشته وفادار سی ، آی ، آی نفس و بیشترین احساسی بر جسته و گادر های ورزیده حزب از وطن متواری و یا از صفوی حزب ویست های دولتی اخراج و نیز تعداد کثیر شان محبوس گردیده و با در بولگرنها بشیاد رسیدند .

حفظ الله امین جلد زمینه را طوری

مساعد ساخت که امیر بالیزم جها نخوار بین امیلی در راس امیر بالیزم ددمتش امریکا واقعه مرجع شان در تبانی با هزمه نیست

های جاه طلب چیز و ارجاع منطقه با همان

شیوه سابق استعماری باز هم با مداخلات

بیش راه علی در امور داخلی کشورها بفسد

دولت جمهوری دمو کراپیک افغانستان داشته

مشهود های که سبق جوایز انتگلیس را

در بروپا گند های خود تکرار گرده و با فرستادن

باید های تروریستی آرامش مردم را در فراء

و تواوح برهم زده ، مکاتب و شفاخانه ها را به

آتش کشیده ، مردم بیچاره اتم از مرله ، زن

پیر ، جوان و اطفال معصوم را با پیر حمی بقتل

به استقبال شصت و دومین سالگرد استداد استقلال سیاسی کشور

## زندگی و آزادی

اریخ کوه صادق این حقیقت است که مردم افغانستان آزادی را بیتابه زندگی دادن به عقیماندگی دیرینه که چون داغ نگین کرامی داشته و هرگز را بر حیات دادن ترجیح میدهد .

روی این مامول در مقابل مهاجمین مردانه رفت کرد و با اسفاکران دلیرانه روزه دنیا معاویت مردم شجاع افغانستان در این مدت اسلامی و چیزی و قیامهای علی مردم ایجاد نموده اصلحات اقدام کرد .

اما این مامول در مقابل مهاجمین مردانه رفت کرد و با اسفاکران دلیرانه روزه دنیا معاویت مردم شجاع افغانستان در این مدت اسلامی و چیزی و قیامهای علی مردم ایجاد نموده اصلحات اقدام کرد .

چون امان الله خان جلای وطن گردید «جنپیش از اینکه کابوس سلطه استعمارگرین از این مدت اعظام جهان را در بحبوحة حیض و بیض خود سخت میفرشد درین خطه برپیش یاری ایجاد نموده اسلامی و چیزی و قیامهای علی مردم ایجاد نموده اصلحات اقدام کرد .

یا مردمان غیور افغانستان فربات خورد بعداز هدیتی چند ، سرو کله نادر خدار که کویا در عقب جبهه کمین گرفته بود نهایانه گردیده و یا اجرای یک مانور نظامی بکومک باداران انگلیس خود حبیب الله مشهود به بجه سقا راکنار زده زمام امورهملکت را خود بدست گرفت .

از زمان احرار استقلال سیاسی کشور ناگذور هدیت شصت و دو سال کامل گذشت . طی این هدت بالتبه طولانی در جهان تعولات شگرف رخداده است .

از هیولای میبیب استعمار کهین جز شبح محضری باقی نهاند ، امیر بالیزم در استقلال زوال کشانیده شد . سوسیا لزم به قدرت بزرگ چبانی مبدل گردید ، جنپیشی رهائی بعد ازینکه مردم با همت افغانستان استقلال بسیار خود را سر فرازه اعلان کردند .

از هیولای میبیب استعمار کهین جز شبح مهالک رویه اکشاف آسیانی - افریقانی و جر در وطن هایز داده بودند ، آرام نه - و در برخی از کشورهای بیرونی زایی چشمگیری بستند و بقصد دولت نوبناد افغانستان به نایل گردید .

طنه و شانه از برداختن ویرای بر هم زدن بسیار خود را برداختن ویرای بر هم زدن اما مدت میان اکشاف آسیانی - افریقانی و جر در وطن هایز داده بودند ، آرام نه - و در برخی از کشورهای بیرونی زایی چشمگیری بستند و بقصد دولت نوبناد افغانستان به نایل گردید .

اما مدت میان اکشاف آسیانی - افریقانی و جر در وطن هایز داده بودند ، آرام نه - و در برخی از کشورهای بیرونی زایی چشمگیری بستند و بقصد دولت نوبناد افغانستان به نایل گردید .

نادر سفک و باز ماندگان فاسد وطن فروشن و ددمتش آن برای حلقه سلطه هندی خانواده خود های میبیش آغاز گرده بود مشتعل سازنده .

نادر سفک و باز ماندگان فاسد وطن فروشن و ددمتش آن برای حلقه سلطه هندی خانواده خود با تعقیب یک سیاست استبدادی مطلق نسبت امانتی که در پیشاپیش جنپیش رهائی العنانی حتی المقدور کوشش گردند ، وطن مارا بوضع عقب مانده بحال قرون وسطانی

# گردهم آیهای اختصاصی زوندون

مسایل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

در بونه نقد و انتقاد

مسئول عرضه ناسالم مواد غذایی

در شهر کیست؟

ریاست طب و قایوی وزارت صحت عامه

و یاری است امور صحی شادوالی کابل؟

چگونگی تبیه مواد غذایی سکل عرضه آزادگی

موارد زیر خلاصه ساخت:

از نظر صحي هیچ کنترول و مراقبت وجود ندارد.

یک اینکه شاروالی کابل که مسؤول صفاتی

ندارد و اگر دارد به حدی اندک است گایجات

و پاک تکیداری مرکز زندگی مردم در شهر

محسوس نمیباشد این وضع موجب خود سر را

شای فروان گشته و اغلب خوارک رستورانها در ز

وجاده ها، پیاده روها و کوچه ها و محلات شهر

میباشد با آنکه از هر شهر وند تکسی نیز به

خاطر ناسالم بودن از نظر صحي بیماریها به ص

دا برای مصرف کننده ها موجب میگردد.

صورت سه دیگر اینکه:

عرضه مواد غذایی از هائند میوه جات الی

در کوچه هاو گاه مقابل هنالی ترا کم میکند،

ترکاری و گوشت که مصرف فروان دارد به نجفی ناک

میگردد، تعفن ناشی از آن شهر وندان را

غیر صحی صورت میگیرد، در فصل گرماییها و

صرف شیرین و زیاده نیز زیاد میگردد اغلب بعضی

شیر مورد استفاده فرو شدنگان این مواد فام که د

بوده و در اماکن فروش آن همکن به حد غیر نادیده

دو دیگر اینکه:

باتوجه به افزایاد روز افزون چمیت در

فایل تصویری و چود دارد در همین ردیف تفاوتی

فروشنده کان و عرضه کنند کان مواد غذایی را

کافی هاو رستوران ها نیز در کابل

ارزان قیمت میتوان نام برد که در مرکز در

به بیمانه وسیع افزایش یافته به چونه یعنی که

جمعیت شیر به صورت سیار و یا نایاب اشاره

میتوان تخمين کرد روزانه در این جایگاه های

کار خود اشتغال دارند و مواد خوارکی ایران امکان

عرضه مواد غذایی آماده شده بیش از یکصد

هزار نفر و یا در همین حدود صرف غذا میکنند

ندارد بلکه مضر صحت بوده و به آسانی عنوان

مواد غذایی به گوندی ناسالم است که میتوان در

میتوانند مشتریان خود را که اغلب کودکان و افراد

نیز هستند

طرح و تنظیم: رووف راصع

حکم: راحله راسخ خرمی

زیر نظر: گروه مشورتی زوندون

در این جمل:

۱- دیپلوم انجیر سنگین شاروال کابل

۲- دیپلوم انجیر محمد ز دیز نیس کمونیشن وزارت مخابرات.

۳- سید د. حسن شیتواری د نیس تصدی هی بس

۴- انجیر عبدالستار اور بیان د نیس آبر سانی

۵- انجیر احمد الله پویا ناینده د بیان بروزه سازی کابل.

۶- شمس الدین نو بہاری د نیس تفتیش شاروالی کابل

۷- دکتور محمد کبیر عالی د نیس امور صحی شاروالی کابل

۸- عبدالباقي آ مر پلان آ مر بیت عمومی

۹- دیپلوم انجیر محمد صدیق عبا دیز نیس پلان شاروالی کابل

۱۰- غلام سرور عظیم زاده سر پرستربیانست تبلیغ شاروالی کابل

و گروهی از اعضای مشورتی زوندون شرکت داشتند.

رووف راصع:

بنگی از دشواری های عده و اساس شهربان بروز و سرایت بسیاری از بیماری ها کشته

کابل که موجب شکایت های فروان خانواده و بنگی از سبب های عدم تامین صحي به شمار

همیگردد مساله کثیف بودن شیر و عرضه آمده میتواند.

مواد غذایی به گوندی ناسالم است که میتوان در

این دشوار بیان و شکایت هارا میتوان در

صفحه ۶



## گرد هم آن های اختصاصی زویندون

گوشه بی از هیز گرد زوندون .

این شعبه به وزارت صحت عامه مربوط باشند و خواه به شاروالی کابل، و آن اینکه همین اکنون در چند صد متري شا ر و ۱۳۵ کابل ده ها نوع از کنسرو های مواد غذایی و قوطی های شیر مورد خرید و فروش قرار میگیرد که بیشتر آنها تاریخ مصرفشان هدته است سپری شده و این موضوعی است در خود توجه، چراکه روزانه صدها خاتون از این مواد کنسرو و شنیده فقط با اعتماد به صحی بودن آن مصرف میکنند در حالیکه ممکن است هر یک از آن بتواند موجب بیماری هایی در اطفال و بزرگسالان گردد - به این ترتیب میتوانیم به این ضرب المثل مردمی اعتقاد کنیم که اگر کمن آسیا گند است مقداری هم گنم تر است یعنی اگر علم تامین موادر صحی خذایی در شهر مقداری به خاطری شرایطی است که از میان برداشتن آن وقت و بول و پرسه نسل کافی هیچوارد مقداری هم به خاطر بی توجهی هایی است که صورت میگرد.

رئیس امور صحی شارووالی :  
دو تامین مسائل صحی و عرضه سالم مواد  
غذایی هم شعب و قایلوی وزارت صحت، نامه  
مسئولیت های مشخص دارد و هم ر است  
امور صحی شارووالی کابل .

در مجموع هیتوان گفت طب و قابوی وزارت  
صحت عامه مسروق به وجود آوری تعامل آن  
شرایطی است که اختلال خطرات صحی و  
بیماری هارا از میان برداشد و تا جایی که این  
مسایل هربوطاً به ساحه خدمات شیری پوشود

عمراء با مشکلات فراوان است .  
تعداد رستورانهایی که در این محلات  
دارند بیش از دو سوم تعداد تمام رستا-  
وران است و برای رعایت موارد صحی-  
خانه ای مراکز عرضه مواد غذایی تغییر گ-  
ردیده شود که در نتیجه جمعی فرا-  
زیر و ندان پیکار همیانند .

باشد در نظر داشته باشیم که عرض  
خواهی فقط باکنترول صحی بودن هو  
استفاده عملی شده نمیتواند، تگاهی بهو  
ها بین از هائندی که شما از آن یاد  
بیندازیم دراین هرگز مواد خذابی  
ارزا نترین انتخاب میگردد، شکل به  
صحی نمیباشد لباس آشیز با عواز  
برابر نمیباشد شکل عرضه و ظروف مور  
صحی نمیباشد و برای از میان برداش  
تین عوامل غیر صحی شیخ را اش جز  
گردن و یا ستدود ساختن وجود ندارد

صعب نواون و زارت صحت عامه او  
نا روغتیا پال هاو امور تعليمات ص  
دراین زیته ها همکاری وسیع و هم  
شاروالی داشته باشند حداقل این ا  
وجود آمده هستواند که تاحدودی شرایط  
صحیح باشد غذای عمل شده به تابع

با اندک پرسنل ما هم شرایط صحی عرضه مواد غذایی و هم کنترول قیمت ها ممکن گردد ساخته هایی را که تخریب گردید ، و تلاش امکان ساختمان در آن به مطالعه گرفته نشده برای عرضه مواد غذایی از هائند میوه جات و ترکاری اختصاص داده ایم .

ما برای تامین شرایط صحی در شهر کابل خواه در مورد عرضه سالم مواد غذایی باشندو خواه در زمینه های دیگر تامین بدهانست شهری نیاز مند به کمک گستردۀ وزارت صحت عامه میباشیم در حالیکه متناسبانه از این کمک بسیار کم و آنکه بر خور داریم تشخیص مواد غذایی سالم از ناسالم احتیاج به لایرانوار هایی دارد که به صراحت میگوییم اگر وزارت صحت عامه ما را یاری ندهد ما از خود نه چنین وسایل تجربی و آزمایشی لایرانواری داریم و نه هم امکانات تبیه آنرا.

درهورد رستورانها و غیر صحی بودن مشکل عرقه نان نیز حق باشما است، اما شرایط نیز بگونه است که به عهان دلایلی که خود اشاره کردیده برآورد نمایند. آنها ممکن قویباشند، به این دلایل گه اغلب رستوران های ارزان قیمت در نقاط گنگساز

نمود کشان کم عاید میباشد به انواع  
ها مصايب گردانند .

نیاز اینکه : در شمار مواد غذایی که از  
بوریده میگردد به فراوانی میتوان موادی  
که به مصرف گذشتگان عرضه میگردد در  
تاریخ مصرف آن هدت شاست گذشتند.  
طبیعی است چنین مواد غذایی صرف  
دارا نبودن ارزش غذایی ناسالم و به  
اوونده بیماری ها هم میتوانند تلفن

مهم دراین بخش بحث این است که  
این عهده ناپسامانی که هیتوان موارد  
از هائند غیر صحی بودن حمام‌ها ،  
های سیار و پرا کنده در داخل شهر ،  
افت روزافزون دریایی کابل وغیره را  
آن افزود کیست ؟

ست طب و فایوی وزارت صحت عامه  
و مسائل نامیردها زان را متوجه ریاست  
محن شاروالی میسازد و یا خوداین  
که شاید متفاپلا تمام مسؤولیت را به  
فایوی متوجه سازد؟

خن آخر اینکه چرا میان این دو ارگان و مسوول عرضه خدمات صحی در شهر و تفاهمی به وجود نماید که با استراتژی و همکاری پلان شده حجم مشکلات

در این زمینه کاهش یابد ؟  
از موارد از شاروال کابل تقاضای  
ج دارد \*  
دوال کابل :  
له مواد غذایی به گونه صحی در شهر  
ونه که خود تان در بخش از سخنان خود  
گر آن شدید ، مستقیماً ارتباط دارد به  
زندگی شهر ، به چگونگی وضع اقتصادی  
و امنی چون تامین حفظ الصحه محیطی که  
ایجاد شرایط فراوان و نوسازی های  
مر را میکند و برخورداری مردم از آگاهی  
در زمینه های تعليمات صحی و امور  
به صحت \*

صورت یک کل با توجه به علم زمینه‌های  
د سخن بسیار مشکل به نظر می‌اید که  
الی تقابل و آن هم با پرسوئل کم و اندک  
جهه ناکافی خود بتواند به همه این

از پیها و پر ابله های اتفاق آید ولی این هرگز  
نمی‌معنی نمی‌باشد که ما مسایل مورد انتقاد  
که در واقع از زبان خانواده های طرح  
نمایدیم اثکاشته باشیم و یا در برآوران  
تفاوتنی و سریل انتگاری مواجه گردیم.

لاروالی کابل وبالغاصه در دوره جدید  
ن در پهلوی مشکلات دیگری که به آن  
اشارة گردیدم در زمینه دوره بحث نیز  
امکان وحدت توان خویش تدبیری راهور  
آن قرار داده است \*

او دمو کراتیکو طا فتو تو خخه يه  
نون ورخ چي دنېي دروسټرانګلابي قوتونو له  
ملې آزادى بېخښوونکى جېشونه، پەيانگولو  
سەرە كولاي شى انقلاب نور ھم ڈور ا  
ھيادو كى كارگرى تېپستونه او تويه سو.  
شىك نىشە چى دەلى دمو کراتىكى  
تاسيس او جوبىت كە هە خومە بىرى  
وي خوطېقاتى مبارزە پاى تە نىشى زە  
شوى او لاپسى تابود يېنى يېلىكى پە مختلى  
داخكە چى هە طبقة د جىبى پە دەن  
سەرە مخاخى كېي خۇ دقاو توازن او انپول تە  
دەخلىو طبقاتى كېتىوار مەترىك دېئەن دەم  
يې دسوله غوبىستونكى مەترقى او انقلابى قوتونو  
مبارزە كۆي، جەتكىظى او دەغلىي ئىبار  
تلاپىن كى وي او يو لە اجتماعى طبقي  
طبقاتى تېتى داتامىن بەخاطر خەك دېلى د  
يە هە اندازە چى دەنگە انقلابى طوقان شەند  
تىكى طبقي سەرە وحدت كۆي چى خېل  
كېي او دەكىدىشىن يە مەقابل كى و ج  
نۇھەندە خاي دى چى يېجىبە كى دەن  
ترەمنىخ داخلى مبارزە دەدوي دەطبقاتى  
آزادى او ملى مستقلو دولتونو تە رسېزى او د  
مەترقى كارگرى نظامونو تېكلى او بېوستون  
اسانە كۆي دەلى دمو کراتىكى دولتونو  
تېكلى ئېن دەخلىو ملى او دەموکراتىكى و ئەطايەن  
لە مەغى دەبولى يە ۋەلۇ ملى او دەموکراتىكى  
طبقو او فېرونوبورى: ھەلری تېبۈھە تاڭلىكى او علمى  
بروگرام لاندى دەبۈي ملى دمو کراتىكى جىبى  
يە واسطە دەخلىو امېرىيالىستى شە او فيودالى  
شە دەبارزولە لارى داوسىنى زمانى د يوھ  
ترەمنىخ اتحاد راغلى وي نۇ پېرىدى پۇستە يە  
دەدوي پە منخ كى چېرە جەنلى مەجۇمۇ  
ھەقە عمومى بېروگرام دەنە كېي او بېرىشلى مە  
نوكى دەبولى دېنىش او ذەنى شەرابىو سەرسەم  
ملې دمو کراتىكى جىبى تە كېب او تنقىيم كېي ملى  
و مۇمن يە ھەنە اندازە بىن انقلابى مبارزى دەبولىز  
دەبۈي دەموکراتىكى انجلابونو ستىرىي دۇنۇ يە  
انقلاب بە لور ودە او پېرەنگى كۆي  
يە عىتى اصولو او بىاد غېرەتەمنىخ يە ھەنە  
ھەقە عمومى بېروگرام دەنە كېي او بېرىشلى مە  
تە ورسېرى او نور یەل زەھەتكىبان چەنلۇ د  
ھەنە خە دا كار مەنكى تە دى، لەدى  
انقلابى روشەنەكىران، كاسپىان، وېدوکى بائىگول  
ھەنە خە دا كار مەنكى تە دى، لەدى  
ھەنە خە باسى خوبى عكس باید خە وشى خېزە  
او قىشىۋە دەلى دمو کراتىكى جىبى دەبەم  
غېرەخە گېنل كېزىي. خوبىايد ووپىل شى يە  
غەرە اندازە چى دەنگە كەنەنلىكى كەنەنلىكى  
او بېزگەن يە منقىھە توگە تېكىل كېي يە ھەنە  
اندازە انقلاب ۋە بېرى تە ورسېرى او بە خېل  
دەموکراتىكى صفت او لېكۆكى ودرۇو غوبىش  
زور تابە سەرە دەتكامىل وروستى يېاوتە خان  
راز جېبىو كى ئەغانە ونبە واخلى سەمعارى  
پە عمومى دۇل يە يۈلىسايىپى او اپەيل مە  
ھيادو نو كى چى وروستە يانە تولىدەنلىم او  
ولرى يە فيودالى او ماپىل فيودالى ائىر خلى  
ھەناسباتو كى پراتەمىي ملى دمو کراتىكە خلاقىت  
چېبە يې دەبۈي دەرسەتە يانە والى يە كولاي  
دەتشكىل يە خاطر ئېرىي سەتونزى ترى پەست  
چۈپىت او غېر سەمايدارى دودى دلارى پە  
اساس دەبولى بېرەنگى دەھرى دەموکراتىكى  
طبقى يە دەھرىي امکان تېلى شى او بە خېنۇ  
وختۇنۇ كى لاداس ھە بېبىزىزى چى يو لە  
مەترقى او تحول غوبىستونكى مەنۋىن او افسان  
پە عمل كى دېجىش دەھرى يە غايدە واخلى او  
دەخلىو فيودالى شە او امېرىيالىستى شە ماھىت  
وئى، گۈند وئە اوسىپاس معحالى ولىرى دەكىر  
إە مەغى داسى ملى دەموکراتىك دەلت چۈپىت  
فيودالى شە او امېرىيالىستى شە دەھرى جەنگىز  
چى بە وروستۇ مبارزۇ كى دېڭىل شەرابىو يە  
اساس دەبولى دەطبقاتى قوتونو د تېكىب د  
تېكە جېبە يې بە نىسبتا اسانى سەرە جەنگىز  
تەپىزىز لە مەغى دەنېرپاوا سۆسيالىستى سېستم  
دەھرى خېزىزى ھەستى او دەبولى دەنېرپاوا  
ملې دمو کراتىكى ارمەنۇن تە ورسېرى دەنېرپاوا

# د پلا د وطنى مەللى جەمهەرى جۇر نەت د يوه ۋەزارىيەتى ضەورت پە حەبىت

كە خە ھە دەلى دەموکراتىكى جىبى طبقاتى  
اتحاد او بېرپاوالى پۈرىايدە لرى كە خە ھەنە  
ترېكىب دەبۈي دەپلى تېللى دەنەنلىكى دەنەنلىكى  
حالت خە نەنلر وېل حالت تە تۆپىر مۇمن خوبى  
يەلۇ دودى يە حال ھيادو نو كى دەلى او  
دەمەنگىشى پېرولتار يەواوەھقۇرى دەگۈند لە خەنەنلىكى  
تە ورسېرى او نور یەل زەھەتكىبان چەنلۇ د  
ھەنە خە دا كار مەنكى تە دى، لەدى  
انقلابى روشەنەكىران، كاسپىان، وېدوکى بائىگول  
ھەنە خە دا كار مەنكى تە دى، لەدى  
ھەنە خە باسى خوبى عكس باید خە وشى خېزە  
او قىشىۋە دەلى دمو کراتىكى جىبى دەبەم  
غېرەخە گېنل كېزىي. خوبىايد ووپىل شى يە  
غەرە اندازە چى دەنگە كەنەنلىكى كەنەنلىكى  
او بېزگەن يە منقىھە توگە تېكىل كېي يە ھەنە  
اندازە انقلاب ۋە بېرى تە ورسېرى او بە خېل  
دەموکراتىكى صفت او لېكۆكى ودرۇو غوبىش  
زور تابە سەرە دەتكامىل وروستى يېاوتە خان  
راز جېبىو كى ئەغانە ونبە واخلى سەمعارى  
پە عمومى دۇل يە يۈلىسايىپى او اپەيل مە  
ھيادو نو كى چى وروستە يانە تولىدەنلىم او  
ولرى يە فيودالى او ماپىل فيودالى ائىر خلى  
ھەناسباتو كى پراتەمىي ملى دمو کراتىكە خلاقىت  
چېبە يې دەبۈي دەرسەتە يانە والى يە كولاي  
دەتشكىل يە خاطر ئېرىي سەتونزى ترى پەست  
چۈپىت او غېر سەمايدارى دودى دلارى پە  
اساس دەبولى بېرەنگى دەھرى دەموکراتىكى  
طبقى يە دەھرىي امکان تېلى شى او بە خېنۇ  
وختۇنۇ كى لاداس ھە بېبىزىزى چى يو لە  
مەترقى او تحول غوبىستونكى مەنۋىن او افسان  
پە عمل كى دېجىش دەھرى يە غايدە واخلى او  
دەخلىو فيودالى شە او امېرىيالىستى شە ماھىت  
وئى، گۈند وئە اوسىپاس معحالى ولىرى دەكىر  
إە مەغى داسى ملى دەموکراتىك دەلت چۈپىت  
فيودالى شە او امېرىيالىستى شە دەھرى جەنگىز  
چى بە وروستۇ مبارزۇ كى دېڭىل شەرابىو يە  
اساس دەبولى دەطبقاتى قوتونو د تېكىب د  
تېكە جېبە يې بە نىسبتا اسانى سەرە جەنگىز  
تەپىزىز لە مەغى دەنېرپاوا سۆسيالىستى سېستم  
دەھرى خېزىزى ھەستى او دەبولى دەنېرپاوا  
ملې دمو کراتىكى ارمەنۇن تە ورسېرى دەنېرپاوا

نه په  
ذور ا  
ادویه  
تراتیکی  
ره بور  
سی دم  
سه دنت  
من دوه  
لپار  
طبقی  
ذبلی د  
خیل -  
و ج  
دند  
لقانی  
ی که  
سازه  
زند  
اوسته  
ازده م  
کوبنونو  
گتی لی  
لاکن  
ل غیره  
اوپر فنی  
مشترک از  
کبود ملی  
ری ۵۰  
ب دلای  
یه قه  
هم بیل  
برادران  
او زیانه  
له خزانه  
من چرتو  
لهدی ایکی  
وشی خیزه  
به ۳۵ کلو  
میر بیا  
یه ند دکور  
خوبیش  
ستعما  
یه افر  
یه افر  
تیکه خلا  
د کولای  
روی بست  
رنو کالیز  
برخن بید  
دکوری  
دوغزگران  
جوواجران  
گرایی  
زندی و دلی

او دندو گراتیک جمهوری دولت دنیاسیس به  
وخت کی بی دملی دو گراتیکو وظیفو اجزا او بی  
طلقو ټولنی ته رسیدل اعلان کړل یېله شکه  
جی دندګه ټول ملی او دو گراتیکو اړه انونو او  
وظایفو تطبیق ټیولنی دکولو ژهمتکیسانو ډنیشنو  
او اړه انونو واقعی مظہر دی خوله بدنه هرغه  
تر لې وخت وروسته دغه ملی دو گراتیک  
بروگرام چې د خلکو ځوبنسته به واقعی توګه  
معنکسوی دبو لې حماقونو او اهیشی بانه د  
خیاتونو به نتیجه کی ډیکورو ټیونسته اعمالو  
او او انوریستی فعالیتونو فربانی ته برآبرشول  
دانهوا خرگنده شوہ چې ګواکی هیواد دیوی  
لوین داسی دیسیسی فربانی کیزی چې نه یوازی  
یه منطقه کی عمومی بحران خلق کړی بلکه  
دنې یوالی سولی یه پکړی هم دنارامی یو تود  
داغ گیسردی .

چې به همدي اساس دجدی به شپږه نیټه  
دانګلاب نوی پړ او راهنځ ته شو او دملی  
ډیکورا ټیکو وظایفو تطبیق لپاره یې دهیواد  
سیاسی جښش ته دهشتک ملی او متفرق عمل  
لپاره اهیموهه او نوی هیلی پیدا کړی . دلته  
لazمه ده چې دهیواد ټوله متفرق او وطنیا  
کرویونه او اسخاونه یې پوره پیړانه او صدافت  
دیوی داسی چې ټیکو صفوی ټینګ او محکم کړی  
چې دجنګ او وخت په مقابل کی وچنګیں  
لنډه داچې اوس یه سوری او غیر شعوری  
نو ګه به افغانستان کی دجنګ او وخت  
صفوونه چې په مستقیم دو ډیکور نیو متباوز  
کارانو او داخلی ټیکورا ټیکو هنافع ساتی جوړه  
شوی ده نوی په مقابل کی به خورا جدیت  
او مهارت سره دسوی دنامین او ملی دو -  
کراکیو هدفونو درسره کولو په مقصد دهو -  
کراکیو او ډیکورا ټیکو شد ټوتونو تر منځ  
بو داسی پراخه ملی متحدی چې ټیکو  
جوړنست چې دیوی خود جکړی او تهاجمانو  
مخ ونسی او دبله پلوه ډیکورا ټیکو او  
ټیکورا ټیکو دهه وظیفه تر سره کړی چې  
زمون ډژهمتکیسانو ورځنی ځوبنسته جوړوی ،  
بو تاریخی ضرورت دی .

استقلال او پرمختګ لپاره پوره لاره خلاصه شوہ  
اویس چې هر خوړه آزادی بځښوکی جښش  
بیاواړی کیزی به هم هقه اندازه ډیکورا ټیکو  
ټیکو ټیکو دهه وظیفه ته خانونه رسوی ددی لپاره  
چې نوی آزادی بځښوکی جښشونه نور هم  
کال یه مستعمره او نیمه مستعمره هیوادو نو  
دتكامل خپلی وروسته مر حلی ته ورسیږي  
کی ډیکورا ټیکو شد چې پوره به ګله داسی  
وویل : « ډیه مستعمره او ټیکو دهه وظیفه  
نوکی ډیکورا ټیکو شد چې پوره بډونه  
وخت کی باید دهه نه نه لومړی داولسونو  
ډیکورا ټیکو شد ډیکورا ټیکو دهه وظیفه  
ازدادی بځښوکی ملی چښش پوځوالی او به  
عنه کی دېرولتاریا لغیزه په همدي تسو که  
پراو لسونو باندی دکمونیست ګوند تائیرنه  
پاملنې وشي » .

داروپا په دغه ټول بریالیو چې پوره کی د  
تاکلو اصولو یدریاکی د مختلفو د ډیکورا ټیکو  
طبلو په قدرت سازمان دهه او اولسونو کی  
دنفوڈ په اندازه او درجه اړه لري نه یوازی  
دجې ټیکو دهیښی شرایطی عین کارکرانو ، بزګرانو  
تیپ دو ګراتیک افالابونکه لاری سوسیالیستی  
ټولنی جوړی کړی . ډیکورا ټیکو دهه وروسته  
سوسیالیستی اردوګاه دیویه قاطع قدرت په خیز  
استحکام او ټیکو دهه وروسته ټیکو دهه وظیفه  
ملی جښشونه او ډیکورا ټیکو شد ټوتونه  
دتكامل یو ټیکو دهه وروسته او افالابونکه لاری  
راورسیدل او دملی آزادو هیوادونو داټصادی  
کاسبانو ، ملی یانکوالو او داسی نوروا نقلابی  
او دو ګراتیکو طبقو په ټیکو دهه وظیفه  
دیووړه بریالیتوب رمزیون په معقوله او اصولی  
رهبری کی خرگند دی .

به افغانستان که خه هم دتیر پنځلس کلن

هیواد آزادی ځوبنسته سره ود ټول او ده بازی  
په تاوده سترک کی یې سره ودروول په همدي  
دول ډچن ژهمتکیسانو او زیار ایستونکو هم  
دخل وخت جایانی استعمار ګوانو یه شد  
ملی متحده جبهه تنظیم کړه او یه قاطع بری  
سره یې دجایانی امپریالیزم دینې دخبلی  
خاوری خخه وایسلن .

کله چې به ۱۹۳۳-۱۹۳۵ کلونوکی هتلری  
فاشیزم دنې دیارونو دتسخرو لو یه خاطر  
په اروپا کی وحشت او شدت نور هم زیات  
کې نو دلقاریا دخلکو ټیکو دهه وظیفه  
دیکورا ټیکو دهه وظیفه اوعلمی توګه دلهمی خل  
لپاره یه دلقاریا کی ډیکورا ټیکو دهه دنې ده

فاشیستی شد ټوتونه وحدت او یووالی دخبل  
متفرق ګوند تر رهبری لاندی یه یوډ برخه  
اولسی پلار وطنی متحده جبهه کی و ځوبنست  
او بری ته یې ورساوه . ده متروف دندګه د  
اهیانه الکار و خخه دشتری اروپا نورو هیواد  
ونو هم ډیکورا ټیکو دهه وظیفه استفاده وکړه  
او ددوم عمومی جنګ یه پای کی فاشیزم  
مطلق مانه و خوده او متفرق سو سیا لیستی  
سیستم هنځ ته راغی . ( ګلند متروف ) په ۱۹۳۵  
کال یه مستعمره او نیمه مستعمره هیوادو نو  
کی ډیکورا ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
وویل : « ډیه مستعمره او ټیکو دهه وظیفه  
نوکی ډیکورا ټیکو شد چې پوره بډونه  
وخت کی باید دهه نه نه لومړی داولسونو  
ډیکورا ټیکو شد ډیکورا ټیکو دهه وظیفه  
ازدادی بځښوکی ملی چښش پوځوالی او به  
عنه کی دېرولتاریا لغیزه په همدي تسو که  
پراو لسونو باندی دکمونیست ګوند تائیرنه  
پاملنې وشي » .

داروپا په دغه ټول بریالیو چې پوره کی د  
برولتاریا په رهبری او دشوروی اتحادیه هرایا -  
خیزو هرستو سره ګډونستانو و ګډولی شوای  
چې فاشیستی نظامونو ته سقوط ورکړی او دنونی  
دیکورا ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
تولنی جوړی کړی . ډیکورا ټیکو دهه وروسته  
سوسیالیستی اردوګاه دیویه قاطع قدرت په خیز  
استحکام او ټیکو دهه وروسته ټیکو دهه وظیفه  
ملی جښشونه او ډیکورا ټیکو شد ټوتونه  
دتكامل یو ټیکو دهه وروسته او افالابونکه لاری  
راورسیدل او دملی آزادو هیوادونو داټصادی  
ولیدنظام او ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
یه افر ټیکو دهه وروسته دکمونست ګوند  
میر بیا ټول تر رهبری لاندی دجایانی ډیکورا ټیکو  
یه ند دکورا ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
خوبیش تکمیل کړه ګله چې دجایانی توڅل  
ستعماړی شد تخت کړیانو کوریاپی خلکو  
او اپیل ملی آزادی بځښوکی جښش نور هم  
ولیدنظام او ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
یه افر حلی تهی ورساوه . دکمونست ګوند  
تیکه خلاقيت په نتیجه کې یه ۱۹۳۶ کال کوریاپیانو  
په کډولی شوای چې دجایانی ټیکو دهه وظیفه  
روی بست نور هم قوي کړی او دجایانی ډیکورا  
ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
رنو کالیز ډیکورا ټیکو دهه وظیفه هیوادو نو  
برخن بیدا ( دیکورا ټیکو دهه وظیفه هیوادو )  
دکوری دکوری دهه وظیفه هیوادو نو  
دوغزگران ، روشنفکران ، کاسبان وایه او منځنی  
جوواجران او . ټایپریکه والا ، مذهبی پیلا یېلی  
گرایی ، وطنبرستان ، دخلکو آټول هقه ګروپونه  
زندی و دلی چې د جایان په مقابل کی ډیکورا ټیکو

زدگان و مشاطه می‌گان آ نصر و زمان،  
اگستاد چگونه و بکدام اندازه نقش در تغییر  
فرهنگ منطقه داشته و چطور فر هنگ محلی  
باکلچر پیشرفتی یو نان باستان که سینه به  
بهترین زیورات والات تز نیمی دا که وابسته  
به هنر دا باری یو نان با ختری بود، بوجود  
سینه در سر زمین مرد زای هان یپین شده بود  
آوردند.

آنچه احفاد یونانی های باز هانه تا قرن  
بو سیله وی جایش را فراخ نمود و در سیستم  
های متنوع حیات اجتماعی و سیاسی سر زمین  
دوام و اواخر نیمه اول قرن اول قبل از هیلاد،  
در آوان قرن اول قیل از تولد مسیح تبدلات  
در طرح و دیزاین آلات زیوری طلائی استکارات  
و تغیراتی قابل ملاحظه را بیان آورد.

از عالیای عمدت این تذکره یکی هم کشف  
بوده که با خود از یو نان باستان به ارن  
بزرگ ساحة باستانی طلا تیه دو شیر غان  
آورده بودند و با همیزات با ختری ساحات  
است که توسط دانشمندان کشور دوست و  
برادر هان العاد شوروی چند سال قبل،  
برگت دیگری در تاریخ مان علاوه‌نشد و آنهم با اسم  
کوفه بود. چنانچه تز نیمی پاولی یا بشه  
یمکان بصورت مشترک مورد استفاده قرار  
گرفت بود. اینچه تز نیمی پاولی با اسم  
بامسمی از عجائب عشتگانه جهان.

قرن چهارم هیلادی در مجسمه های ستوكس  
در این گشایی تازه و به تمر و سیده  
علم باستانتیم، قبوری از زما مداران  
تاشقغان ترکستان شرقی جمیت تزین مجسمه  
های زن مورد استعمال قرار می‌گرفت در آثار  
و یا شخصیت های تا هزار ز هان یو نانی های  
مکشوفه طلائی طلا تیه شیر غان، روی لباس  
های زمامداران یو نانو با ختری ملاحظه شده  
شدید بود و در هدت دو تیم قرن قیل از هیلاد،  
سینه مجموع بصورت سلسله های گردن و  
کلیه هفظا هر مدنی و گلتوري در دست آنها  
این تزین از نفره تاقون شانزدهم و اواخر  
قرار داشت.

قرن نزدیک در زیورات تزینی ا هالی تخار  
مطالعات و بروزهش های بو یزه که هدت  
زمین علاوه گردید و پیشین نمونه های  
تزینی در لباس ها و کلاه های ا هالی ترکمن  
وازیک مورد توجه قرار گرفت.  
تمدن قدیم یو نانیان در باخته که هدت ها  
زمانی قسمت های عمده سر زمین مارا احتوا  
نمود با دنگ گرفتن این تمدن در باخته و خلط  
هنر و تمدن محلی به آن، هدیت بزرگی در  
صفحات شمال کشور بوجود آمد که نظر آن  
کنون در آسیای مرکزی دیده نمی شود.

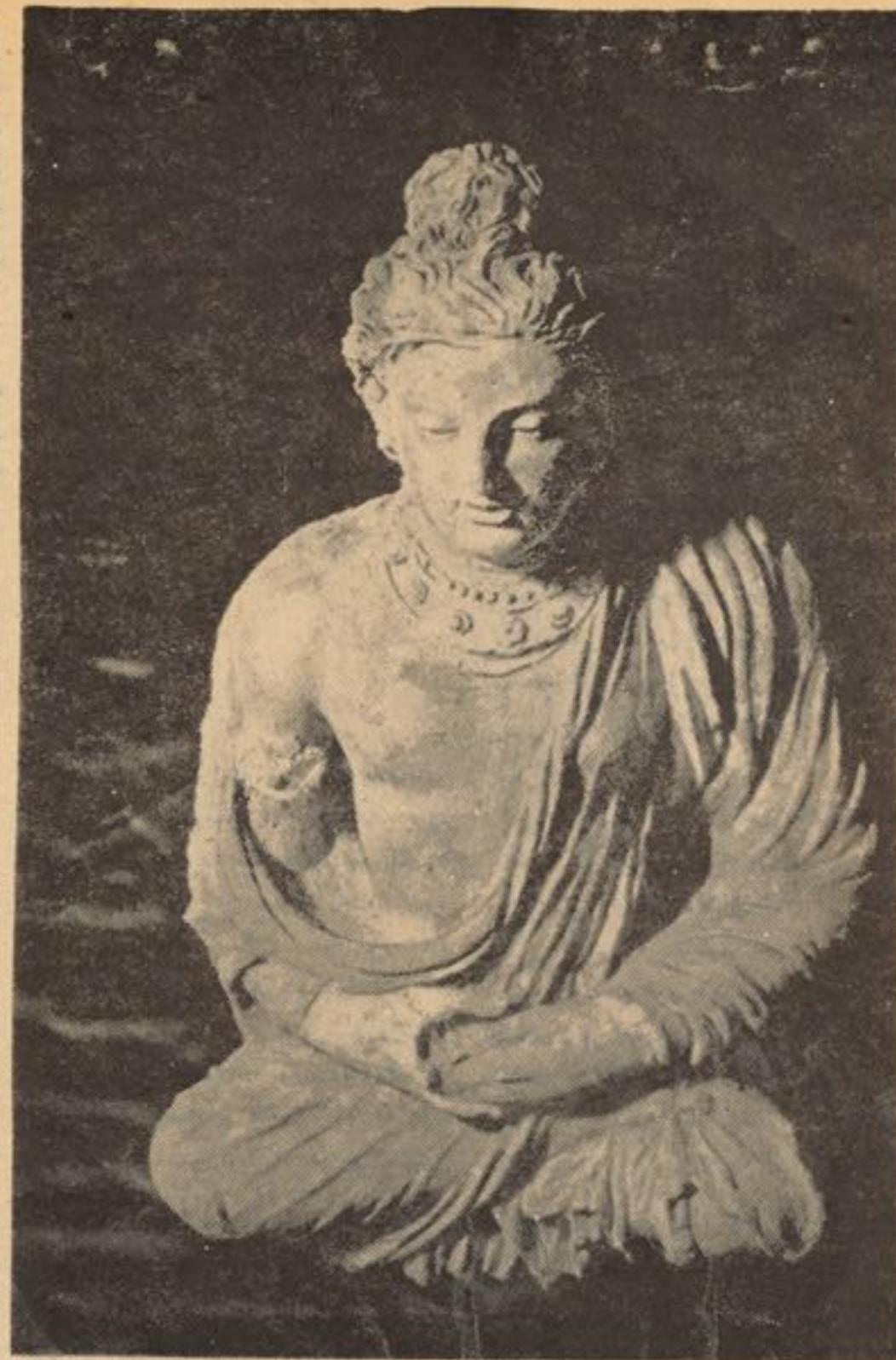
چنانچه و فنی ساحة باستانی آی خانم،  
بغایی ساخته نه و آثار بدت آ مده  
ساحات، دشت ار جی، شهر وان، دلبریان  
تیه و ساحات د یکر را مورد مطالعه عمیق  
قرار د هیم، خواهیم دید که عظمت این تمدن  
در عصر و زمانش شهره آفاق بوده و کمتر  
از تمدن آسیای میانه نبوده، ذیرا دونیم  
قرن و یا حد اقل سه قرن متواتی زمان  
کوتاه هی نیست.

دیری تکذیبت که خانواده د یکری شر یک  
این تمدن برآنده گردید و میراث های فرهنگی  
خود را با تمدن باز هانه یو نانو با ختری  
قسم نموده و بزرگترین هدیت تازه گر یکو  
کوشان را بوجود آورد.

این طائفه کوشانی های تخار زمین و یا باستان  
مربوط به سر زمین تاهیا بودند (بعضی درین  
کشور یعنی چنوب ۱ تعداد های همراه شا نراد هر ز  
موردن تنبیمات مختلف دارند که درین جاده قابل  
شوری و این سوی هر زما، گشود و اد تباطات  
کلیتوري را در عهد زما مداران و شاهان یونانی  
بعد نخواهد بود) که پدیده های هنری  
کهنه کشور، و وسیع ترین هدیت های  
سر زمین های تحت اشغال شان تغیراتی وارد  
بودند، را درین دو سمت مشخص نمود، زمین درین دو  
را درین دو سمت مشخص نمود، زمین درین دو سمت مشخص نمود،

یکی از مجموعات عمده تاریخ قدیم افغانستان  
کاشغ آسیای مرکزی تاکرانه های رود هیرمند  
باقی هاند و هدت ز هانی سیطره شا نراد هر ز  
تحقيق بر ساحات باستانی و احیای فرهنگ قدیم  
های بهارت قدیم گستردند و بر نوعه های  
است، که بوسیله آن، داشته های زمان  
کلیتوري و گونه گونی بر آداب، دسوم و کلیتوري  
قبل از اسلام روشی هی گردد و صفحات جدیدی  
داتشمندان یکانه یونانی در دوره گوشانی ها.

کتاب معروف «میلاندا یانان» که در آن روزهای ای  
از عالم معروف دو حانی هندی گند ها ری یعنی  
ها یا طائفه (یاوانا) اشارات زیاد دی نموده  
(نا گا سینا) درج است، می رساند که یکی  
و بدخشان یا بندهون یا بو باکین، د د عصر  
برای سیطره بیشتر ا میرالوری شان، و سیله  
وعشاير شان تا دیر زمانی در جلگه های وسیعی  
ازین شا هان یو نانی زاده متولد در دوپیا -



## قاچیو ات هند و تمدن یو نافی

### در دروده کوشانی ها

این طائفه کوشانی های تخار زمین و یا باستان  
کاشغ آسیای مرکزی تاکرانه های رود هیرمند  
باقی هاند و هدت ز هانی سیطره شا نراد هر ز  
تحقيق بر ساحات باستانی و احیای فرهنگ قدیم  
های بهارت قدیم گستردند و بر نوعه های  
است، که بوسیله آن، داشته های زمان  
کلیتوري و گونه گونی بر آداب، دسوم و کلیتوري  
قبل از اسلام روشی هی گردد و صفحات جدیدی  
داتشمندان یکانه یونانی در دوره گوشانی ها.

کتاب معروف «میلاندا یانان» که در آن روزهای ای  
از عالم معروف دو حانی هندی گند ها ری یعنی  
ها یا طائفه (یاوانا) اشارات زیاد دی نموده  
(نا گا سینا) درج است، می رساند که یکی  
و بدخشان یا بندهون یا بو باکین، د د عصر  
برای سیطره بیشتر ا میرالوری شان، و سیله  
وعشاير شان تا دیر زمانی در جلگه های وسیعی  
ازین شا هان یو نانی زاده متولد در دوپیا -

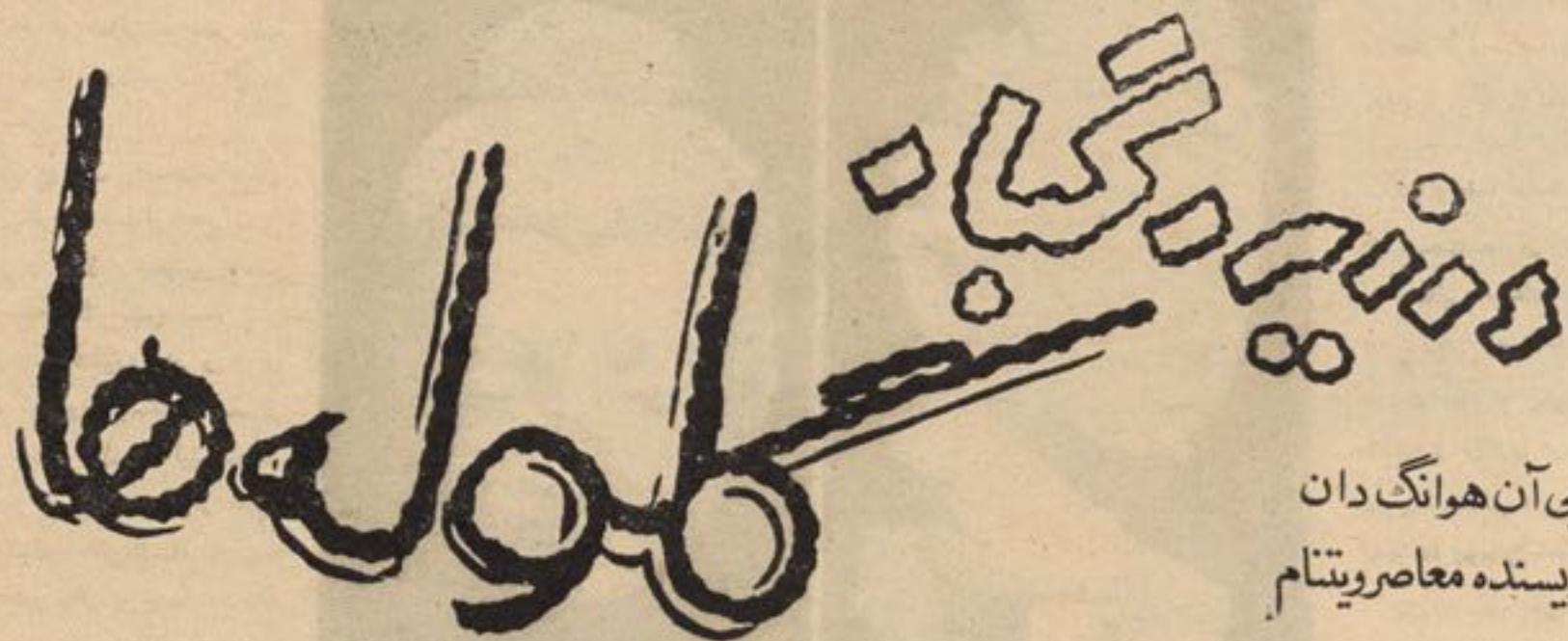


# پرآمشماید گند پیغمایم:

## مر سفته کیا که استان ابد گند پیغم:

### کلکلی همچنان

بین اتفاق از آدیگایش  
و پیش نمی خلاجی



نویسنده: تویی آن هوانگ دان  
نویسنده معاصر ویتنام

این کودک با بای،  
بریده؟  
.....  
مادرش را که در جنگ کشته شده،  
او هزار بار میخواهد:  
ساختنش را،  
به سوی دهکده های استرا تیز یک.  
تایین بای از دست رفته را،  
دانه.  
از او میبرسم: به کجا میروی؟  
آنکاه اشکها بش را بای میکند،  
آنکاه خنده اش طنین می افکند.  
 فقط یک راه دارم،  
راه تعامل هلمم،  
نابود کردن دشمن.  
.....  
رأی امروز و برای همیشه  
چوب زیر بغلی از خیز ران  
رأی او مادر خواهد بود  
و در تمام هدت زندگی از او حمایت خواهد  
کرد.

چگونه پیروزی ها برای هماگزار  
میشوند؟

بدین ترتیب است که در دیارها نبرد ها  
آغاز میشوند.  
بدین ترتیب است که در دیارها تمام

- دشمن آنرا سو زاند.  
از او میبرسم: «خانه ات؟»  
- دیگر جز ز هیشی بایر نیست،  
دشمن آنرا و بران کرد.  
.....  
- دشمن آنرا سو زاند.  
از او میبرسم: «خانه ات؟»  
درین کلیسا یک که فرشته ها،  
بالهای یشان را میگشانند.

ادیات و یتنام و بخصوص ادبیات دوره مبارزه بی امان این ملت فیض مان علیه  
امیر بالیزم خو نخوار امریکا، ادبیاتی است انسانی و حماسی، ادبیاتی گه در آن احساس  
گرم و بر شور هیشی نسلی که در میان دودو اتش جنگ زاده شده، در زیر آتش  
توبخانه و به های ویرانکن غارتگران جهان خوار ز بست گرده و در زیر آوار خرایه  
های ناشی از جنگ جان داده بخوبی انکاس من یابد.  
مادو یارچه شعر عمیق انسانی و قصه کوتاه در زیر رگبار گلوله هارا از و بزر  
نامه سخن برای و یتنام برای شما برگزیده و بازگشایی تزیید و تصرف از نظر تسانی-  
گذرانیم به این آرزو که مورد بدبیرش خوشنده آگاه زوندون فرار گیرد.  
بر گردان این داستان از زبان اصلی به دری و سیله سروش جیبی صوت گرفته  
است.

### یگانه راه

از او میبرسم: «یدرت؟»  
- دشمن گلوله بارانش گرد.  
از او میبرسم: «مادرت؟»  
- دشمن سرس را بربد.

از او میبرسم: «ز نت؟»  
- خمیاره ها خردش گردند.  
از او میبرسم: «خانه ات؟»  
- و کودکان در شکم او بودند.

تالک بود من شنیدند ، بدون آنکه به راست سوین ، هی آیند ، تالک دارند و به سوی مجتون وار ناله بی از گلو بیرون داد ، صدای پیروزی ها آغاز میشوند .  
 نه با ندای شاعری که قبلی پر جوستر از باید تاکه کنند تا می توانستند به سرعت دهکده فیر می کنند .  
 خله شوید ، خا موش باشید ! اگر تو قانبا دارد ، یک ر گبار از فیر هر هی ها گویی در ناند ییش می رفتند ، ۱ ما در آن شتاب آشفته این آخربن خبر ، صفير کشان از زنان نه به فرمان جنرالی که دلباخته جنگ روی هم می خلطیدند ، سو هران از زنان صدای ما را بشنوند به طرف ما فیر میکنند ، است .  
 سر گریز ندگانی که کنار رودخانه ر دیف تکه تکه خواهیم شد .  
 سال خود دور می افتادند و سکوت این کوچ شده بودند ، گذشت ، همه خم شدند و زنها این حرف ناله ها و پر گویی بیران را همگانی که فقط بر اسر صدای نفس نفس بنای شیون و زنها با دست جلو دهان گودگان آرام ساخت و زنها را گذاشتند .  
 خودرا معرفتند تا چیز آنها را خاموش گشند - ما معاصره شده ایم ، معاصره شده ایم .  
 گریز ندگان مغلول می شد ، اکنون به فریاد که اینجا بزمی خورند و در دور دست مضری رانه گسانیکه میکوشیدند یک .  
 باز یابند ، پاره می شد .  
 در قلب آدمی طین می افکند .  
 عده بی تازه به این توده بیوستند و خبر از نزدیک بزمی خورند .  
 های افسر ای اکنون تر آور دند و بروحت شدید تر هیگر دید و به سکل فتوحات پیروز همانه پسیدار واسفتگی وجود افزودند .  
 آنها بمه سد و سیوسده اند ، از دان رها کردند ، بجه ها چیز می کشیدند ، زنی نیستند .  
 لطفا ورق بزند



در گوشه بی از و بتنام بمه ز میمن  
میخورند ،  
واهروز صبح ،  
تائیو بورک تا پاریس طین می افکند .

پر مرعن ها از همه سو نزدیک شده بود ،  
ناتیبان انفعار های چنان شدید که بردت  
کوئی را پاره میکرد و معلوم نبود از کجا  
تلیک هیگر دید ، صدای بیوسته فیر را قطع  
گرد .

برای آن گروه از ساکنان « نکوین » که  
هنوز بر جای هانه بودند ، دیگر فرصت فکر  
گردند و گفتگو نبود ، هیا هوی فرار اراسمه  
و سیون های میهم و در هم و حست و در  
ماندگی آنها ، تمام راه های رو سایی ایرا  
گه از آبادی خارج میشد ، پر گردید بود .  
- چیبه به اینجا گشیده شده است :  
برخی از گسانیکه آخربن خبر ها را در  
دوروازه اصلی دهکده شنیده بودند ستایزده  
به خانه های خود د ویدند تا غر جه را هی-  
توانند بر دارند .

عده بی دیگر عقب ماندند تا سا لمدان را  
کهک گشند یا گودگان را به عمراء بیرون ، زنها  
گرانیها ترین ما یملک خود را که در خانه  
مغلول شان بود پر پشت خود باو گردند و  
مردان اسیاب ز راعت و ابزار کار خود را  
پر دوش گرفتند ، همه در شتاب خود بمه  
گریغتن از رو سایی تبدید شده از هم بیش  
می جستند ، هیچ یک به درستی نمی دانست به  
کدام طرف برود ، عمه به حکم گریزه به انبوه  
ترین گروه گریز ندگان می بیوستند ، بی آنکه  
صیر گشند و بیشند صدای فیر از کدام جهت  
چیبه شنیده میشد و قوا بی که از قرار .  
معلوم به سوی دهکده بیش می آمد در جه  
فاضله بی است ، رو سایانیان به گریغتن  
اکتفا می گردند ، نفس زنان می د ویدند و  
اطفال و آزو قه و اموال خود را در بغل یا در  
چشم می گشیدند .

صدای فیر گویی از هر طرف شنیده می-  
شید و روسانیان گریزان صدای حر کست  
وسایل نقلیه سرگشی ها شنید را که احتمالا

افتاد بر فراز شالیزار ها خندان شدید بود،  
باد رو به سردی می رفت ، رو سانیان خسته  
بودند اما هیچکس جرئت نداشت که بروای  
استراحت توقف کند ، دیگر هیچکس به  
ناله های پیران و اشکهای زنان و کودکان  
توجهی نداشت تا اینکه گویی آن همه بدینه  
کافی نبود که ابر های سیا هی در از غامی

کم جمع آمدند و با رانی سرد و نیز چون  
خود را مصنوع هندا نستند شعله ور گرد ،  
عدمی از آنها یابه فرار گذاشتند و کور -  
اما باران و سرما کجا اهمیت داشت  
جز مسافتی که باید عنوز تاریخین به مامنی  
مطمئن طریق کرد ، فکری نداشتند ، کسانیکه  
نمی دانستند «ین دا» کجاست ، از دیگران  
سوال می گردند .

- عنوز خیلی راه باقی مانده ، بل کوچک  
لرزانک را که در فضای مطلق است خود خواهید  
دید ، وقتی از پل گذشتند در ناچیه بین دا  
خواهید بود .

- اکنون از وراء نیزار ها خانه های خاکستری  
و سرخرنگی پیدیدار میشد ، اینها اولین خانه  
عای د هکده « تکون » بود ، این بنا عای  
میگویند که ساختمانی بسته خود هکده  
خواهید بود .

- پل کوچک ، از پشت پرده با ران که  
مه سب نیز به آن اضافه میشد ، به راستی  
که کو د کان خود را در آغوش داشتند ،  
پارشد ، آنها که جوان و نیرومند بودند  
از مر می کردند که در آنسوی رود خانه بود نجات  
میداد ، باستان بسیار بسوی نکون شروع  
نمی بود و ضع خطر ناکی در باد نو سان داشت  
که در این برق و زبانه های آتش رونش می -

گردید آ سهان را رونش میگرد و حلقوں  
بزرگ و خوب نین دیوی میبیند را بیان می -  
آورد که ستونهای پیجان دود و صدای انفجار  
بمب ها را از خود بیرون میدند .

بل مطلق نفس خود را رفته رفته به

روشنی بیشتر آ شکار میگرد و عدمی از

گریزندگان که احساس می گردند از وحشت

شان کاسته شده است لبخند می زندند .

بمباران هم چنان شدید و فشرده و انفجار

ها مثل سابق تزدیک بود اما آنها خود را هم

اکنون از خطر رسته می دانستند ، چند پیرزن

هم چنانکه نکاههای بیرون از این خود را به

پل هر زی دو خته بودند راه می رفند و با

حرارت دعا می خوانند .

اما عنکبوتی که جمعیت به پل مطلق رسید ،

دو باره آ نار پیش بر چهره ها نهایان شد ،

بستر رود عریض نبود و لی بسیار عمیق

به نظر می رسید و جریان آن سخت سریع

من نمود ، فاصله سطح آب با پل که سستی

ونایابداری اش تعجب کسی را بر نیتیگفت یک

بیمه در صفحه ۴۸

خاکستر را به سوی آ نظرف رود خانه میبرد  
به چهره گریزندگان که در اثر ناگهانی  
و غیرمنتظره بودن این ضایعه بیت زده واژ  
درد و حیرت و اعانته بودند ، میزد ، سردی  
صورتی را که از خاکستر پوشیده شده بود  
پاک کرد و سپس دست سیاه شده اش را  
نگریست و شروع به گریستن کرد و پس  
کسانیکه در اطرافش بودند ، گفت :

- نگاه کنید : حاصل یک عمر تلاش ،  
این همه کار و محرومیت همه دود شد واژ  
کورانه شروع بدو ین گردند و چیزی تکذیت  
که تمام جمعیت سرتا بان بطرف سالیزار ها  
براء افتادند ، هدیت بود که مثل گر مای طولانی  
عیج کس در این هزارع کار نگرد و شالیزار  
سوخته بود .

- اکنون از وراء نیزار ها خانه های خاکستری  
و سرخرنگی پیدیدار میشد ، اینها اولین خانه  
عای د هکده « تکون » بود ، این بنا عای  
میگویند که ساختمانی بسته خود هکده  
خواهید بود .

- اکنون از ریش سفید های د هکده  
یا صدای تاقد و نیرو مند گفت :  
- مبا داگمان گفت که تنبا خانه ها و ده هکده  
شما خاکستر شده است ، این مصیبت د ر

فریاد گفتید :  
- آنجا را نگاه گفتید ، یک هر د با گاوی میش  
خود کنار آب ایستاده است . همه نکا های  
عنوز صاحبان آ نهایا جمع تکده بودند برای  
که کو د کان خود را در آغوش داشتند ،  
پارشد ، آنها که جوان و نیرومند بودند

در آنچه بودند با آبیاری شروع می  
کنند ، همه قبول کرده بودند برای  
نهایت این د سانده ، اسیاء بعد های باز یافته  
دستیابیان را دور د هاشان می گذاشتند  
در آنچه بودند خود را حلقه کنند .

وقتی که قایق های که به و ضع خطرناکی  
که شده بودند به و سط رود خانه رسیدند .  
مسافر های از ترس می گردند ، زیرا به  
شناختند و شروع به صدا کردن او کردند ،  
نظرشان می رسید که به این تو تیپی حفاظ

در و سط این سطح و سیع باز ، هدف  
آسانی برای فیر د شهن به سوی خود می -  
باشند ، هیچکس جرئت نداشت که روی خود  
صدای فیر و غرض تانکها و تاقی چو بیهای  
شعله ور در آن بیهی آ میخته بود ، صدا ی  
فریادانان را بشنود ، با دست علامتی دادو  
پس رسیمان گاو را کشید تا حیوان را به  
سمت یانی سراتیبی هدایت کند ، هردو گاو

به گتار آب نزدیک می شند که ترونگ باز  
مسیر خود را عوض کرد و به نظر رسید که  
میزدند همه را به ساحل مقابل رسانیدند ،  
وقتی تمام بار به ساحل دیگر انتقال یافته ،  
گریزندگان آ را مش خود را باز یا فتندو  
بر ساحل روی زمین د واز شدند تا د هکده بین  
را گه ترک گفته بودند ، تهاشا گندند .

آسمان بر فراز د هکده زیر ابر هایی از دود  
سیاه که گا هکاه باز بانه هایی از آتش  
سو را خیلی بخود میگشت ، ستونهای  
دود و برتو منقطع شعله های سرخ چون  
مار های خشمگین بخود می پیچیدند ، آتش  
سوزی ایکه در آن سوی د هکده شروع شده  
بود هم اکنون به ساختمان های مر گزی  
رسیده و به زودی بر تمام د هکده گستردگشده  
اکنون دود همه چیز را در خود گرفته بود  
و سنجش خساره های حریق ممکن نبود ، باد

دعت هایی از گروه دوم فرا ریان شنیده  
شد :

- به دنبال ما باید ، ما تمام راه هارا  
می شناسیم ، ما به سمت «ین دا» می رویم ،  
در کوهستان بنشان خواهیم شد .  
بکار دیگر همه شروع به د و ین گردند  
تا از گروه دوم بیرونی گشند .

شیدان و بیکار جو یان راه آزادی ، زبان  
زد خاص و عام شده است که از جمله من توان  
تصنیف «علم کنج» و «استالف» را که بین بان  
مردم سروده شده و با موسيقی همی کیفیت  
خاص دارد باد کرد .  
غنای می گویند که فر هنگ ادبی کلاسیک  
ما در شرایط نظامیان فیودالی ، پدر شاهی  
در شرایط جبره گی یک بند دیپو تیزم شرقی  
یعنی استبداد خواهی شاه در شرایط  
عجم و سلطه اشغالگران در شرایط رکود  
طلولی نیرو عای مو لده در شرایط فقر  
و تیره روزی عمه گیر ، زندگی کرده و نکامل  
یافته لذا جراحاتی عمیق از دردهای سرگفتنه  
آهها و اشکای بی امید ، تسليم عا با خود  
دارد اما باید بصراحت گفت که آثار ادبی  
نشر و نظم کلاسیک و فلکلو ر یک ها با آن  
چنان مهارت و قدرت هنری ایجاد شده که دارای  
قدرت تأثیر بین یا یان است واژ و سایل  
مهم مقاومت معنوی است .  
ادبیات عا یانه افغانستان تماماً مومیانی  
شده نیست بلکه عنصر زندگانی بخش عم  
فراآن دارد در فر هنگ عا یانه ما ، عنصر  
زیاد رزم آ فرین ، جان بخش و افعان  
انسانی وجود دارد .

باید از فرهنگ و ادبیات گذشته بپرسی -  
برداری درست و علمی و انقلابی نمود و باید  
یان بین اغاثی عناصر فرهنگ گذشته و نو  
یوند از گانیک تاریخی داد . هر گاه فرهنگ  
ادبی معاصر ها از او تیه گزی گذشته خود  
از چشم های فیاض فر هنگ جهانی وزمینه  
سرشار فر هنگ فو لکلوریک بپرسی گیرد و  
مسئولیت و رسالت تاریخی خود را از نظر  
دور ندارد ، خواهد توانت آثاری درخشانتر  
را خلق نماید و موق شود .

اگتون در هر حله انقلاب ملی و دمو کراتیک  
طلسم یاس در ادبیات ما بتدربی فرمیشند  
در لحظاتی که همه کس جزء سکوت هرگز  
در این سر زمین آ ناری از جوش و خوش  
و باز گشت به امید به آر هان و به مبارزه  
زنگی ، نمی دید نامیان قطعه شعری یا در کار آغاز شده است شاعر و نویسنده ما  
نوشته انقلابی شد استعماری و ضد از تجاعی  
از درون کاوی زرف رنج و هراس و عشق سر  
خورد خویش بتدربی سر می بارد . به  
وقد استبدادی ، سکوت درد انگیز را مبدل  
بپرسی د ع آسا کرده است . اینگونه ترانه  
جهان افتاب زده و روشن تاریخ نظر هی افکنده  
امروز شاعر و نویسنده ا فغان بی برده که  
تاریخ سیری بپرسی فراز و نسب و بفترج  
در خود تپکه دارد انکاس د هنده در دوچرخه  
خلق می باشد که در شباهی دراز و سر د  
خاموش زستان در کنج کله خوبی دود از  
اینده ز حمتشان است چه آنها سازندگان  
جسم غما زان فرو مایه ، زمزمه های جانسوز  
حقیقی تاریخ اند . ۱ مرزو شاعران و نویسندهان  
را آرام آ رام سرایند اند واژ سر نوشت  
شوند که دست چنایتکاران ، شا هان  
بعتوان انسانی مقاوم و استوار شده اند ،  
چا ممه ما شاعر بپرسی گرده بودند باپاره  
داده شاعری که و چنان طبقاتی را در یان  
دل خویش در یان می گذشتند ، این همه  
مردم شکل بخشند . شاعران ا غلامی و میهن  
پرست ها امروز د یتمیز تاریخ را دریافت  
و مشترک طبقات ز حمتش از سینه ای به  
اند و در یان توده ها اند و انقلاب تود را جزء  
زنگی خود می شناسند در راه تحقق آرمان  
های انقلاب می دزمند و علیه شد انقلاب و  
اعبر بالیزم واستعمار تو بیکار دارند .

بی کو سا له و بز و بره  
شب فقانی که گرگ هیش ببرد  
روز آ هی که دزد خیش ببرد  
تو (یعنی هالک) بپرسی که داد کرده پشم بروت  
که کن ارد شبان پنیر قوروت  
چند از فیر د یگران کو ش ؟  
چند در قیر دیگران کوش ؟  
شاعری بزبان مردم در بین و یرانی شا  
وانهدام و ظلم واستبداد ، جوانان را بپکار  
تاکی از جور و ستم ، شکوه و فریاد گنید  
سیم بر هم ز دن منشاء بیداد گنید  
دست ما دامن تان باد جوانان غیور  
که ازین ذلت و خواری هم آزاد گنید  
سوخت ای همنسان آ تن استبداد  
شرح این سوخته دا ر عمه اشاد گنید  
در طول تاریخ ، نویسندهان و شاعران وطن  
پرست و انقلابی نیال آ زادی دا سر سبز و  
باور گرده اند ، آنها بزبان قلم و نیش  
سخن چنگیده ، معروف و خو نین شده هنگ

رنهاند و قلیقه خوار زور هندان عصر  
بودند ا ما طبع نازک و روح عدالت پستند  
شان از این دخلان زور گو بیزار بود چنانچه  
می گفتند : با آنکه گرد آ لود فرم حاضر  
نیستم به « آب چشم خور شید ، دا هن ترکنم  
و یشمن کلاه خو یش را با صد ها تاج  
خرسی برایر نخواهم کرد . با آنکه از گران  
تاکران لشکر ظلم گرفته است از ازل تا ابد  
فرصت هاست . تو دو لanan بیبوده به غلام  
ترک واستر خویش می نازند و تو انگران  
بعثت نخوت می فروشند ، این مخازن ز د  
ودرم نخواهد هاند و هاند کنج فارون در دل  
خال فنا فرو خواهد رفت ، چقدر شنیدن  
این چکامه بر غرور فقر در گوس ما د لتوار  
است !

نفرت شاعران و چیز نویسان عا یانه  
از زور هندان بصراحت و بار ها در ا شعار  
شان انکاس یافته است آنها می گویند صحبت  
حکام و امیران هاند سب بدل است . با یسد  
جویای خور شید حقیقت بود تا شاید طلوع

استعار فو لکلوریک بخش از فر هنگ  
هردمی است ، خصیصه شعر عا یانه بسیار  
بودش از چیز ا صول فنی ، خیال پردازانه  
و مه آ لود بو دش از چیز منطق هنری  
است . واقعیت (طبیعت و زندگی ) در این  
استعار بشکل کنایه آ میز « سمبول لیک » پندار  
آهنگ خاننا سیک ) و با تاکید خاص منعکس  
می شود ، شاعران عا یانه غالباً گهنا هند  
آنار ادبی این هنر هندان غالباً سینه بسینه  
 منتقل شده و فقط در یکی دو قرون ا خیر  
است که لب ، ضبط و جمع اوری می گردد .  
دد شرایط استعماری یا جا مه طبقاً تی  
تحت سلطه ا میرالیزم و استبداد ، ا رذش  
های ادبی و هنری بدون شرکت توده ها ،  
بی توجه بخواست آنها تعین می شود . نخستین  
بر نامه اساسی که فر هنگ  
استعماری و استبدادی در حیطه  
ادبیات عمل می کند ، بی ارزش جلوه دادن  
ادبیات توده ایست ، آنها نمی خواهند توده  
های و سیع هردم حقایق تا ر بخشان د  
بشناسند به فر هنگ زنده و برو یا مجیز  
سوند ، حقوق سانرا بعنوان یک ا تسان آزاد  
از زیبایی کرده مشخص گنند تا بتوانند حق  
خوش را بستانتند .

هر گاه نگاه می بر او راق تاریخ کشو د  
بر انتخار مان افغانستان اندخته شود بخوبی  
باسیل یا باین نیفست ها و جنبش های عظیم  
دوایجه می شویم که از روح بر فتوح و زنده  
این سر زمین نهایندگی می گند .

هردم افغانستان در سراسر تاریخ بر نشیب  
و فراز و سر شار از ما جرا های انقلابی  
خویش پیوسته با تیرو های اهربیتی و طالغوتی  
دست بکریبان بوده و با آنها جانبازانه بیکار  
نموده اند . در هر زمان صد ها و هزاران  
فیروز ما نان نا مدار و گنام مانند مشعل هائی  
که در ظلمتکده درخشیده اند سور پاشیده اند  
دو تیرگیبای زندگی بر از رنج مردم درخشیده  
اند ، روشنی داده اند ، سوخته اند تارا هرا  
بر روند گان د گز طریقت روشن گند .

از شکفتیهای غم ا تکیز تاریخ کشور مایکی  
اینست که در چند مورد در داخل جا مه  
بسیاری از محملهای تکا مل سریع یسدید  
نده و لی یو رشها و جنگهای خرابی گستر  
اهریمان و طاغیو تیان محملهای جنی را  
بایمال و نا بود گرده است واژ درون این  
بیکار های سخت و خو نین بیکار علیه طبیعت

نمازی گار ، بیکار علیه بغا گران ، بیکار  
علیه شا هان و حکام سمت پیشه ، بیکار علیه  
استعمار گران و خرافه گستران ، هر دانی  
باصلات بزرگ انسانی و عزم آ هنین  
برخاسته اند ، شعر گفته اند و قبل از برخورد  
بالاستعمار ، از تجاع و استبداد رجز خوانده  
اند و در شمن آ نهادا هیجو گرده اند و بدین  
صورت در تضعیف رو حیه د شهان مردم و  
میهن هوترا واقع شده اند .

در دوران گذشته اگر چه عندهای از شاعران

از روی ناچاری بدر شا هان و امیران وزیران

## ادبیات عامه یانه ماضی استبداد و استعمار

از : حبیب الله فر هنگ

دیگر تبیت گشته است و افتخار آن فرعنگی  
ما را از آن خودمی دانند وقت آن رسیده  
است که به اوضاع و احوال خاتمه داده شود.  
بنیاد های فرعنگی بذید آید و به تناسب این  
دوباره ی شخصیت های فرعنگی برداخته شود  
آثار و کتب و رسالات شان چاپ شود آثار و  
کتب فرعنگی بدون آزادی اقتصادی و اجتماعی  
میسر و ممکن نیست، پس از پیروزی انقلاب  
نوروزیه و پیزه مرحله نوین تکاملی آن که خط  
فاصلی میان خاصیات وزحمتکستان گشیده و  
میین دارا برای همیشه ازصف کشور های که  
بسیار جنگ، بیداد و ارتقای در سطح جهانی  
آن جدا نموده اند گنون برای استحکام پایه  
های یک افق نستان آزاد، سربلند و شکوفان  
نوین مبارزه می نمایم و با اتحاد و تلاش  
می توانیم بر همه دشواری ها و مشکلات  
جیوه شویم و این امر اطمینان و حتمی به نظر  
می رسد همهی نژاد ها گوشتیها و طرحی های  
خایانی دشمنان اتفاق نستان نمی تواند به جای  
درست، باری پایه پیروزی رسیدن انقلاب نور  
مرحله نوین تکاملی آن است که در میین  
ناتراحتاً تجلیل از انتخارات فرعنگی به مفهوم  
راستین آن میسر گردیده است در گذشته  
نم به وسیله ی دولت مرتعج محاذل و مجالس  
زرگداشت و باد بودی برای من گردیده اما  
نهی این سرو صدا ها و محاذل بازی ها برای



ج

# پوچ اصطلاحات عسکری در دوره

## اہیو علی شیرو ذو ایسا

برهیمن آزاده و افتخار آفرین مادر گذشته کرده اند که منافع سان ایجاد می کرده و فتن دنواری ها و مشکلات فراوانی را پذیرفته از طرف دولت های ارتقایی ، مستبد و خود شاعر نویسنده و دانشمندی بر ضد خواستبا اندواین هی تواند سر هشتم باشد برای نسل کاده ستم های فراوان رفته است . حکمرانی و امیال اهل دربار قرارمن گرفت خون او جو به ایکز وزیر نبار باشد باری همزمان با پسر ایاد گیر به توده ها مجال آنرا نداده اند که دارها رارنگین می گردند و این فاجعه آمیز و درد بسیارند دنیای خود را گسترش دهندو به مرزی از روشنایی و دانش بر سند در گذشته دانش اعمال یست و خود سرانه ی خوبیش تعییر نمی کند و این ایاد و دواره های سیاه دربار ها نوین تکاملی آن است که در گشور ما تجلیل شروریخته است باری یکی از خصلت های از افتخارات فرهنگی و شخصیت عای بزرگی سواد ، آگاهی در باری و انحصاری بسوده متعین و باسداران بیداد و تاریکی نهی - و به دلایل بوسالی وی بینایی متولی می خواسته اند که دانش از گاخهارهای به سوی خشن و بیداد گرانه نهایند اگر گاهی از جمیعت مسئله مطروح است وزنه ساختن نام آن های خانه های دو دزده و چوبین بکشید ، چون دانستن سر چشمی توائیست است ، و بیداد کشند منصور حللاج دانشمند و هر دیگر اهل فرد و اندیشه دم می زندند برای تفنن و تناهر است و گرنه ایمانی به دانش بیش همیشگی و خداخانه ی سان بر غنا مندی دانش بگذارد شورید او را همیم بهی دینی و زندگی بگذارد سواد ندارند و اصولا در موضع خشان آگاه و سواد دارند که این افزوده اند در اصول اساسی فرعنک و معنویت مان افزوده اند در اصول اساسی درخشنان الفا نستان که به متابه قانون اساسی گرمان همیشه از دانستن توده ها در هراس کردند . او حق بآمال گشته ی توده ها را در این خواست و این سخنان او بر اهل تروت و وحشت و نظام بوده اند و هستند دانش در سر زمین ها سر گذشت در دنگی دارد دانش هندان واهمی و بیدادگران می آمد .



زمانیگه ریگان عنزیشه سینهابود

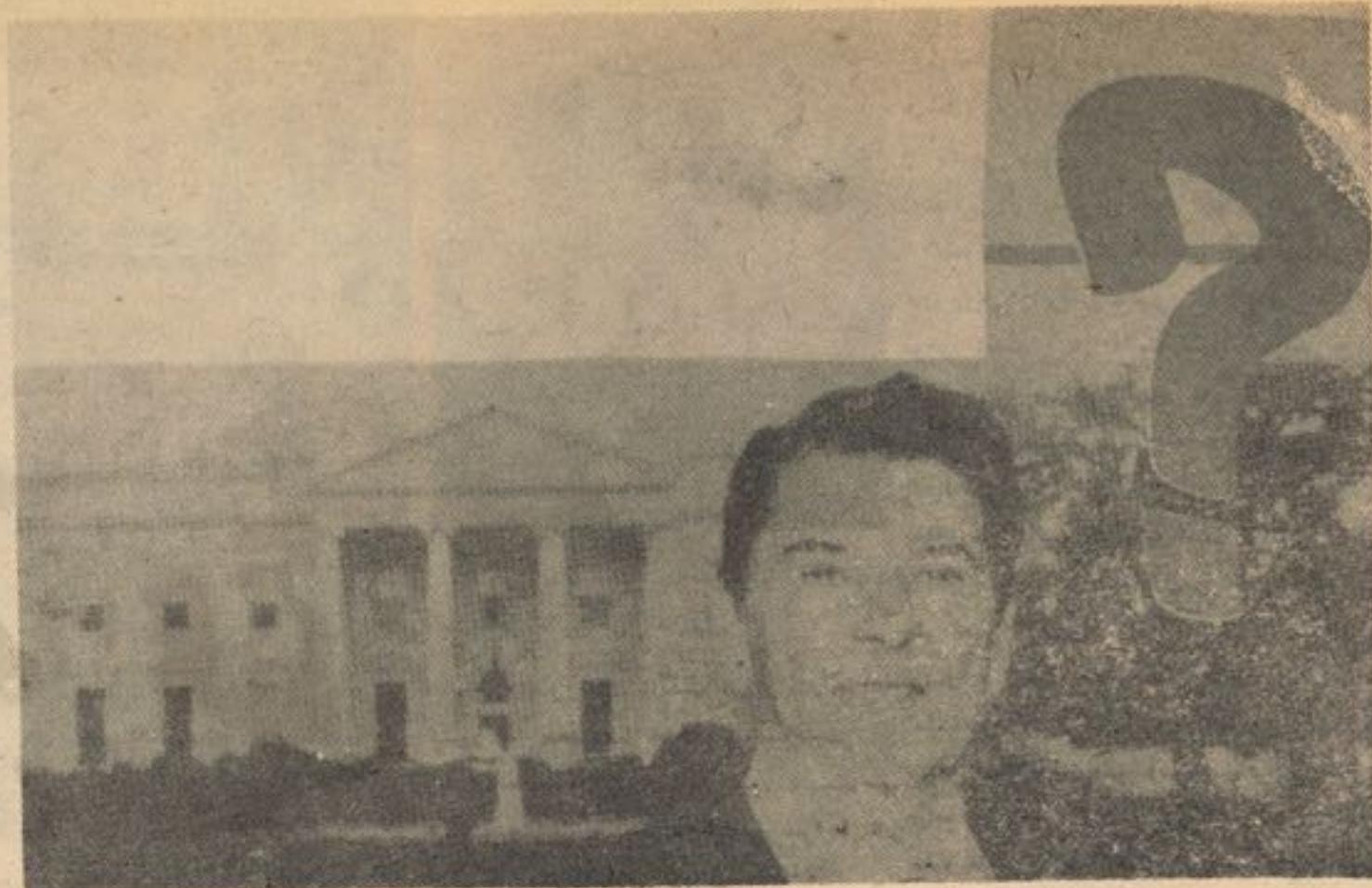
همکاران ریگان می گفت در کتابخانه ریگان کتابها فقط برای تزئین است مجله بی که او نگاه می کند «هیومن ایونتس» است که امریکا بی ها آنرا «انجیل جناح راست جمهوری خواهان» می نامند.

ریگان بعداز پایان تحصیل، خبر- نگار رادیو برای مسا بقات فتبال شد و بعد از چندی در شهر الیسوس شهرت یافت در سال ۱۹۳۷ در یک خلمبر داری آزمایشی شرکت «وارنر برادرز» سهم گرفت. ریگان دربیش از پنجاه فیلم، نقش های گو نا گون را بازی کرد و در هولیوود از لحظ فعالیت اداری شهرت کسب کرد. ریگان از اول، مخالف ترقی و ترقیخواهان بود همیشه مسلح بود

بعیه دو صفحه ۵۰



مفخر ورزش



نما يندۀ هیلیار در های امریکا در قصر سفید

از : حبیب الله فر همند

## چگونه ۵ میلیارد دارهای امریکایی ریگان را به ریاست جمهوری رساندند!

نظام بورژوازی از یکسو دارای کنکره کا هش داده اند چه آنجا ریگان دوست دارد خود ش را ماهیت طبقاً تی است و تنها به نفع خصلت نما یندگی خود را از دست جمهور یخواه از «مین ستریت» پنامد طبقه حاکمه عمل می کند و این طبقه داده و ما شین رای گیری طبقه حاکمه برای امریکایی ها در پس این کلمه است که وسایل اصلی تو لید را در را تشکیل داده است اکنون در کنگره شیوه کاملی از زندگی نهفته است. دست دارد و از سوی دیگر دستگاه ایالات متحده امریکا بیشتر نما یندگان «مین ستریت» (بزرگراه) در هر یک اداری آن نا گزیر است تحت پوشش وستا تور ها را ژرومند ان بزرگ از شهر های کوچک امریکا وجود «دمو کراسی» دیگتا توری طبقاً تی ویا وابستگان به آنها تشکیل میدهند دارد و عمولاً در سر تا سر شهر خود را پنهان سازد. نهاد حکومت که بدون کمک این ژرومندان، قادر ادامه می یابد، مو سسات، شهری پارلمانی از همان آغاز، یکی از به تا مین مصارف هنگفت با صطلاح کلیسا ها، مغازه ها، مهبا نخانه ها ستون های اصلی بو رژوازی بود اما مبارزات انتخاباتی خود نیستند در این سرکهای معموقیت دارد و باشند این نظام در درون خود با تضاد های آشنا گس هال، منشی حزب کمو نیست گان شهر ها همیشه با این سرکهای ناپذیری دست به گریبان است، امریکا اعلام کرده است «فیصدی مردمی ارتباط دارند. در اینجا به عقاید نو بورژوازی از یکطرف ادعا می کند که که از هیچ یک ازدو حزب بزرگ وجود نان با نظر بد گمانی می بینند و توده مردم صاحب قدرت و حاکمیت حمایت نمی کنند اکنون به رقم خود را حافظ دنیای کهنه می خوانند است واز سوی دیگر قدرت واقعی بیسا بقه ای رسیده است. همچنان ریگان در چنین محیط شهر های در دست بزرگترین انحصارات شمار کسانی که اصلاً رای نمی کوچک، بخش و سکای شمال امریکا متوجه شده و دست توده ها از دهنده بگو نه ای بیسا بقه افزایش بدنیا آمده است و محیط تولد و اعمال حاکمیت دور مانده است. در یافته است»

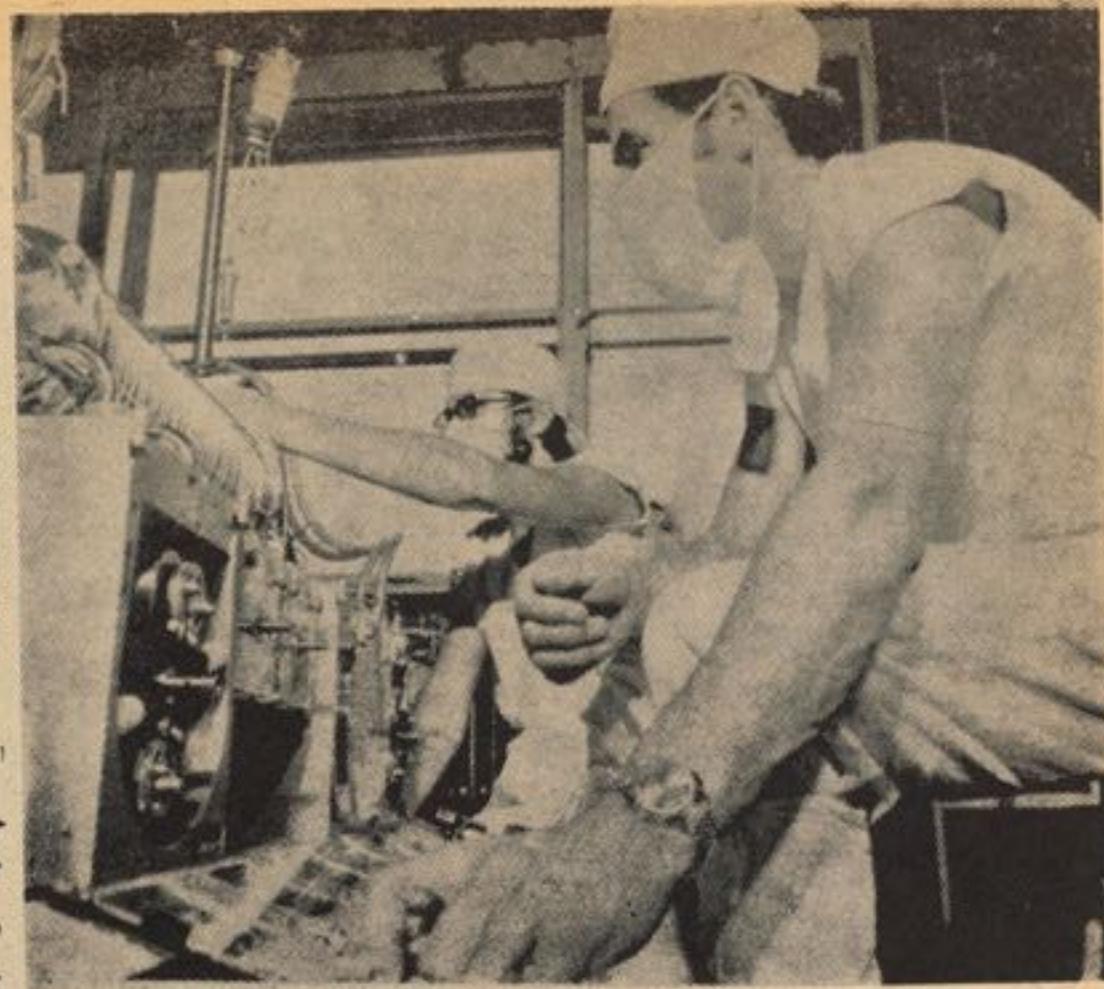
چند کشور سرمایه سالا ری بخصوص در این مقال، سعی می شود این ریگان تأثیر داشته است. در ایالات متحده امریکا، بار لمان و مطلب واضح شود که چگونه ۵ میلیارد در کود کی، وقت زیاد را در فتبال کانکره اعتبار خود را به عنوان یک های امریکایی، ریگان را از مفسر و کم رادر فرا گیری در س مکتب نهاد سیاسی بتدیر یچ از دست میدهد ورزشی و هنر بیشگی سینما و مبلغ سپری می کرد، کتابها را نانسی آمار نشان میدهد که امریکا ثیان در اعلانات تجاری بر یاست جمهوری (همسر او) می خواند و بعد برای سالیان اخیر اعتماد شانرا نسبت به ایالات متحده امریکا، رسانیدند. ریگان تعریف می کرد. یکی از

نظر بیکاری در خواهم یافت که سیر اینگونه حادث در گشوده های سوسیالیستی و دارنده رزیم های مترقبی دارای قوه مسعودی نمی باشد طور مثال در اتحاد شوروی سه خدمات صحي و تعلیمی جهانی در ساحات مختلف حیات اجتماعی در دسترس همه ملت های این گشور بدون هرگونه تبعیض فرازداد، تارامی های روانی و امراض عصبی کمتر برای افسراد موجود است . در حالیکه سیر ناخوشی های عقلی و عصبی در گشوده های سر مايداری قوه مسعودی اش را می پیماید : زیرا بیماری های مختلف روانی که علی آن در بطن جامعه سر مايداری نهفته است دامنگیر افراد بیکاری و عدم مصونیت در غرب بر روحیات بوده و مایلی جون بیکاری ، جرایم متعدد اطفال نیز تأثیر می اندازد .

آدم کشی ، دزدی ، عدم مصونیت ، تبعیض حیات در عصر مدرن دانست . زیرا در بساز نزادی ، اعتیاد بادویه مخدوه طلاق ، روابط گشوده ها مخصوصاً جامعه سوسیالیستی در شکننده خاتونادگی که بزودی به جنابی زن و راس اتحاد شوروی در انر ظبور سیستم های شوهر می انجامد فکر وائزی افراد دارین جدید اجتماعی و مبارزه طبقاتی شرایط کار جوامع می خورد و تاثیرات سوء دیربایی که وزیست برای انسان ها بیبود یافته است . بعض منجر به خود گش اشخاص و یا ارتکاب ساعات کار نسبت بسابق از لحظه مدت کار آن ها به جنایات دیگر می گردد ، برآنها گوناه شدمو تسبیلات خوبتر در رابطه معیط ارجای می گذارد .

زیست و تامین نیاز هندی های روز مردمیان طور مثال اعتیاد بادویه مخدوه که شرایط بدنسترس افراد در جوامع سوسیالیستی قرار اجتماعی خاص در عقب دارد از جمله امراض دارد . از سوی دیگر درین جوامع هم زمان حادی است که دامنگیر افراد در جوامع بابیان آمدن انقلاب تکنولوژیک ، ساینس سر مايداری است .

در صند مقایله بالاتر از منفی بی است که اعتیاد بادویه مخدوه در امریکا در حال ممکن تکنولوژی جدید از لحاظ ایجاد و نارامی مسترش است . طبق رایورهای منتشره از اول های روانی برای انسان هادر قبل داشته باشد سال ۱۹۸۱ تاکنون بیش از (۷۰) نفر که میتوان پیشرفت های سریع در طب تبا در وانستگن استعمال هیروئین هلاک و تداوی بیماری های روانی را از جمله خواند . شده اند ، که میزان تلفات از این رهگذریه هر کاه ما حادته کلی اختلالات روانی را مقایسه همین مدت سال گذشته ده نفر بیشتر در زمان گذشته برای انسان های امروزی در میباشد .



بیماری جسمی و روحی در مراحل مختلف تحت معاينات دقیق طبی فراموش گیرند و در معاينه درست ازوسایل مدرن طبی نیز استفاده بعمل می آید .

ترجمه و تکارش د. ی

## بیماری های روانی در جهان مدرن

زندگی در شهر های بزرگ ، بیکاری و عدم مصونیت ، عوامل عمدۀ اختلالات عقلی و عصبی در جوامع سر مايداری است .

در جوامع سو سیا لیستی علل و منشاء بیماری های روانی و جمی طور قابل ملاحظه ریشه کن شده است .

در اتحاد شوروی تسبیلات فراوان طبی برای معالجه ناخوشی های روانی موجود است .

خدمات تعلیمی و طبی طور رایگان درین گشور در دسترس همکان بدون تبعیض قرار دارد .

اکثر گفته میشود که بیکاری ، انفلامیون ، نمیتوان از تاثیرات سوء زیست در شهر های رشد جنایات و اعتیاد بادویه مخدوه باعث بروز بزرگ و مزدحم که فشار های بیشتر را متوجه حوادث روز افزون اختلالات عقلی عصبی در سیستم های عصبی انسان بخصوص آناییکه انسان های امروزی میگردند . اینکه با ارتباط طاقت کمتر عصبی دارندگی نماید ، انکار گرد . باین مسئله نظر ادوارد بابا یان دیس سورای انقلاب تکنولوژیک نیز در ایجاد نارامی های درمان بیماری های روانی اتحاد شوروی دارد روانی برای انسانها نقش دارد .

مورد علی واسباب این گونه ناخوشی های کار با ماشین های غول بیکر و عنیم انسان روانی تقدیم می کنیم ، بایان فمن اشاره امروزی را بیشتر نارام می سازد . البته باید نارامی های روانی انسان هاوزیست به علی ناخوشی های روحی انسان هاوزیست آن ها در شهر های پر نفوس و مزدحم گفت . نتیجه انقلاب تکنولوژیک و یا بیجدگی روز افزون



اعمال خشونت نوام بایکاری در غرب علت عده بیماری های روانی در افراد است .

# میهن

میهن مال سبز بهار از زندگی  
ششم پر مرثه غنچه آمال استادی

خورشید بر کاب توصیه میزند

با الله حقیقت لصاحب فرشته ای

فرزند انقلاب زمان را سیح دهی

بخشیده ارجایت طلس شکسته ای

دانم جو کن و فا پیشه را مدام

پرداز داده از روند کشتر نبسته ای

زرکوب لشتر نام تو بروح خاطرم

لی ما، نه ای لک پرچو قلب خجسته ای

خرشید

هر گاه دکتور موظف نتواند راجع به بستری شدن و علم بستری شدن در نفس روانی تصمیم بگیرد در ذهنیه نظر متخصصین ذیگر را هی بگیرند.

یکی از علل عدم اختلالات روانی درین کشور ها است.

کذا در آلمان غرب، انگلستان، فرانسه و سایر املل سر مایداری در نتیجه فقر و بعیدالتی های صریح اجتماعی و اقتصادی، مریضان عقلی و غصیب زیاد موجود اند. از سوی دیگر کدام تسهیلات لازم طبی برای تداوی بیماری های روانی در کشور های سرمهایداری موجود نبوده و احیاناً اگر کم و بسی موجود هم باشد ایجاب مصرف گزاف و بول زیاد را می‌گند که از توان همه مریضان پوره نیست

در جوامع سوسیالیستی طور هنال اتحاد

شوری ییشرفت های قابل ملاحظه در ساخته معالجات امراض روانی حاصل شده است.

درین کشور افق های جدیدی هم در تشخیص وهم در معالجه ناخوشی های روحی پدید آمده است. کلاوسایل خیلی موثر جدید در

زهینه اکشاف داده شده و ساقه تداوی و تعویز ادویه وسعت پیدا کرده و میتواند های جدیدی برای معالجه مریضان توصیه میشود.

درین جوامع استفاده وسیع از بیرونی های مربوط به علم و رات و اکشاف معالجه بیولوژیکی بیماران صورت گرفته و امیدواری های زیادی را بار آورده است.

کذا معالجه الکترونیکی و مطالعه پروسه های پتانوزیکی (مرض شناسی) در سطح مالیکولی خیلی هادر زهینه کمک میکند تادر عمق ماهیت امراض روانی داخل گردیدم. ییشرفت های که در زهینه حاصل گردیده معالجین بیماران روانی را در اتحاد شوروی قادر گردانیده ناتعداد قابل ملاحظه بیماران روحی را معالجه نموده

و آن هارا به حیات عادی نشان بر گردانند معمداً باید گفت که تا هنوز معالجه بیماری های روانی شاید پیچیده ترین قسمت ساخته طب هنرن را در همه جوامع تشکیل میدهد.

اکنون نظر مختصری بر موجود بیت تاسیسات معالجات روانی در اتحاد شوروی من اند ازیم. در اتحاد شوروی در پهلوی سایر تسهیلات صحت عامه تدبیر خاص را برای جلو گیری از امراض که خطرات عامه را از قبیل تویر گلوکز الکترولیزم شدید، اعتیاد یادویه مخدوه، در بردازه اتخاذ هیکنند.

درین موسسات ابل از دخول در شفاخانه های هریوت معاینه گردیده و بعد بستری می‌گردندو هم بعداز خروج از شفاخانه مورد مریضان میگوید که بمنظور حفظ صحت نفوس. ادارات صحت عامه تدبیر خاص را برای جلو گیری از امراض که خطرات عامه را از قبیل تویر گلوکز صحی، موسسات گونه گون صحت و عقلی و عصبی برای مریضان موجود است. مریضان درین موسسات ابل از دخول در شفاخانه های

هریوت معاینه گردیده و بعد بستری می‌گردندو هم بعداز خروج از شفاخانه مورد مریضان میگوید که از اتحاد شوروی دیدن نموده اند از هم وجودیت تسهیلات وافرطی در اتحاد شوروی بیشمول است. کار شناسان طبی گشمور های خوبی لازم صحت قرار می‌گیرند.

مریضان عقلی و عصبی نفست از طرف درمانگاه نزدیکترین ناحیه مورد معاینه طبی قرار می‌گیرد و در صورت لزوم به شفاخانه قدردانی گردانند. معرفی می‌شوند.



... واوبرای مردن عنوز جوان بود.

# دخت زمینه هم در آغوش خاک خفت

نام محتوی خبر در چند کلمه خلاصه میگردد:  
بخت زمینه هنر هند رادیو تلویزیون مرد،

و \*\*\*\*

اما همین چند کلمه با همه سادگی و کوتاهی ایکه داشت میتوانست شنونده ویتنده رادیو تلویزیون را در پیش فروبرد، انگار آنها که در جمع خانواده های خود نشسته و چشم به صفحه رنگین چشمی جادوی خود دوخته بودند نمی خواستند به همین سادگی بیزیرند که هنر خبر درست است، تگاه های پرسکتر-شان بهم دوخته میشدویه آرامی تالر جایگزین حالت پیش میگردید که در آغاز بر آن مستولی شده بود.

گوینده خبر را ادامه میداد:

جمعی از شخصیت های مطبوعاتی و عده بی از هنر هندان رادیو تلویزیون در هراسم بخار سپرده این هنر هند جوان وبا استعداد شرکت داشتند و دسته گل زیبایی نیز ...

نه - پس آنچه گفته شد حقیقت دارد و آواز خوان جوان که میرفت به آهستگی جایش را در احساس علاقمندان به موسیقی باز کند چون شاخه تهد جوانی شکسته شد و برای همیشه جایش دادر میان ما خالی گذاشت. آرام آرام اشک هادر گوش های چشم ها ظاهر گشت وزبانها بکار افتاد:

انگار هنوز هم نمی خواستند باور گنند و انگار باشد. از رو داشت که به هند استعداد در خود لحظه در برای دید گان به آب نشسته شان توجیه که داشت بله های شبرت

قرار داشت. اما خبر واقعیت داشت و حادله اتفاق افتاده مرحله پیش روی گند بر سکوی بلند انتظار بود، مثل هر حادله دیگر، بی آنکه انتظارش هنری تکه زند و هرگز فرود نیاید و آرزو را داشته باشد، همیشه همین طور است، های دیگری، مثل من، مثل شما، مثل هر حادله در گمین انسان است، مرگنا انتظار او را انسانی دیگر او هم با آرزو هایش زند بود میکشد، هر بار در ب خانه بی را میکوبود و غصه های زندگی را دردهایی را که روانش را به ستوه میاورد در طلایه همین آرزو هاتعمل میکرد.

بخت زمینه فقط بیست و دو بار زندگی دادید بیست و دو دفعه شاهد شکوفانی گل ها بود و گریز بانیز ها عنوز چهارده سال بیش نداشت که حلقه ازدواج را به انتکست کرد و به خانه شوهر رفت و حاصل این بیرون دو وجود آنان خلاصه می ساخت در زندگی خود ارآم نبود، فقر و بیماری روانش را میازرد و جسمش را به ناتوانی میکشید اما هر بار که بالبخند مقصومانه این دو کودک روبرو میشد، هر بار که آنان رادر آغوش خود میکسرد و در خسار شان را بوسه باران میگرد، آرامش در تمام وجودش راه میباشد درد را فراموش میگرد، غصه را از باد میبرد و باز در دنیا فریبندی رویا ها کشیده میشد و دروازه آرزو های فریبا برویش گشوده میگردید تا اینکه یکمال بیش از هرگز زود رسن و درست در روزی که خودش در آغوش هرگز جای گرفت، هیولای بیماری کودک بزرگترش را از پای

انداخت، دیوانه وار در بی درمان او شد که هرگز مجال را گرفت و کودک را برای همیشه از مادر جدا ساخت، این ضربه تو افسوسای بود که براو وارد آمد و بعداز آن هر گز نتوانست نقش این اندوه بزرگ را از دل بزدایدو باشاده امائه بخت زند.

بیماری سل، این دیرینه سال ترین بیماری انسان ها بیماری فقر است و او که در آغوش فقر زاده شده و بزرگ شده بود در گزیر این بیماری بود.

این درست است که اکنون غول سل در دست انسان از پای در آمده است و این هرمن خانه ایان را اندیز دیگر نمیتواند همچون گذشته هر روز در خانه بی لانه گند وقتی چند را از دنیا زد.

اما این در شرایط است که انسان توانسته باشد شرایط فقر زده را پدرود کوید، ازان لانه های تگ و تاریک و نمود دور از آفتاب که مسکن زحمت کشان است برای همیشه برون آمده باشد و ضوابط و معیار های صحی در زندگی او مسلط باشد در این صورت است که بیماری سل به زانو میاید و گرنه انسان را به زانو در میاورد و بخت زمینه هر گز



نغمه آواز خوان جوان و با استعداد

سادر سالاری و پدر سالاری حاکم در جامعه خودم را به نهادنا میگذارم آخرین پرسش اما، مانع از آن میگردد که جوانان بتوانند به از نغمه این است که با وجه به اینکه وی آرزو های خود دست یابند وغلب در روز است تا اکنون دوره لیسه را به اتمام نرسانیده است واز سویی هم میخواهد آواز خوان و های ما با دختران همچون یک چن معاشر میگردد و در واقع آنان قربانی سود جویی بازیگر سینما باشد و فاکولته ادبیات را بیان آورده ایا این همه معرفت هنری عجالت درس میباشد که در این هوارد باید از حق زن دفاع گردد تاوی نیز از حق شرق هیورن هنر و درس سین بدو چیز عشق هیورن هنر و درس خود در جامعه استفاده برد .

نغمه در صحبتی پیرامون مسائل سینما بیان این است که میتوانم هم شاگرد ساعی و به ارتباط خواست خود به بازیگری میگوید: سارزو دارم در نفس های ترا ازدی و غمناک متوجه شوم که یکی از این دو خواست مانع برپرده ظاهر گردم و آواز های حزین نیز بخواهم دادو یا مطالعه علم را جویا میگردم که چرا بوده خواهم ساخت گفت و شنود کوتا هم با نغمه بیان یافته است ولی او خواهش میکند که ارادت وی را به کار گذاشتن این مجله و زین وزیبا گهه قول او بهترین و آموزنده ترین باfilm و بینما هم عیشه فلم های روی احساس اثر بیشتر میگذارد که ترازیک باشد خواهش گنم که داستان های بیشتر در مجله چاپ گشته باشند و به مسائل هنری نیز بیشتر موقع نشر دهنده تا هنرمندان گشور مورد تشویق خواهشی که براو میگذرد احساس دنج میگنم فرادر گیرند .

واز این دنج لذت میبرم و به همه این دلایل به او وعده میدهم در صورتی که به درسشن چنین میاندیشم که در قالب نقش های ترازیک ساعی باشد باز هم باری دیگر وی را مورد نیز باید موفق باشم چرا که همچنان آنرا با تشویق هنری قرار دهیم واز کار های تازه احساس واقعی بازی میگنم و در واقع نباد هنری اش مطالبی تبیه داریم .

از بخت زمینه یک کودک چهار ساله بجای این هرمند است و تعدادی آهنج را دیگر و تلویزیونی که یادش را برای همیشه زنده میدارد . تو بر گلوز در وجود او خانه گرد ، مرحله اول مرگ نزد رس این آواز خوان جوان ویز و دوشه را با پیروزی بسر آورد و بالآخر در استعداد را برای خانواده اش و برای همه جاشتگاه یک روز در خون غرق اش ساخت دوستداران هنر و ارگان های هنری کشور تسليت میگوییم . بار دیگر روانش شادباد .

از سلو

## نغمه آواز خوان جوان قاڑه کار، گام گذار در راه سینما

نغمه آواز خوان را دادیو تلویزیون ازدواج کشور که هنوز سالی بیش از فعالیت او در ارگان های رسمی هنری نمیگذرد در همین مقرون به واقعیت است و جوابش اینکه : من به صدا و هنر هنگل احترامی فراوان تلویزیون و شتوندگان دادیو شهرتی برای خود کسب نماید .

او که بیش از عجده سال عمر ندارد و به قول و گرنه تا هنوز تصمیم به ازدواج نکرفته ام خودش آواز خوانی را بعداز پیروزی انقلاب و فکر میکنم که برای بیوند زناشویی وقت بیروز مند تور در کنسرت هایی که در مکاتب فندکار بر گزار میگردید به آغاز گرفته است اووقتی در برابر این سوال فرادر میگرد که دریک گفت و شنود گوته که به خواهش تعدادی بی تامل جواب میدهد که از نظر من بولداشتمن از هوا خواهان آواز ش به عمل آمد، میگوید: آرزو دارم هنری را تاجی امکان شگوفا و تروتمند بودن امتیازی به شمار نیامده بلکه آنچه مهم و با ارزش است چگونگی اخلاق و بارور سازم و در خدمت مردم فرادر دهم و شخصیت یک مرد میباشد که اورا در نظر هنری که بیانگر ذرده هاو شادی های مردم باشد و انکاسی از زندگی آنان .

او که ادعای دارد که خواننده است از خودش تصییف هایی که خواننده است از خودش میباشد و اگر هنر مند و هنردوست هم باشد که چه میباشد در پاسخ به یک پرسش دیگر درین فعالیت های هنری من گردد .

و در این راه تعصیبی بخراج دهد .

نغمه در این باره که از نظر او با توجه به شعر فطری بسراخ شاعر میاید اما تصییف سازی را میتوان آموخت و میگرد که شعر این روزی میگویم شوهرم تحصیل یافته باشد و اگر هنر مند و هنردوست هم باشد که چه ازین روی میگویم شوهرم تحصیل یافته باشد او که ادعا دارد که شعر نیز میسراید و تصییف هایی که خواننده است از خودش میباشد و بهتر از آن ولی بپرس صورت نماید که مانع زمینه که از نظر او چه تفاوتی میان تصییف و شعر وجود دارد این طور اتفاقاً میگنند که :

شعر فطری بسراخ شاعر میاید اما تصییف سازی را میتوان آموخت و میگرد که شعر این روزی میگویم وستی جامعه ها ازدواج های زن و یا حداقل در نظر من واجد ارزش میباشد از این روی میگویم شوهرم تحصیل یافته باشد و اگر هنر مند و هنردوست هم باشد که چه میباشد در سینما دارد میخواهد دریکی با بر اساس تعامل محلی ، چنین ابراز میدارد که :

- لازمه زندگی خوش و ازدواج خوش فرجام میان جوانان توافق تفاهم است که بدون عشق بوجود آمده نمیتواند ولی بپرس صورت تلویزیون به تبیت رسانده و به خاطر علاقه بیی از خلم های شفق فلم عهد دار نقشی گردد هنر سینما را بپرسین هنر ها برای مردم شیرین و میباشد . و معتقد است که بوسیله هنر هفت بیتر میتوان واقعیت های زندگی را انکاس داد و عقایم هنری را القاء کرد . و به همین تشییص داده شود و جوان زیر تأثیر احساس دلیل نیز آرزو یم است که بازیگر موفقی کاذب خود فرادر نگیرد و بپرس خواهش شویم زمینه ای که از عوسم های آنی و زودگذر باشد عشق واقعی از عوسم های آنی و زودگذر بیتر میتوان واقعیت های زندگی را انکاس داد و عقایم هنری را القاء کرد . و به همین تشییص داده شود و جوان زیر تأثیر احساس دلیل نیز آرزو یم است که بازیگر موفقی کاذب خود فرادر نگیرد و دریک مورد دیگر در شویم زمینه او میگوید :

ترجمه از: «چهار»

چشمان گذا دراین لحظه برق مخصوص کرکتر و دارای میلیون ها دolar ارت پدری داشت و چند لحظه در نقطه مجهولی خیره بود ، طرح عشق و دوستی ریخت و شوهرس شده بعد بایک حرکت خسته ای ، ائستان خودرا بالای چشمان خود گذاشت ، گونی دفت .

میخواست خاطره ای را از مقابله اکار خود «نوبل» تمام آرزو های زن جوان را از چشمان زیبایش میخواسته خواهش اوردن آن

بزداید . بعدها وقفه ای ادامه داد :

«لور» فقر و بدبختی را که در آن بزرگ واحد برمی آورد . «جیم داکر» در حالیکه تمام دارانی خودرا از دست داده بود ، هنگامیکه شده بود هیچ وقت نتوانست فراموش کند .

از این صورت یک حس دبوانه وار و لخچی دو او بیدا شده بود ، گویا میخواست انتقام از «لور» زن زیبای خود و آن جوان بdest

نیاورد . به این صورت «جیم» تمام چیز های گذشته را بگیرد . «جیم» اگر چه بول فراوانی بدست می آورد ، اما هر قدر هم که بول زیادی راکه داشت از دست داد و آدم ور شکست و فیروز گردید .

گذا بهاین صورت داستان خودرا بیایان باشد ، و عشق این دختر به اندازه ای در قلب

رسانید . من بانکوت پنج دلاری را به او داده

کنم .

- من شرط می بشم . که آن «جیم داکر» خود را بگیرد .

گذا که تیسم هز و نی در لبانش نقش بست

در حالیکه با نکوت پنج دالری را در هیان

عنوان خیانت و دزدی بول به بولیس نشان

گفت :

- آقا ، من به تمام میلیون های «را کفلر» داد و بعدها اثبات جرم اورا به زندان انداختند .

قسم میخورم که این دختر ، زیبا ترین «لور» هنوز موضوعات معکمه و عدالت

ویر جدیه ترین دوشیزه ای بود که هن شوهرس خلاص نشده بود که بامرد دیگری در عمر خود دیده بودم .

موسوم به «نوبل و یتمان» که جوان لایالی و بی

## یک داستان کوتاه از «پی در پاسکال»

# گدا

من با اینطور گدای گستاخ در عمر خودرو . برو نشده بودم . هر چه گردم از دست او رهائی بایم هیسم نشد . او در حالیکه در بیانه دو بارگ عموه شبر قلم به قلم در پلکویم راه میرفت ، گاهی به عجز و ذاری و زمانی هم باگستاخی بی سرهانه ای تقاضا نمیگرد تا چند دالری به او بدهم .

باد برگ های زرد و بیز مرده خزانی را که در روی چمنزارها پراکنده شده بودند به هر طرف می راند و به این صورت اوین علام سردی زستان اعلام میگردید . گذا یک گرتسی خیلی زنده رادر بالای یک پیراهن پنبه ای پوشیده و خیلی خنث خورده به نظر میرسید .

چون دیدم که او از سرم دست بردار نیست بالا خره با خشنوت گفتم :

- اکنون دیگر کافی است ، برو و هرا بحال

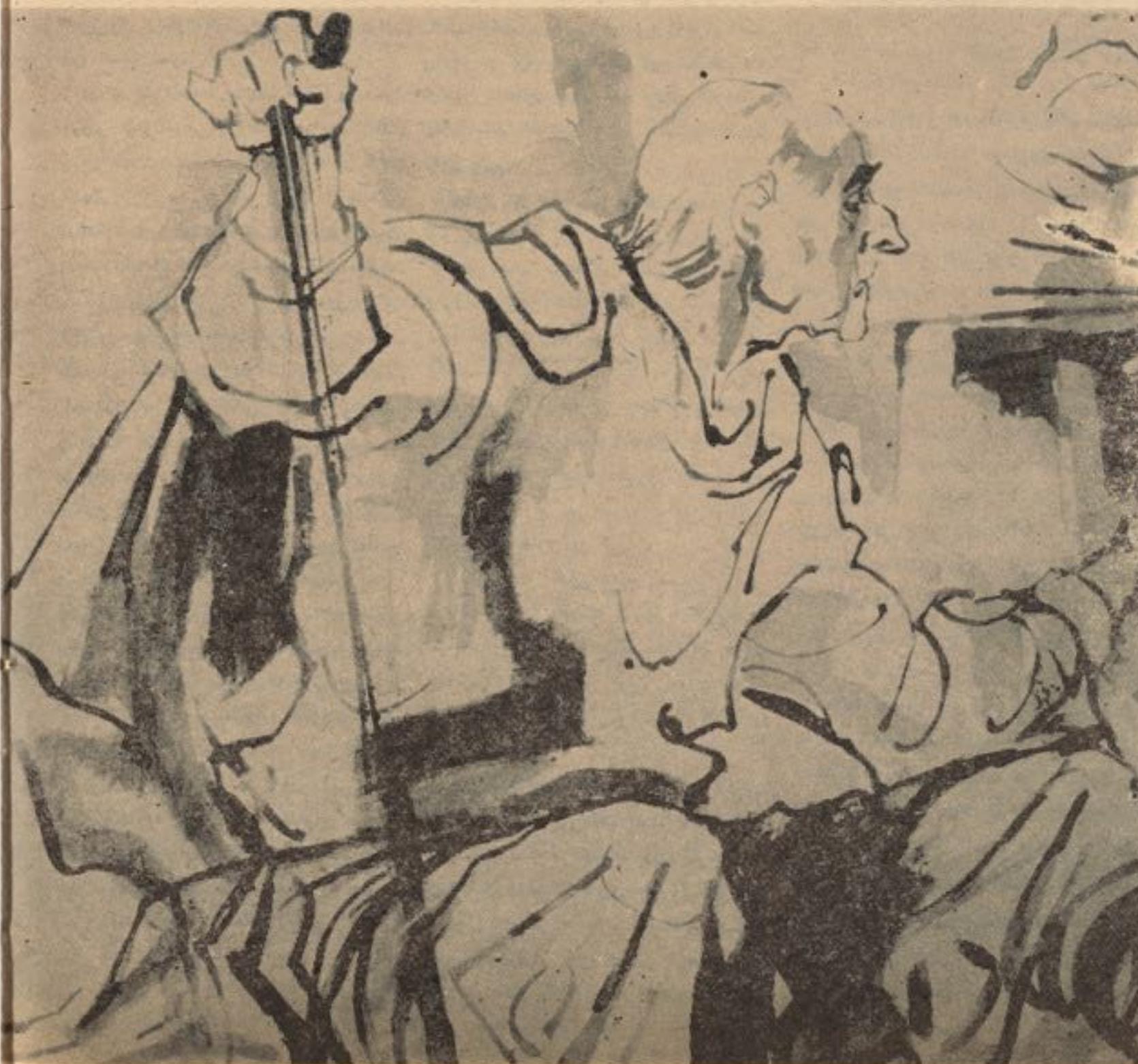
بگذار !

الفاظ درشت من در او عیج اتری که بخشید و حتی فیله او را هم تغیر نداد . من بدهت به او نگریستم و دیدم که فیله خوش طبع و دستان نازک و فریبی دارد که به شیخصورت با وقوع ظاهر او مناسب نیست . بالا خره گفتم :

- گوش کن ! توبیرای من داستان زندگی - ات را نقل کن و من برایت پنج دالر میدهم آیا راضی هستی ؟

بعداز ادای این کلمات یک بانکنوت پنج دلاری را از جیب بر آورده و در دست خود مگرفتم ، گذا با نگاههای حسرت بارو حرصانه ای هنوجه بول گردیده و بعد با اشاره سرجواب مثبت داد . هردو در روی یک چوکی بالغی قرار مگرفتیم . گذا نفس عمیقی بر آورده و آخست به حرف زدن شروع گرد :

- من داستان یک دوست خودرا برای نان فصله می گنم . ناهش «جیم داکر» است . «جیم» انگلیز معماری بود و از هر جیوه میتوان اورا یک شخص خوب و عالی دانست . او ره حیث میشه س تعمرات مشغول کار بود و بول خوبی درمی آورد . چندی بعد «جیم» در «نکراس» به سر برستی امور معماری یک عمارت تو ساخت تعیین گردیده و در همین شهر بود که «لور» یک دختر خیلی قشنگ وزیبا را شناخت بعداز مدت هم در عین شهر ازدواج گردند و هنگامیکه کار های «جیم» در «نکراس» خانه



موالاني خلدور کند که اگر تشویشات روحی  
مکمال ناسی از سر برای عاناهناسب اوضاع خانوادگی  
پاشد پس چگونه میتوان در بی چاره جویی  
از آن برآمد؟ و با اینکه اگر طفلی از دو خورد  
بیان مادر و پدر خود عقده گرفته و هساب  
به تشویشات روحی گردیده چه نوع کمکی میتوان  
نمایم؟

درینجا وظفه والدین است که تا اولاً درین  
حل معضلات خانوادگی شان برآمده و برای  
قویش از برخورد های رشت و نامناسب بمقابل  
هم که باعث دامن زدن بیشتر تشویشات روحی  
اطفال شان میشود چلو گیری نموده و اگر  
معضلات خانوادگی شان منشاء اقتصادی داشته  
باشد باید بظلل خود تفسیر نماید که این نوع  
مشکلات در نتیجه کار و عرق دیگری شان  
باگذشت زمان حل شده و بدینترتیب اطفال  
شان در مقابله ناسازگاری های زنده گم جرئت  
بخشنده . وهم نباید والدین تشویشات روحی  
وعصیان اطفال شان را بخود شان و بادرعکاب  
شان باز کو گند و عمچنان در باره تشویشات  
روحی و اینکه تشویشات روحی و عصیان دارای  
جه اخراض و علایم اند نباید در بیش روی  
اطفال سخن زد . وهم نباید توجه اطفال به  
تفایل ( چه جسمی و چه روحی ) که دارند  
معطوف شود . که این موضوع را تشا در  
ورود تغیرات ظاهری جسمی و روحی که نزد  
اطفال رونما گردیده هستند ندانسته بلطفه باید  
دانست گه حتی اطفال را به بی استیانی گسے  
بیندا نموده اند هم متوجه ننمایند .

والدین گرامی میتواند دول بس هم راحتی  
در زمانیکه اطفال شان با قبرو غصه کاسه  
شان را به دور تبله گرده و از خوزدن غذا  
بکلی ابامیورزند هم بازی نمایند.

بعن زمانیکه طفل نغواهد خدا بخورد باید  
طفل را بحال خودش گذاشته و به او اجازه  
داده شود تا دستور خوان را تراک بگوید و هیچگاه  
مانع این کار او نشوید .  
یک تکنه دیگر که برای صحت وسلامت

جسمی و روحی اطفال در خور اهمیت اینست  
تا عمراء جمیع فامیل طعام صرف تهایند زیرا  
صرف طعام با تمایی اعضا فامیل شان به آنها  
آرایش خاطر بخشیده و در فزونی علاقه شان  
به صرف طعام کمک زیاد میکند.

همچنان چیز ازین بودن ترس و احساس ناراحتی اطفال از انواع مختلف یا زیبا استفاده باید کرد طور مثال: وقتیکه یک دخترک از پیچکاری شدن ترس دارد میگواهد رول نرس را بازی کند همراهیکه برای همیازی اس و یابه کندی هم خود میگوید: «توباید پیچکاری شتوی - ترس هیچ درد نمیکند ای ترسو!»

حیثیت این نوع سخین روحی است برای مصل  
مذکور و مطرق دیگر نیز باید در چنین موارد  
بکار رود.



## اثرات روابط خانوادگی بر سلامت جسمی

ورودی اطفال



اشی از تریت نادرست است بشرط شود.

نوروز (تشوشن خفیف روحی) نزدی اطفال  
معمولاً بصورت کسبی پیدا شده تا اینکه ادنی  
باشد:

البته تداوی و آموزش اطفال عصبی مزاج  
نسبت به آنده اطفال همچنان شان که مصاب  
به تشوشن روحی نیستند تاحدی - مشکل بینهایه  
اگر دویه لذتگاه که اطفال مصاب به تشوشن  
روحی با استفاده از آن کاملاً شفا خواهند  
میتوانند در دسترس اطباء قرار میدانند ،  
متوجه های عالی آموزشی اکتشاف یافته میبود  
و با والدین این علم اطفال مسؤولیت شان  
را در زمینه تربیت آموزش اطفال درگ نموده  
و در چیز تربیت و آموزش آنها تدبیری  
مبت و مستحکم برپیداشتند و وظیفه بس  
ستگین شان را در مقابله اطفال شان ، جامعه  
شان و جهان شان بجا میاورد - تا کوچکترین  
مشکل را استادان مکاتب در آموزش بهتر  
آنده شاگردان شان که به تشوشن گوناگون  
روحی مصاب اند احساس نمی نمودند .

وائدن نه تنها وظیفه انجام مکلفت هائی را که  
فوقاً از آن تذکار رفت بدوس دارند بلکه باید  
آن همه روشنای غلط را که در زمان آغاز  
حیات یافته ایجاد تشوشن گوناگون روحی  
نزد اطفال شان میشود .

\* اولاً کشف و بعد در بین دفع آن برآیند که بدینتر تیپ هیتوانند رول بس عمده بین رادر چیت شنای اطفال شنان از امراض مختلفه

# نگاهی به مبارزات آزادی خواهی زنان در جهان

چشمی بستگی دارد . بلکه آزادی آنها  
و ایستاده به استقلال سیاسی خاکیت اقتصادی  
دو گرایی کردن حیات اجتماعی بستگی داشته  
به ارزش نیرو های مشکل زنان برای کسب  
آزادی های اقتصادی و سیاسی این کشورها  
اکماهن حاصل می گردد و یکبار دیگر اعتقداد  
حاصل می گردد که زنان در تعت سلطنت انسکان

گوناگون استعمار از هر گونه حریمیت و شرافت  
انسانی ، بعیث مادران بی بهره ساخته شده  
اند و موقع شایسته خویش را از دست داده  
اند بنا از همین جاست که دو شا دوش مردان  
برای احاده شرافت و حریمیت خویش پیش و تمام  
خلق های میهن شان میرزند و به مبارزه  
بر شود و فعل مبدل می شوند و درین  
مبارزات خویش حقوق خود و هم میهنان خویش  
را احاده می نهایند .

پطور هنال ، مبارزات قهر ما نانه زنان  
وستام در شالی زارها در جبهات در جنگ  
ها و مبارزات خویش علیه امریکای جهانخوار  
ومتعاز قلب هر مستبدیده را فربان ماجرا .  
جوئی انقلابی می بخشند و تجسم خاطره زنان  
انگلولای سرخ جبهه خلق را اتر ذی و نیروی  
لایزالی می بخشند .

بالغیدار

این و شمع در زمانیکه کشورهای افریقا  
مستعمره بودند و هم زمانیکه آزاد شده تا  
هنوز ادامه دارد بدیل اینکه شو هران ایشان  
در کارهای دیگر به شهر من روند و مصروف  
کار در معدن هی شوند این زنانه نه تنها  
از دودی شوهران شان و پنهان نفی برند بلکه  
مسؤولیت های عمومی زندگی را نیز به عهده  
دارند .

این رفع های بیکران است که بپریزود رس  
را در زنان بوجود آورده و کاخ زندگی ایسن  
فتر معروم را فر سوده ساخته و به نگست و  
نابودی قبل از وقت سوق میدهد .  
دراین کشور ها قانون نیز استفاده از حقوق  
مدنی خانوادگی و قضائی را در مورد زنان  
به اجازه شو هران شان محو نموده است  
درین جوامع قانون گذاران خود مردان ۱ ند  
وبه همین دلیل است که مردان سند باداری  
و امتیازات جنسی نا حق خویش را شمن قانون  
مفهوك تقدیم بیم بیکنا بان و مظلوم مسان  
برای زنان آسیا افریقا و امریکای لا تین  
من نهایند .

در مورد دسترسی به آموزش رهنمایی  
در چنین جوامع با مجموعه گزارش های  
های شغلی نیز نابرابری های مشارک بین وجود  
دارد در مورد حرفة و شغل هم نایت شده  
که داده شد .  
بعیث یک وسیله بجهه کش در دست چنین  
با مطلع قوی تر مرد فرار داده و در برخی  
ازین کشورها زنان را به بردگان مبدل نموده  
بودند .

علاوه از مشکلات و برابری هایی که ازان  
نام گرفته شد در جوامع سر ماینداری زنان  
با مشکلات فراوان دیگر نیز مواجه می باشند  
بیش از نود و پنج فیصد اکثریت عظیم نیرو  
های کارزنان تا هنوز در کشاورزی متعر کن  
است و قرنی در افریقا گفته می شود که زن  
مسؤولیت حفظ خانوادگی را به عهده دارد باید  
آنرا سرسی اثکاست بلکه معنی سخن در  
آنست که زن نه تنها مسؤول امور منزل و  
آشپزی ، تربیه خانل و غیره است بلکه همه  
آنها بحتاج خانواده را تبیه و تدارک می بینند .

# دبشری ټولنو په جور نېت کې دېسخی بر خه

## قلب صدیق اړو ذا

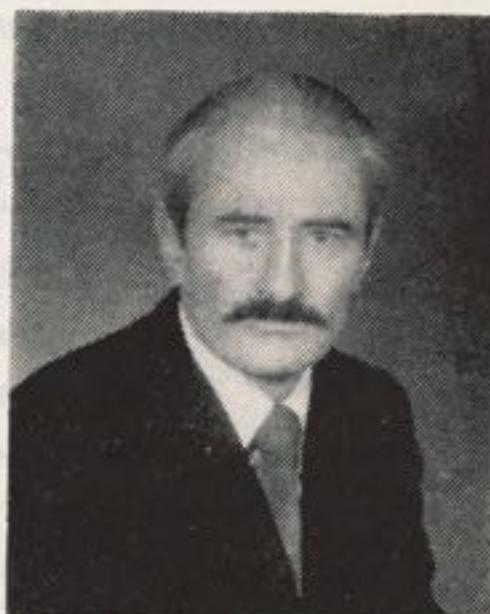
به نظر من سن را باید بحساب سال محاسبه  
نود بلکه به اساس کارو خدمت به مفہومیکه  
اګر زیاد مصدر خدمت شده‌ای یعنی زیاد عمر  
نوده ای محاسبه کن .

دبشر په تاریخ کې کورنی د انسانی ټولنو او بشري کتلو اساسی دېشی دی په کورنی او فامیل کې بیا نېخو دکورنی اساس او محور بلل کېږي ، یعنی دبشری ټولنو په ایجاد کې پېشی برآخه برخه اخیسته ده گه هون د تاریخ او تیرو دروو او هراحلو ته یوره خیر شووینو چه یو وخت پېشې دجامعی پراکنډه اپخوتو باندی مسلطه وه خصوصا په تولید کې دهی روی یېغی زیات واو برسره پردي قبیلوی، مذهبی هراسم او دجنګ او سولی اړددی یلاس کې وو تارینو ددوی په فرمان باندی دطايفي او قبیلې چاري سره رسولي پدنه دوره‌کې د انسانی ټولنی تولیدی روایت او مناسبات اجتماعي او طبقاتی توپیر وجود نه دلداده قبیلې دیاتر یال په نوم یادېزی په یځوانی یو تان کې چې ارسطو . سقراط ، افلاطون غوښدی ټولو افرادو په مشترک ټولو تولید او کار کاوه ټولومشتک او ګښکل باندی عمامه مخصوص شخصیت نه در لود پېشی په یو او بل نه دېشواه دنځی تاریخي دووي په لمړی سرکی دېشخو تسلط پر قبیله او طایفه باندی موجود خور خو دباره په پورور کولی په یځوانی وحی ماتر یاد ګال یاد هور واکړی په نوم یاد روم کې یوه تارینه حق در لود چې خپله؟؟ یېزی یعنی دېشخو تسلط چاههن پراکنډه اړخونو لودی و وزنی اکتر دغدا په منظور پېشی وړل کیدلی باندی ولی داهر حلله هفه وخت دزراحطاط اوژوال په خیغو همکوکۍ دېشخو موافق د اسلام سره مخاخن شووه چې ټولنې کې د ګاراجهاعن تقسیم په وجود راغی کرار دېشخو ګاردن دراټک سره نسبا په شوولی یا هم د کورنی په محدود چوکات کې پانه اورول په تارینه و به نسبت په حقوقی اړښت لپوو . دتولید په برخه کې دنارینه و به نسبت لپشو دسرمایداری په دوره کې دېساري ټوند خصوصا دېشخو برخه کتلی حقوق او انسانی اکشاف دعلم او تغییک پر مختک او تربوی ارزښت هفه وخت دیر کېسته راغی کوم وخت اندازی دسواو او تعليم عادي ګيد ددی باعث چې دغلامي او خانګاني تور دورا نونه یوې بدل شو چې په پېشوكۍ یو نسبی بیداری را پیدا پسی راغل دله مرحله دبشر په تاریخ کې شی . دوی دڅلوا حقوقو یه لاس راوه لویه خاطر انجمنو نه کنفرانسونه او اتحادی جوړی کېږي خصوصا هنې وخت دېشخو د حقوقو مسئلله جدی طرحده شووه کوم چې په تزاری روسيه کې دسوسيالیزم پېړغ پوره تشویه سوروی روسيه کې دېشخو د حقوقو د نامهین په خاطر پېړه زوره او یعنیه مبارزه شروع شووه تو د سرمه داری دولتو نو هشرانو هم ددی له پاره چې دېشخو رضایت یې تو لاسه کېږي وی په یوه سلسه فعالیتو یې لاس پوری کېږولی دغه دولتو دخبل ماہیت په اساس دېشخو د حقوقو مسئلله ته چندانی توجه ونه کړ .

این سخنان را از زبان دختر برافتخار هند ارونا آصف على می شنویم . زنیکه سبهم فعال در جنبش بین المللی زنان دعوکرات ګرفته و مبارزیکه مبارزه خستگی ناپذیر بخاطر صلح ، نوده ورلیق بزرگ مملکت سوراها میباشد . در هاه اگست سال ۱۹۴۲ نام این فرمان هند برای اولين یار در روزنامه های هندی ظاهر ګردید . رایور ترهای که خا طران میتکنګ عظیم پارک شیواجی شهر بوجی را که بخاطر دفعه از لیدران محبوس چنبش آزادی بخش هلی دایر شده بود بیشتر از بیانیه های پر شورو دلیرانه زن جوانی که تقاضای مبارزه بیشتر هم میباشد خود را علیه استعمار بریتانیا مینمود حکایه میگرد . از همان آوان جوانی ارونا آصف على یک شخصیت انسانی بود ، اودر جوانی کے فقط بیست بھار زندگی را سپری نوده بود عنده انتخاب نهودند و بعد از یک سال انتخاب و بخاطر دوستی با اتحاد سوروی فرار ګرفت در سال ۱۹۵۸ - این زن مبارز و این شخصیت شبور سیاسی را بعثت شاروال پایتخت هند انتخاب نهودند و بعد از یک سال انتخاب پیشتر هم میباشد خود را علیه استعمار انگلیس هر دانه مقاومت نود ؟ چطور به اعمال فتنه انگلیز زمان فایق آمد و مجاکه های تنک نظرانه را متوجه شد . دو سیزه خاندان پر آوازه پر همنې با مسلمانیکه کاملا از نثار عقاید مذهبی باهم منفاوت اند ازدواج نوده و در وصلت این دو جوان پیروان متبھاکاندی نمونه آزادی هند را مشاهد نه نهودند ، زندگی ارونا در سال های شناخته شده است . سلاح فنا نایدېراو عبارت از کلمات و جملات روشن پر احساس والهام بخش وی بهم میباشد از تربیتون های عالی بین المللی ، مسا فر ت ها و ملاقا ت های وی در ګرم ترین و داغ ترین نقاط ګره زمین که در آن جا مبارزه بخاطر استقلال ادله دارد و بالآخر عبارت از قلم پرتوان وی در زمینه مقالات سیاسی میباشد .

## رفیق

عزیز بیهوده من ای دل چو آ فتاب ر فیق  
ضرور غر قدمی چون هوا و آب ر فیق  
به سوی قله ۱ مید باله من باشد  
به جسم و جان بدهد قوه بی حساب ر فیق  
به هر نفس دعدم علم صد کتاب ر فیق.  
زمشکلی نهراسم دد این جبان از آن که  
رسد ز بیهوده زود و بانتاب ر فیق.  
خوش آن ز همان که همه آدمان روی زمین  
گشته بادل صافی بیهم خطاب ر فیق!



سلیم شاه شاعر زرف اندیش  
تاجکستان اتحاد شوروی

## سرو د ما

مثل نجم گزینیم جای بر افلاک  
که باز پرده اصرار او آسمان گردد.  
چو آب صاف دل پاگ هر یک هار است  
تواند آن که سبب بیهوده شنگان گردد.  
به قلب مرد مبارز به روز سخت و شدید  
سرود هارسد و قدرت و توان گردد.  
نوشته شده

سلیم شاه حلیم شاه شاعر مشهور عنوان آنرا «بیام انقلاب» گذاشته است و  
جسته جسته پارچه های این انر با از زن  
خدمت خوانند گان عزیز مجله زیبای ژونون  
تقدیم خواهد شد.  
سلیم شاه حلیم شاه در شعر پیشو  
مکتب ریالیسم است و افتخار شاعر دی د و  
دانشمند بزرگ و دو شاعر نا مدار شرق  
استاد هرزا ترسون زاده و استاد میر شکر را  
دارد و می گوید محبت به شرق بخصوص محبت  
به خلق افغانستان را ازین دو استاد بزرگ  
آموخته ام که راه لین بزرگ را بنا آموخته اند  
و می آموزند.  
سلیم شاه حلیم شاه عضو شیوه رای  
نویسنده اتحاد جما هیر شوروی است که  
خوانندگان ارجمند ما به آثار شاعر آشنائی  
دارند واینک چند بار چه ز بیای شاعر غرض  
مطالعه شما تقدیم می گردد.

این شاعر دوست داشتنی و پر محبت در  
سال ۱۹۳۶ میلادی در دهکده ز بیای دیوک  
ناحیه شفتان و لایت بند خشان  
کوهي جمهوري سوسیالیستی تا جکستان  
شوری چشم بدندی کشود و در مکتب آن دهکده  
تحصیل خود را تمام کرد و بعداً مکتب میانه  
را در شهر خاروغ با عمال بیان رسانیدو  
در سال ۱۹۵۵ میلادی شا مل پوهنتون دولتی  
تاجکستان بنام لین کردید و در سال ۱۹۶۰

نوشته داکتر ابره

## آشنا بی باشاعر «کشتی انقلاب»

در رشته فیلولوژی با خذ دیپلم نایل گردید  
و شاعر در جریان تحصیل دسته شعرای جوان  
پو هنتو ن دا رهبری میکرد.

سلیم شاه سالها در روزنامه حزب  
تاجکستان شوروی کار گرده و قبل از آنکه  
به افغانستان بیاید مدیر شعبه ادبیات و هنر  
روزنامه تاجکستان شوروی بود آثار شاعر در  
روزنامه ها و جراید تاجکستان شور وی  
و دیگر جمهوری های برادر پیوسته چاپ  
میشود و رساله های جدایانه شاعر که دوین  
اوآخر بچاب رسیده است بنا مهای «راه قلمهه»  
«کشتی انقلاب»، «اهاما لین» و «رساله  
بنام «عادر» که از طرف نشرات عرفان  
ذیر چاپ گرفته شده است.

سلم شاه حلیم شاه رساله اشعاری  
کمتر بازه انقلاب بر گشت نایدیر تود و  
قبرهانان انقلاب تور است روی دست دارد که

# عاشق حیات

بادخشنان گردد  
بال افغان گردد  
خوشنن دا به شتاب  
می زند بر گرداب .

کوش انداز بگو ید خود باد  
هیچ این جا نبود راز نهان  
آن چه زیباست دلم مائل اوست  
عاشق زنده‌گیم اهل جهان .

از چه ای نوع بشر  
این قدر بیک سحر  
عشق در یا دارد  
یا که جو ید گو هر .

سر به سر روی زمین گلشن باد  
سر به سر باد ز مین تازه و تر  
سد راهم نشود آش و دود  
می ذنم بوسه به هر درگه و در .

باز پرواز کند جانب با غ  
برگ هر نوده نشود تازه و تر  
دختری زیر چنان استاده  
گرده هر لحظه سر راه نظر .

باد با زلف کج و عنبر بوش  
مثل دلبخته بازی دارد  
دخت آهسته تبسیم بکند  
کیست داند که چه رازی دارد .

باد دلجوی بها د  
شده بی صبر و فرار  
می زند بوسه بران  
زلف پر بیچ نکار .

از چه ای اهل نظر  
این قدر بیک سحر  
چون دلم مسکن خود  
گرده زلف د لبر .

باز خیزد بنماید پر واژ  
سوی صحراء برود بال زنان  
خویشرا بر کمر کشت زند  
کشته دلبخته بسیار بران .

کنتراران بزنده موج چو بعر  
هردمی موج برارد آواز  
شود امسال فراوان حاصل  
خونه ها رقص نمایند بناز .

من وزد بر سر کشت  
بوسه بر خوشه زند  
گوید این جاست بشست .

از چه رواهی نظر  
این قدر بیک سحر  
کشکه گرده مکان  
به مثال دهقان

باد تازد فگند بر در یا  
خویش دا مثل جوانان رشید  
لدت از آب شفا بخش بود  
گوید این جاست حیات جاوده .

موج پر موج بیبعد هردم  
گوی عرموج بگوید بالی باد  
زندگانی بجهان بی من نیست  
بی من اصلاً نبود هلق آباد .

## آلله که تکلیف قوه شنوائی رارفع می سازد

### طريقه ای که مریه ای کم خون با پیروی از آن مهیه و آنده شخصاً به خود خون تزریق نمایند

در انتیوت تحقیقات (عمو تو اوزی)

شهریور دوکتور (هنریس - هیرمن) ویکن از

همکارانش در مورد تزریق و انتقال خون به چهار

صدو هفتاد و دو نفر مریضان تحت معالجه

خوبیش قواعدی را تعلم داده اند که هر مریض

میتواند خون را به خود تزریق نماید .

هر یک مریض کلان سال و بی والدین اطفال

مریض یائین تر از سن دوازده سالگی ، بعد

از یک یادو هفته تعریفات دوامدار ، قواعد و

تغذیک لازم این عملیه را فرا گرفته ، و مستغلا

بدون حضور داشت داکتر ، و بدون ترس

یکن از جراحان گوش سفاخانه (ساپت انتونی)

و بیم از زخم و جراحت برداشت ، در گسترین

وقت شخصاً میتواند بالای خود بایه مریض

شان خون را تزریق ویا انتقال بدهند .

قواند اختراع بی بیه خواهد هاند . این

ویکن اند به چنین کاری مبادرت ورزند ؟ رئیس

کادر طب این انتیوت ، بادر نظر داشت

قوانین طبی چنین «برازن نظر» گرده است :

تزریق خون گرفتن و دادن خون ، و انتقال آن

از یک ذیروح به ذیروح دیگر حق مسوولی

افور در زمینه است . اما فقط در موارد ضروری

و استثنائی و درجا هانکه رسیدن بداکتر

اشکالاتی داشته باشد ، و شخص عامل قبل ایک

دوره آموزش بخصوص این سیستم را تحت

نظر هنسوین طی کرده ای اجازه نامه داشته

باشد ، مجاز است ، در غیر این صورت ،

مسوولیت ضرر وارده ازین ناحیه ، بدوش

مطابقت به امواج صوتی انتقالی داشته و برای

همان نفر خواهد بود .

راساً به عصب شناوی انتقال بدهند . چون

که اکثراً نا شناوی و کم شناوی ، ناسی از

ایجاد مزاحمت در فعالیت میغاینیکی از کانهای

شناوی و عدم کار روایی درست آن ها است .

نه تبا اینکوئه تکالیف ، بلکه کسانیکه طور

مادر زاد از نعمت شناوی معروف باشند به

کمال طریقه بی که داکتر (کلاؤدی - هیزی خوارد)

یکن از جراحان گوش سفاخانه (ساپت انتونی)

باریس به میان آورده علاج میشوند . اما

کسانیکه اعصاب سامعه شان فلنج باشد از

برایتم واقعی درینجا است که ، آیا مریضان

میتوانند به چنین کاری مبادرت ورزند ؟ رئیس

کادر طب این انتیوت ، بادر نظر داشت

قوانین طبی چنین «برازن نظر» گرده است :

(هادی برق) کوچک از نوع بلاتین سایریدیوم

و قلعی ساخته شده ، با آن کوچک آن ، در زیر

چمجه بدور عصب شناوی طوری تعییه میشود

که به چشم دیده نه شده ، و شخص مریض

با بکار بردن متود جدیدی ، کسانی را که

قوه شناوی شان کم بوده و یا هیچ نمیشوند

میتوان کمک کرد . این وسیله گمکی عبارت

صوتی را که عبارت از تیون ها و تلفظ کلمات

از الکتروودها یا هادی های کوچک بر قی استند

که میتوانند بدون فعالیت میغاینیکی مغلق

دستگاه حس سامعه ، یعنی بردۀ صماخ و

چکش ، سندان در گوش ، امواج صوتی را

سلمه ۲۷

## هدیه شاعر

ت لیه رقصان

ای آنکه بانگاه دو چشمان مست خویش  
السون نمودهای دل غمیده مرا  
گفتی برای من که بگو شعر تازه ای  
از پیر من بو صف دو چشمان د لکشم  
آری :  
ای دختر جوان  
ای عشق آتشین  
تو شعر تازه‌ای وجود لطیف تو  
کیف شراب ناب به شاعر همی دهد  
یا هر نیسمی که بروید ازان لبان  
یافطره‌های اشک که از روی لطف و هم  
اندر هیان دیده بجوشد ذ روی شوق  
ای آتشین نگاه من ای ماه زرد پوش  
بنگر که در وجود فسیف و نزار من  
این شاخه‌های عشق توسر می‌زند ز  
شوق  
واز دیدگان بپرس و همی جوی من  
اشکی که می‌چند  
این شعر دیگریست  
\*\*\*

آری :

این شعر تازه ایست که روید زغلب من  
این شعر تازه را  
اهم‌گتم برای تو ای عشق تازه ام  
محمد عزیز رویش

کابل - ۱۷ میزان ۱۳۵۹



## خورنگ

که پس وابه نه خودای  
لیوه به پس نه خودای  
که بنو تا بنه نه خودای  
نانبو به بنه نه خودای !!!

دکتور زیار - ۱۳۵۹

## شیدای آزادی

خو شا آب و هوای خرم دنیای آزا دی  
خوش آزاد گان سر خوش بینای آزا دی  
خوش قومی که تحت سلطه بینا نگان نبود  
خو شا پر ور دگان خطفه‌بای آزا دی  
خو شا آن هلت با غلمتی را که بسود دایم  
غوروش نشہ بیرونی سبیای آزادی  
خو شا آن عاشقی را که وطن لیای او باشد  
چو معجنون سر کشید در دا من صحرای آزادی  
درود از ما به ار راح شیدان وطن با دا  
که خون گرم خود را دیختند در پای آزا دی  
چو «فیضی» و صف نیکو یش چنین پر ورده هیکوید  
بود از جان و دل سر گشته و شیدای آزادی

نورمحمد «فیضی» استفاده‌ئی

## غول سرمهایه

عصرها ، عصر تبرد است و غرور  
عصرها ، عصر امید است و سور

عصر رزم و ظفر رنجبران

عصر نابودی سر مايه و زور

\*\*\*

اندرین رزم هزاران انسان

توده د نجبران ، کار گران

صف به صف ، دست بدست ، دوش بدوس

میرونده هارش کنان ، فتح کنان

\*\*\*

گه چو رو باه پیر از سر هکر  
یاوه می گوید و جعل می بادد  
گاه بپر فریب توله سگان  
دم بدم می غرد و می لافد

غول سرمهایه زخمبا خورد

جون سگ هار می جود دم خویش

گاه از فرط درد همچو ددی

بر سر خویش می زند سم خویش

\*\*\*

غول سرمهایه ، غول سرمهایه  
گوش کن ، گوش ترا می گوید  
دست تاریخ کنده گورت را  
مرگ هر روز ترا می چوید

علیم شیبال

## نامه اقبال

### بالها

کجا دیدی تو مرخی را به یکه بال ،  
رساند خویش را براوج اقبال ؟  
به این نیت اگر بالش گشاید ،  
همان ناتوان پائین فراید ...  
چنین تمثال اندر ملک الفان ،  
بود در راس حکمت های دوران .  
بنا کار آن فردای سعادت  
زهر عفو توافق جماعت ،  
که آگاهند از معنی حکمت ،  
هم خواهد دلیر و مداد ،  
ذبس اندر وجود خلق و میهن ،  
دو بال هفتاد ری مرد بازن ،  
اگر با لی بود ناجور و کامل  
بگردد شیوه برواز مشکل .  
خوننا کز انقلاب بخت آور ،  
حقوق مرد زن گشتن برابر ،  
به عزم و قدرت همایه امروز ،  
نمایم این زمین خویش بپروز .



### سر و دنو شانوش

از چه خا موش است اویز نشاط ؟  
او بانک تو شانوش ، طینیان الدنار ؛  
زیبا دختران ، ز نهای طنار ،  
که هارا دوست میدارند ، زنده باد !  
بیاله ها را لبریز تر سازید ،  
جزنکا چرنگ ،  
دد من سرخ رنگ ،  
حلقه های غال دایستادزید ۱  
ساغر ها به پیش ! این به آن خوره ۲  
زنده باد الیام ، زنده باد خرد !  
تو ، او میر یاک ، بر تو بیلکن ۳  
انسان کاین جراح هیبازد فروغ  
پیش طلوع شفق روشن .  
دودکنان می میرد علم دروغ  
پیش آفتاب دانش سرمه .  
زنده باد خورشید ، نیست شود ظلمت  
الکساندر یو شکین  
سال ۱۸۲۵

در زمین ددگران او دعفانی مینمود ،  
باسکنج ونا مرادی زندگانی مینمود ،  
از سحر ناشام گاهی دریان گشت زار  
خوشه تایربارگردد جانشانی مینمود  
با توان بازویان و شیوه عزم همین ،  
مینمودی گنج افزا هر وجب خاک زمین ،  
با خیال آنکه گسته حاصل رنجش فزون ،  
روز کارش را بیخشد نافت و تاب نوین ،  
لیک اصلا دست و نفع رحمت بسیار او ،  
نا ببار نو نکشی دوز بن ناجار او .  
کانس گردم یاک زمانی صاحب آب و زمین  
بود عمری دردال باقی خوبیش آزو .  
آزوی روز فیض انقلاب بر غفر  
در نفسی روز گلاران یافت اخربال و پر ،  
در همان روزی به گفت آورد استاذ زمین  
بال فرج گردید راهی جانب فیر بدو ،  
برسر مدفن نشست و بینهین آواز گرد ،  
ساقی بدن اقبال رویش راهه سویم بازگرد .

خواب کن آسوده حالا زانکه مرغ آزو  
از فراز کوی ما هم عاقبت برواز کون .  
چون بیر سیدنده اورا باسوالی جوره ها ،  
که بقصد اعتبار چا و ذاتس  
خواب کن آسوده حالا زانکه مرغ آزو  
از فراز کوی ما هم عاقبت برواز کون .  
چون بیر سیدنده اورا باسوالی جوره ها ،  
این عمل را باجه ارماتی بیاوردی بهجا  
گفت از اندرز های واپسین باده ام  
این وصیت میدهد هر روز بر گوسم صدا :  
ستور چشمگانم گتون بدرود میگویم جیان ،  
میبرم باخوش صدھا آزو و ازان ،  
وکدریقا میکزارم همچو هیوالی یتو  
خاطر آنکه دائم ازین یاک یاره نان ،  
گردسد روزی که با حکم و نغا شای حیات ،  
از جهانی ذات و خاری بیابس تو نجات ،  
برسر قبرم بیاوزین حقیقت مزده ده  
نامه روح ناتوانم گردد اذاین مزده شاد ،  
زین سبب آن لعله که روی دست خوبیش  
نامه اقبال خودرا چون بیدیم دلست  
مست شادی باه نهادم بر سر قبر بادر  
لائود آسوده دیچ باگش از آوازمن

۴- درا

گویم ترانه ودل خود میدهم ز کف  
سو زم به آتش و نگو یم که سو ختم  
دیگر خدا یرا ز من احوال دل میپرس  
لب را ز بیم آتش سوزنده دو ختم  
آن دل که زنده بود در او عشق و آزو  
با یک زگاهی تند و جوانش فر و ختم

# همبستگی‌ها

## پیو و زیست

وسایر ز حمکشان جا ممه می انجامد ، در کشور عزیز ما افغانستان فرزنهای منعادی از تشكل ملیتی‌های مختلف و اقشار گونه‌گون جا ممه بشکلی از اسکال جلوگیری بعمل آمده است . حکام خود خواه و جاهطلب به نمایندگی از طبقات بپره کن در بین اقوام مختلف ساکن این مرزو بوم نفره می - انداجتند و غم نفاق می کاشند تا زمینه بهره کشی را برای هشت محدودی از جامعه فراهم سازند وسما غیش و نوش خود را بگسترانند .

خوبشخانه پایروزی دستا خیز نور و بخصوص مر حله نوبن و تکامل آن پسا طرفه الکنان بر چینه شد و زمینه برای اتحاد و همبستگی بین اقشار و گروههای مختلف مردم سرزمین ما میباشد و آماده گردید . تشکیل اتحادیه های صنیفی سازمانهای اجتماعی، کوپراتیف های ز راضی و غیره همه و همه در جمیت تشكل افراد جا ممه و ایجاد وحدت بین آنان بیان آمده و درین مورد خدمت اقشار مختلف یک جامعه است من نمایند و نتیجتا مشاهده می نمایم که همه اقشار ، طبقات و ملیتی‌های مختلف ساکن افغانستان دست بدست هم داده گردیدم آمده و در یک سازمان اجتماعی و ملی تشکیل ناچیر سوء می نماید بلکه جامعه را شدند و با وحدت و یکارچگی کامل عقب و پیمانی می اکشاند .

جبهه ملی پدر وطن را تأسیس نمودند . اکنون بر کارگران دهنا تان و همه استثمارگر بخطار خطأ منافع خویش از وحدت و همبستگی اقشار مختلف جلوگیری می نمایند و می گویند هم آهنتگی می بین افراد جامعه وبصورت فردی دن نه تنها در اکتشاف و پیشرفت آمده و در یک سازمان اجتماعی و ملی تشکیل شدن و با وحدت و یکارچگی کامل جوا مع طبقاتی فیو دالی و سر مایداری استثمارگر بخطار خطأ منافع خویش از وحدت و همبستگی اقشار مختلف جلوگیری می نمایند و می گویند هم آهنتگی می بین افراد جامعه وبصورت فردی دن نه تنها در اکتشاف و پیشرفت آمده و در یک سازمان اجتماعی و ملی تشکیل شدن و با وحدت و یکارچگی کامل جبهه ملی پدر وطن را تأسیس نمودند .

اکنون بر کارگران دهنا تان و همه

زمکشان اقشار ، طبقات و ملیت های کشور

ماسن تا در پر تو در همود های این جبهه

نقاط گونه گون جامعه تفرقه بیندازند

پیش میرند و در اعمار و شکوفانی یک

بر دارند .

همین رو بصورت شخص به ملاحظه که در جوامع طبقاتی فیو دلیز مو داری اتحاد و یکارچگی بین افراد جامعه ، بین کارگران و دهفانان با موائع نقان حکمه ایجاد می نمایند بطی صورت د و لی با آنهم تلاش طبقات استثمار . بین زمینه همواره به ناکامی مواجه است و باید امیدوار بود که با آنکه این ان و دهقا تان و بی بردن به نیات شوم استندمارگر ناخن حقوق حقه یکنوع اتحاد و همبستگی بین طبقات نش چه از لحاظ اقتصادی ، اجتماعی ناسی بر قرار است واین و حدت بتدريع نمود و به تشكل کارگران ، دهنا تان

## برخی از...

پیه صفحه ۱۶

افسان لاق مورد تقدیر همیشگی دولت

اور این معرفت اند .

هر چند از اعراب گوازده کانه یک «علم» و

نگاره داشتند و امیر الامیر «علم» و نقاره و توان

سپیر و افتخار شرق می اندازیم .

در دوره ای امیر علی سپر نوابی قواعد و آیین

نژاده ای نظامی بیدامدوشکیلات گذشت عسکری

علیم نجهل و عظمت آنها به حساب می امده کرد

بر هم خورد آنچه در عهد علی سپر در ساحه دانی ولیان شغص منکر به داشتن تعداد زیاد

عسکری بینان نباده شد تاچند بن سال دیگرهم

توخان توخ عاد «جزر توخ» ها بوده است ،

مینک باشی عویشه (توخ) و (طرم) با خود

آن را دوره شکوفایی هنر و فرهنگ نامید

می داشت و (اون باشی) طبل داشت به این

غازنه به داستان های رزمی و حمامی زیاد

و سله سببیل های اراده و دران زمان عبارت

بود و این علاقمندی در ساحه نظامی هم

بوده از برق های مختلف نوع (طرم) (شاخ)

گشیده شده بود در عهد امیر علی سپر نوابی

(طبل) که به تناسب و تیمس بازیان را در هیدان

اردد دارای تشکیلات مقنظم و مستحکم بوده

جنگ و با در وقت های هم هر راهی می گرد

است گوچان ترین جزو نام اردی امیر علی

در آن وقت حرکات اردو در بیهان های

شرانویس یک فقطعه می ده نفری بوده است

محاربه به اساس جند فاعده نایاب صورت

که از جمله می ده نفری کن آن بیادر دلاوره می گرفت .

سجاع قطعه به حساب می آمد که اورا اون

بکو تعداد اشکر طرف مقابل از ۱۲۰۰۰ کم

بانشی خطاپ می گردند و به همین ترتیب

بیوددر آن صورت نومنده لشکر را امیر الامیر

قوه اندان قطعه می صد نفری را «یوزباشی»

هدیست می گرفت عدهای از یوزباشیان و مینک

می نمایند و قوه اندان ده «یوزباشی» را

باشیان و اون باشیان «یا وی همراهی می نمودند

«منک» می گفتند .

در جنین حالت قوای میلسخ دا به (۵) فوج

رسیدن به مقامات بلند نظامی به اسایی تقسیم می گردند از آن یک فوج در قبول «قلب

لیات اقبالات شا پستگی صورت می گرفته و باید

است هر افسری گوئیده تابا سبیم گیری در چرانگار (یسر) یک فوج در (هر او) در پیکار های بی شمار لیات خود را تسبیح

در پیکار های بی شمار لیات خود را تسبیح

نمایید در آن هنگام آنچه به یک فرد نظامی مطلع می ساختند . در آن وقت میدان محاربه

بوده استراک در پیکار های میدان های جنگ

ناره جبار گکتور انتخاب می شد «ناضی» که

بوده است به همین ترتیب اهمال «سیل انگاری

تعظیز را تامین نمایید ، هناظق که بالای

بن کارگی و خود سری به طرد مقام و رتبه

دشمن حاکم داشته باشد و افتاب رو برو

من انجامید مقارن احوال امیر علی شمر نوابی

نایاب تا شاعر آن چشم سیاه را خیره نکند

اردو دوره تکاهلی خود را می بیند در گزار و چارم ساحه و سیعی که برای حرکات

سپاهیان رسمن سپاهیان اجیر هم خدمت

جزو نامهای مساعد باشد در دوره ای امیر علی

می گردند و با گذشت آیام را باز ایام کردانی

شیر نوابی یکی از جمله تعجیزات بسیار عده

و شایستگی می توانست به حیث سپاهی رسمن

سپاهیان به حساب می نمودند .

در بعضی نظامی به کار ادماه دهد اشتراک

مستقیم در کار زار هاو میدان های جنگ بیشترین

دھک برای سر بازان و افسران بندانش

من شد آنکه ادعای وطن پرستی می گرداند این

واهیت خاص را داشت اهالی سپاهیان داشته است

ادعا را در عمل باده می نمود و به پیکار علیه

و هر سپاهی چندین این اسب می توانست داشته باشد

دشمنان ادماه می داد .

درین وقت اندازه و هیزان مقری ها

اشارة شد در این اندازه اسپ های سپاهیان

معانشات افسران و سر بازان بستگی به تعداد

و افسران بوده است تجهیزات دیگر عبارت بودند

اسپ های آنها داشت هر فرد نظامی که می توانست آز :

اسپ زیاد داشته باشد در جنگ های مختلف

تریو ، سوزن ، تیشه ، جرم ظاب ، گمان ،

اشتراک های گرد به همان بیهانه معاش و علوه

ترکشن ، شمشیر ، اره ، جوال و جوال دوز ،

بیشتری به دست می آورد . علوه در آن

فوج بپاران جو شن ، خرد شمش رهم داشته

و از شامل دمهی نیازمندی ها و با بحتاج

سپاهیان به حساب می آمد . ترتیب توزیع معاش به دوره امیر علی شیر نوابی که به فشنگ

و سبله شخص بنام دیوان بیگنی انجام می شد کوتاهی بیان شد . تجلیل از بخش صدوج پلمن سال

افسان شایسته ، بیکاره عالی ته برعلاوه .

امیر علی شیر نوابی به هنایه می بزودگ داشت

معاش مقری صاحب زمین های هنایه داشت

و سبله ای داشت هر سید نهاده و قتی افسران

که هم برای نسل ماوهم برای نسل های ایندم

و سپاهیان به بیکاره می سید نهاده .

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگر در صحت های بیکاره خوبی مشتند .

معاش به بیش در راه گسترش عرضه بیشتر داشت

و اگ

عایی را موجب گردد، نه بودجه کافی دارد و  
نه پرسوئل در حد نیاز.

برای از میان برداشتن همه عوامل بیماری  
زا در ساحه خدمات شیری های باید دارای وسائل  
مددن تنظیف باشیم و پرسوئل فراوان که امکان  
صلفا سازی و پاک تکیداری شیر را ممکن کردند  
برای عرضه سالم مواد غذایی باید هارکت  
عای مورد ضرورت اعمام گردد تا کنترل و  
مراقبت به آسانی تحقق یافته بتواند، در -  
صحی، برای کنترول و مراقبت عرضه مواد  
غذایی، برای پاک تکیداری شیر و از میان  
برداشتن و پاک جلو گیری از تمام آن عوامل  
میباشدشیم و حتی از حداقل سرایط نیز برخوردار  
نمیباشیم.

اما همه این مشکلات و دشواری ها ذیر  
مطالعه جدی قرار دارد تا امکانات از میان  
برداشتن آن به کاوش آیدو با طرح های علمی  
و به تطبیق اوردن آن پرایله ها جمل گردد.  
به عنوان مثال ما مطالعاتی را باشتران  
نمایند گان وزارت های مالیه، تجارت،  
وزارت صحت عامه و شاروالی کابل در همین  
زمینه هایه آغاز گرفته ایم و تدبیری در زمینه  
گرفته شده است که باعهکاری تمام این ارگان  
هایه تطبیق گذاشته میشود.

در مورد فروش مواد غذایی تورید شده از  
خارج که تاریخ هصرف آن سپری شده است  
سبب عدمه این است که ما اغلب وقتی  
مواد غذایی تورید شده را جستجویی به لایه  
توار میفرستیم نتیجه لایه اتواری چنین است  
که این مواد خابلیت هصرف را دارند و ای برای  
یک هدف معین.

به این ترتیب این مواد به وسیله تورید  
کنندگان به پرچون فروشی ها توزیع میگردد  
و چون در وقت معین همه آن به فروش نمیرسد  
مقداری بعداز سپری شدن تاریخ استندرد هصرف  
نیز هم چنان برای هصرف گشته عرضه میگردد  
که برای رفع مشکل از یکسو همکاری شعب  
وزارت تجارت ضرور است تا مواد غذایی  
را اجازه تورید دهند که حداقل یک تادوسال  
تاریخ هصرف داشته باشد و دیگر همکاری  
خود هردم است که هارا در مراقبت از این گونه  
خلاف رفتاری های غیرصحي کمک میکند، هماز  
هر چشم شیری خود این تقاضا را داریم که  
هر گاه با فروشندگان دویرو میگردد که  
کار او با موادی مخصوصی برابر نیست مارا واقع  
گرداند، به این صورت است که باید همکاری  
همگانی از حجم مشکل بگاهیم.

از سوی دیگر عوامل بیماری زا بیرون علی  
که باشد زاده عوامل فراوانی است که باید  
از میان برداشته شود و این گاری نیست که در  
مدت یکسال و دو سال عملی شده بتواند در این  
موردن شما فقط مگس و علل تکثیر آنرا در نظر  
بگیرید. برای از میان برداشتن این حشره  
مضر صحت هایه یا گاسازی کامل تمام شیر  
نیاز داریم که عملی شدن آن علاوه از فکتور  
زمان به بودجه کافی و پرسوئل فراوان نیز نیاز  
دارد.

## گردد هم آدی های

در بعض تطبیق ریاست امور صحی شاروالی  
مسوولیت دارد.

در مورد کار شعب صحی شاروالی باد آوری  
یک تکه در این بعض صحبت ضرور میباشد  
و آن اینکه شاروالی برای تطبیق هقره های  
صحی، برای کنترول و مراقبت عرضه مواد  
غذایی، برای پاک تکیداری شیر و از میان  
برداشتن و پاک جلو گیری از تمام آن عوامل  
که میتواند از راه گناهات انبانش شده در

تیر و پا عرضه ناسالم مواد غذایی بیماری

رول عمده و پارزی را ایفاء نموده اند آناریکه  
درین دوره تبیه گردیده یکن هم آبدات قدیم  
صفحات شمال کشور به شمول تبیه دستگاه  
پسرابی ضرب سکه های یونانی و کوشانی  
بود که شاید زمانی به اثر تحقیقات و کاوش  
های باستانی کشف گردد.

بدین ملعوظ تأثیراتی این تمدن تا فرن  
چهارم بصورت واضح در صفحات جنوب کشور  
ملاحظه می شود که گذون بهترین نمونه های  
از شبکار های هدنی آسیای مرکزی بشمار  
میروند چنانچه در دوره کوشانیان عناصر و پریده  
های یونانی در امور فرهنگی و هنری کوشانی  
بوسیله هنر مذهبی بودانی زیر عنوان هنر  
گریکو - بودیک در ایالت شرقی و در ولایات

شمال و حتی در دور ترین نقاط کشور همانند

ساخته های اسلامی بدست آمد.

بهموں بهترین تصاویر دیواری های

لباس عای محلی تغایری و البسه کوشانی

میشود.

میکوکات کوشانی بخصوص از سوتزمیکاس،

ویما کدیزیس و کنیکا، و رسو دیوا دوم

به شمول بهترین تصاویر دیواری های

لباس عای محلی تغایری و البسه از سنت آنک

و هر مر و گل پخته که در آن ها خصوصیات

عنعنی، تزئینات زیوری، طرز لباس، نوع

حرکات شخصیت انسانی و همچنان بقا یا

گرافی دارد.

از هناظق دیگری که در آن عا پیشتر تمدن

یونان کوشانی متبود است ساخته های

هر ز در یونانی کسوس در ساخته ای امام

صاحب است. ازین هناظق اکنtra طرز ف

سفالی و تیکر های های های های های های های

کوشانی و اوخر دوره یونانی بدست آمد.

و فر هنگ اهالی این ساخته های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های

بزرگ ساخته های های های های های های های های



# کدام موضعات فامیلی نه حربه طلاق می شود؟

در عقب هر حادثه طلاق یک ترازیدی انسانی نهفته است.

...

در ملل سوسیا لستی در تقویه اساسات مادی و معنوی خانواده ها کوشش فراوان بعمل می آید



هر سه حادثه طلاق بشمار می رود. از لحاظ اقتصادی زن در جا معنے اتحاد شو روی اکنون مصوبون است او کاملاً مستقل از شوهر شود و اکثر عاید او بیش از شوهر ش می باشد. بموجب قانون هر گاه طلاقی در میان باشد، دارای یعنی اسباب خانه که طی در دوران ازدواج خریده شده طور مساوا نه بین زن و شوهر تقسیم می شود.

اطفال نزد ما دران شان مانده و پدران باید (۲۵) فیصد در آمدشان را برای نگهداری نگذاشت فی طفل و (۳۰) فیصد در امده را برای نگهداری شت دو طفل به مادر بپردازد. البته دولت های مردمی بعای خویش هر گونه کمک ممکن را برای یک زن مطلقه بعمل می آورد تا زندگیش را بیش ببرد. کذا جامعه در مسورد او همدرد و همنوا است.

طبق یک سروی که در شهر کیف اتحاد شو روی بعمل آمده تقریباً نصف زنان مطلقه گفتند که اعتیاد شدید شوهران شان برای نوشیدن مشروبات الکولی علی اصلی طلاق گرفتن آنها از شوهر ان شان بوده است. این واقعاً یک دلیل خوب است ولی دلایل برای نصف دیگر طلاق ها چیست؟ در پاسخ باین سوال باید گفت که عدم توافق از لحاظ کتر بین زن و شوهر چیزی است که طی حالات طلاق ها در

محاکم در می بایم.

در اتحاد شورودی قاضیان محکم میگویند که عدم سازگاری و سوتی میتواند گفته شده و هم بحیث تفاهم بین زن و شوهر رفع شده و

استقرار خوبی بر خوردار بوده و وتا حد وسیع برای حفظ اتحاد خانوادگی و جلوگیری از هم گیستنی آن کوشش بعمل آمده و دولت های مردمی درین کشورها به طرق مختلف کمک می کند، طور مثال در اتحاد شوروی یک ازدواج در صورتی فسخ می شود که از طرف محکمه فیصله شود که ادامه زندگی مشترک یک زن و شوهر و حفظ شیرازه خانوادگی ناممکن می باشد البته درین صورت که ادامه حیات خانوادگی بین زن و شوهر ناممکن گردد، غیر انسانی خواهد بود که کوشش شود تا شیرازه خانواده از طریق اعمال قوه و زور حفظ شود.

در روسیه قدیم طلاق توسط قانون منع بود و فقط در حالات استثنایی مجاز بود گرچه نیل به آزادی درامر حصول طلاق وجودایی بدون شک یکی از مهمترین پیروزی های آزادی زنان درین کشور است معمدنا طور عموم سعی می شود که خانواده ها از ثبات خوبی مستفید باشند. باید گفت که افزایش در

میزان طلاق نخست معلوم بیچیدگی روز افزون روا بطي است که بین مرد و زن ایجاد شده است. مطالباتی که در مورد ازدواج ها مخصوصاً صა توسط زنان بعمل می آید افزایش در یافته است و این یکی از مشخصات خانواده مدرن امروزی است که در آن زن است که از هنگام تشکیل

خانواده تا آخر بحیث نگهدارنده و قلب خانواده گفته شده و هم بحیث میگویند که عدم سازگاری و سوتی مبتکر طلاق در هر دو حادثه ازجمله

و بطور عموم عمل احساناتی و ناگواری است که حیات بسا افراد را متأثر گردانیده و شیرازه زندگی خانوادگی را از هم فرو می پاشد. در کشورهای سرما یاری که بی بند و باری های اجتماعی وسایر نابسا مانند ها بشمول بیکاری، افزایش قیم مواد استهلاکی عدم اعتراف کرد که طلاق در عصر کنونی بشکل یک هیولا ناجا اجتماعی، حیات

لویس دی فیتسن هنرمند فرانسوی دریکی از فلم هایش گفت به نظر او یکا نه چیز زیبا تر از عروسی عبارت از طلاق است. اوازدواج را امر هر زه خواند. صرف نظر از اینکه این هنر مند چه خاطرات تلسخ و ناگواری از ازدواج داشته است باید اعتراف کرد که طلاق در عصر کنونی مخدود و غیره عوامل اجتماعی، حیات



در ایجاد محیط آرام خانوادگی باید کو شید.

فامیل هارا بزودی دستخوش بحران می گرداند حوا دث روز افزون در مورد جدایی و طلاق موجود است گیستنی شیرازه حیات خانوادگی و خواب های پریشا ن برای طرفین طلاق نهفته است. بدون شک طلاق روانی آن جستجو کرد، ولی در کشور در واقع اعترافی به شکست دو انسان های سوسیا لیستی خانواده ها از مهمندین حوادث زندگی شان بوده



هنگامیکه پسر و دختر جوان قبل از ازدواج یکدیگر را عاشقا نهاد  
پرسند.



وقتیکه دختر در خواست طلاق خود را در محکمه میسپارد.



طلاق و جدا بی زن و شوهر  
تا تیرات نا گوار رو حی براطفال  
طلاق شوند درین صورت تقاضای  
شان میگذارد.

در پیشبرد امور محوله و محیط آرام  
و صمیمی خانواده ها میباشد تا به  
خود ازدواج عده زیادی از مردم  
فکر می کنند که حیات خانوادگی  
آینده شان خوب خواهد بود که آن  
عادر هنگام نامزادی یعنی زمانیکه  
همدیگر را از عینک های رنگین و  
زیبا به حیث موجودات آید یالی می  
نگرستید یذیرفته اند، در حالیکه این  
تصور ات واهی آن ها بوده که کمتر  
به واقعیت های اجتماعی نظرداشته  
اند. چه بعد از ازدواج یکی از زوجین  
بزودی درمی یابد شخصی را که در  
پهلوی خود بحیث شریک زندگی  
بر گزیده و مشاهده می کند، شخصی  
ایدیال او نیست که قبل از فکر نموده  
بود.

برای اینکه روابط خوب خانوادگی  
در یک فامیل حکمفرما باشد لازم  
است تا زن و شوهر عادت، کرکتر  
و نظر یات همد یکررا مدنظر داشت  
با همدیگر احترام و صمیمیت اتم داشته  
باشند.

طبق نظر رواشنا سان یک محبت  
عاطفی قبل از ازدواج نمی تواند  
روابط هما هنگ خانوادگی را تامین  
کند، زیرا مهمترین چیز در حیات  
خانوادگی محبت بین زن و شوهر  
نیست بلکه محبت و علاقه آن برای  
پیشبرد وظایف مشترک خانوادگی و  
حفظ صلح و آرامش در محیط خانواده  
می باشد. علاقمندی به ازدواج معنی  
ایقای وظایف افراد را در قبال خانواده  
می باشد.

تنفر نزد جانب مقابله گردد که به  
عقیده اشو لسوی مفکرو دانشند  
بزرگ اتحاد شوروی بدینختی خانواده  
ده ها معلوم این است که مردم به  
طور عموم چنین تربیه و بزرگ شده  
اند که گویا از ازدواج حتماً سعادت  
می آفريند. در حالیکه سعادت یک  
خانواده اساساً بسته به تفا هم و  
علاوه مشترک اعضای خانواده

اصلان دعوی آن هارا برای طلاق  
نشوند ولی هر گاه زن و یا شوهر  
برای دو میان و سومین بار خواهان  
طلاق شوند درین صورت تقاضای  
شان عملی می شود و طلاق صورت  
می گیرد.

در اتحاد شو روی اکثر یت قابل  
مالحظه ازدواج ها بر همساس محبت  
صورت می گیرد نه ملحوظات یا نفوذ  
والدین و هم نه کدام عامل خارجی  
دیگر، عامل قاطع در زمینه ازدواج  
محبت ذات البینی است که باعث  
ازدواج دختر و پسر می گردد.

اکنون این سوال طرح می شود  
که چه سبب است که جفت زن و  
شوهر که حتی دیروزیک لحظه جدا شده  
از همدیگر را تصور کرده نمی  
توانستند امروز نمی توانند تحبت  
عین سقفی برای یکروز بیشتر پسر

برند؟ آیا ممکن است تا در ظرف یک  
و یا چند سال محدود انسان طوری  
تفاوت فا حس کند که سبب ایجاد



سعادت و خوشی خانوادگی  
مر بوط به مساعی مشترک زن و شوهر  
است.

# جوان

## بیانات های شما

سنت

زود گنین آپ بر شکم ریزید که در آن تقسیم گردیده که عبرات از تبسیم شدید و تبسیم خفیف می باشد که در هر دو صورت حیرق رخداده و مواظب باشید که شما را هم آتش نگیرد .

لب ها با هم بیوست می باشد و از هم جدا نمی گردد و فرق بین تبسیم شدید و خفیف اینست که تبسیم شدید با آواز همراه بوده اشخاص نادان و دیر باور خوش نمی آمد از خصوصیات دیگر ملا این بود که از اینها سخت نفرت داشت .

اما تبسیم خفیف بدون آواز می باشد .

درین نوع خنده در هر دو صورت نشانی از دندان ها به چشم نمی خورد .

ملگفت : الاخ غلا اینجا نیست درین میان نونه این خنده عبارت از مشاهده کردن کارتون هاست و این نوع خنده پیشتر بین زنها میگویند .... باور کنید که خر اینجا نیست پس این و دخترها مروج است .

حال که با تعریف علمی خنده و اقسام آن صدای غریر چیست ؟

آشنا شدید می پردازم به معرفی ملانصرالدین ملاظبناک شد و گفت : عجب آدم دیر باوری هستی گفتار ما را باین ریش سفید باور نمی -

ملاظرالدین (پدر خنده) که نام مکمل وی کنی . اما غریر یک خر را تصدیق می کنی ؟

ملام می باشد به عقیده کرویں از محققان فکاهی در قرن صفر سال ۵۲ متولد گردیده است .

فراز اطلاعات تازه ای که پدست مارسیده ملانصرالدین در فامیل دهن باز تولد شدمو بعد از آنکه به مین دوسلکی رسید شا حل صفت اول مکتب ابتدائی خنده شد و متعاقبا برای روشن می باشد .

وقیکه از او می پرسیدند : ز مایکه ماء ادامه تحصیل به مکتب متوسطه (ریشنده) نو در آسمان بیدا می شود ماء های کهنه را شناخت و سالیان چندرا در مکتب مذکوره دوس خواند بعد آشامل لیسه عالی (مسخره ها) شد که چه می کنند؟ ملاجواب میداد : آن ماء های کهنه از آنجا با هو فقیت چشمگیر و با بدست آوردن شهادت نامه عالی و اعلی به فاکولته واین نظریه کاملا علمی و تحقیق ملا تایب (دهن بازکن ها) شا حل گردید . تحقیقات خود را با مو ققیت می نظیر به پایان رسایده و شامل وظیله رسمی شد و درخدمت انسانها قرار گرفت .

اگر از شوی فرج یخشن شما بگذریم . این چندگاه رادر باب ملانصرالدین برای خدمات او را مردم به دیده قدر می نکردند و توجهان است خدمات آن شخصیت بزرگ به شما باد داشت که خالی از لطف نیست . خواجه ملانصرالدین آدم عجیب و دیده قدر تکریسته خواهد شد .

عده به این نظر اند که کاشف اطلاعیه غریبی بود و از هرزیان که نامش من شنیدی آبی ملانصرالدین می باشد زیرا برای اولین باخته مترادف بود . اگر از خوش بیکنی ، ملا را بر سرمه سوار می دیدی با همان ریش پار به مردم فهماند که آب من تواله حیرق را خاوهش سازد برای ایلات سخن خود تو جه ایندو دستار حلقه اش که سرچیه برخ تازرا به یک سند تاریخی از استاد فکاهیات ملا جنیب می کنیم . در آن سند تاریخی آمده خواجه ملا نصرالدین . ابر قهر مان دنیای ادبیات شفاهی تنها در میان ما مشهور نیست .

بنوی از مرکش تا مرز های چین و از سایر برای روزی ملا نصرالدین در وقت طهر که بسیار گرسته شده بود ، آش دامی رامز - تائبه چزیره عربستان شهرت پراگند است . بنت رعده می ، او هر گز وجود نداشته است آن ملا بر خاست و شروع بدینه کرد مردم او محصول مستقیم انسانه های عالمیان است . پرسیدند : چرا این طوری دوی ملا ؟ ملا به نظر عده می دیگر او و وجود داشته است و بسیاری از کشورها انتخاب می کنند که جواب داد :

با سلام کرم و صمیمانه به خوانندگان جاری گردند . آن اشکها که سخنرانی دلها را و همکاران عزیز ، پاسخ به نامه ها را شروع میکنند ، کجاست ؟ آن اشک ها که بر قلب ها نفوذ میکند کجاست ؟ باری از اشک نگویید ، دوستان عزیز رو شانه رزین و خمیده میازز از تسلیم و رضا نگویید ، از صبر می جا فارغ التحصیلان لیسه حوای پلغمیری . هم نگویید ... از بیداری و پایداری نگویید ، مقابلا سلام و دعا داریم . از لطف و شفقت تان سیاستگزاریم . در بخشی از نامه تسان کشته اید که ... عیید سعید فطر را از کلی گویند نکنید ، ریشه های درد را پیدا کنید و آنرا بخشید ... به انتظار همکاری شما کوییکت قلیم برای کار کنان زوندون تبریک میگوییم .... باور کنید که پاسخگو از کم و هستیم .

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی متعلم لیسه کیف ساین و کوساین و کوتا نجت درست درست نمی داند و گزنه به عرض تان می رساند که عمر شهید :

با سلام عرض شود که دو نامه بدنیال هم کارگنان زوندون هم ، عیید گذشته را از کوتا نجت قلب خویش به شما همکاران خوب شادمانه مبارک می گویند ، بهر رنگ حال تافر در همین صفحه جواب نامه ها بخوا نید و بقیه رایه متصدی صفحه خنده خنده ...

بخواهید مطلب انتخابی خود را :

« اشک گو هری است که نباید آنرا میقدار دانست ، اشک ، زنگ غم را از دل تاریخ فکاهیات آغاز کنم اجازه دهید که قبل از همه خنده را تعریف نمایم .

اشک الماسی است که سخت ترین دلها را شکاف میکند و در آن نفوذ میکند . اشک ، اولا باید بدلایم که خنده به چندین نوع تقسیم شده که مشهور ترین آنها عبارت است از : خنده قبه ، خنده متوسط ، خنده اشک بارانی است که می بارد و سپس آفتاب نیم خنده «تبسم» .

را گو هر میکند . اشک ، آسمان چشم را از غم یاک می سازد ، اشک یا می و نا امیدی که عبارت از آن شکل خنده است که در آن باید شکاف میکند و در آن نفوذ میکند . اشک ، اوله که مشهور ترین آنها عبارت بروزیدی است که از دیده بیرون می آید .

اشک بارانی است که می بارد و سپس آفتاب از همه خنده را تعریف نمایم .

اشک الماسی است که سخت ترین دلها را شکاف میکند . اشک ، اوله که مشهور ترین آنها عبارت از دیده و باران شما همکاران ارجمند و دهن تا آخرین الدارم اش باز شود چهره .

اشک بر این اشکها می ریزم و بر اشک می گویم . قصه کوتاه که آنچه بر شعر دیده خنده دارای صدا و آواز بلندی است که از درست نیست و کلی گویند شده است همچون فاصله هادور شنیده میشود . درین نوع سخنان معروف دیگر « صبر خوب است » خنده اکثرا خیز و جست هم و جود می داشته « بدی بداست » ، « دزد خاین است » و ...

اشک گو هری است ... این گو هر کدام می باشد .

منال این شکل خنده را با استفاده از آثار است که بیشترین قسم آن نصیب فقر او ملا نصرالدین تجربه کرده می توانید .

خنده متوسط :

به آن شکل خنده گلته می شود که نتفه باشد و نه تبسیم . بلکه دهن باز می شود توانید هنالی برایش بیندازید . اشکها بخاریست ... نظرم به لسلیین است که هر بار ولی نه تا آخر . صدای تقریبا آ هسته بگوش زیر دندان بیکن زنگ من آید قهرش را به می دسد . اشک ها باز و از هم جدا می گردند و این نوع خنده با خیز و جست همراه نمی باشد .

آور و بیاییم بر اشکهای الماسین که سخت ترین دلها را شکاف میکند . مگر می توانید هنالی برایش بیندازید .

خنده متوسط :

به آن شکل خنده گلته می شود که نتفه باشد و نه تبسیم . بلکه دهن باز می شود بخاریست ... نظرم به لسلیین است که هر بار ولی نه تا آخر . صدای تقریبا آ هسته بگوش زیر دندان بیکن زنگ من آید قهرش را به می دسد . اشک ها باز و از هم جدا می گردند و این نوع خنده با خیز و جست همراه نمی باشد .

آور تان هست که چندی بیش چه می ناید . یاد تان هست که چندی بیش چه قصبه و شیر را به بیماردمان بستند و اشکهای این شکل خنده باز بتویه خود بد و حسنه

مطلع ساختم بقیه آنرا بدست شما می‌سپارم .  
آسان می‌گردد ، به شرط اینکه بسیار مطالعه  
کنید و بسیار شعر بگویید و بیا هم بگوییم  
که کار نیکو کردن از پر کردن است .

## پاسخگو :

مجله زوندون کمال افتخار را خواهد داشت  
که همچون گذشته چهره های ناشناخته و چیز  
فیلم رایگان بین دیگر به معروفی بنشاند از  
اینرو از همکار ارجمند ، محمد ظاهر ایوب بی  
صیغه ای دعوت میکنیم که با آنرا دست داشته  
خوبیش بیکار به زوندون تشریف بیا و رند  
تا پیرامون جنتری منحصر بفرد شان تبادل  
افکار نماییم و در صورت لزوم آن جنتری را  
به چاب سپاریم و با شخص ایوبیم گفت  
و شنودی در باب کار و فعالیتش اجماع دعیم .  
همیگونه از همکاری و یاد آوری دوست  
ارجمند ما غلام سرور سیا سگزاریم و بیا هم  
هادیاری رسانند . مو فقیت ما با کار می‌سر  
شما بوجود می‌آید ، در غیر ماهم به هدف  
نشراتی خوبیش نخواهیم رسید .

دوست عزیز عبدالواحد تور محصل پوهنخی  
زبان و ادبیات :

بیدیرید دعا و سلام مارا نیز ، نوشته اید  
وقطمه شعری تحت عنوان «نور غالب» برایتان  
از سال نوده ام و میدانم که شما دوستان  
طرقدار نور حقیقت و بر خدمت تاریکی های  
ناحق ، طرفدار نور عدالت بر خدمت داج و تاریکی  
می باشید . صد البته که همیگونه است  
با این تفاوت که مایرشد تاریکی های برحق هم  
می چنگیم ، تاریکی به هر گونه بیان که باشد  
قابل پذیرش نیست و نمی دانم که تاریکی  
می باشد . و مقصد از سرود بی خوش  
ام این سخن جداست که علم بر کم میشود  
و عمل بر کی ؟

بخوانید چکیده احساس خوبیش را ، با این  
توضیح که «تورانه» دلیرانه و دجاج ، تاریکی  
معنی میدهد . و مقصد از سرود بی خوش  
هم بخش نور است .

بر فراز دخمه های شب نژاد  
بر فراز جاده های قبر لباس  
لشکر نور سپید  
بادرفسن جاودان  
با نفکی بی امان  
بهر نابودی شب  
بهر نابودی آن پنهان کن ز شست و بد  
باسرود بی خوش  
میزند تورانه چنگ  
تاسلط داج و پیتاره روشن چو نور  
\* \* \*

همکاری های بی وقفه بیان دوست ارجمند را  
نمایید را آشکار نمایید : من فقط و هیله خود را  
در مقابل شما و آن دوست اجماع دادم و شمارا

بیدایاد و هر عید تسان شادمانه سبزباد . از  
پستکارت خشک و دلاوری ارسالی تان چهانی  
ممنون . بخواهید شعر فرستاده بی خویش را :  
زندگی بی هراس از هنک افغان در گذشت  
ظم و استبداد و زندگی ای شرمان گذشت

جار و جنجال ندادان یکسر از میدان گذشت  
غارت مردان و مسلحگاه بد نامان گذشت  
لوحن ، از طنز کو پنهان و بی رعن او :

دورة تاریک گذشت خو دشید تابان رسید  
مردان یا کرم باعلم و فن از اهل خوبیان رسید  
خشم توده نصره کرد پرده ظلمت درید  
محکمه شد و فریاد میزد فریبم دادند ، عالم  
زندگی بی از سعادت بیرون هایان در رسید

او لباس ، شمشیر و حتی کفشها را از من  
گرفت . ملا گفت : بیینم ، جامه زیرین تراکه  
از قرار معلوم همیشه در آن عرق می کشی  
لکرت ؟ شاکن گفت : والله نه . ملا گفت :  
پس حتما دزد اهل اینجا نیست ، اهالی  
اینجا از هیچ چیز نمی گذرد ، کار تو به من  
مربوط نمی شود .

روزی ناصر الدین همراه تیمور لشکر بود  
یک آئینه از طلای سفیدبرای فاتح هدیه آوردند  
تیمور خود را در آن نگاه کرد و اشک بس  
چشمش آمد ، خواجه با دیدن این منظر شروع  
به گریه کرد . بعد تیمور آرام گرفت در حالیکه  
خواجه همچنان گریه می کرد . تیمور گفت :  
ملا ، وقت رایه هدر دهید بانلیقون ۲۶۸۵٪  
گرفت و بیون میدانم چقدر مرا دوست می -  
داری ، تعجب نکردم که در غم من شر یک  
هستی .

ملانصر الدین در حالی که اشکهاش را پاک  
می کرد جواب داد : ای امیر ، شما یک لحظه  
خود تان را در آئینه دیدید و یک لحظه قلبتان  
گرفت ، ولی پنهان درگاه که تمام مدت روز  
شما را من بینم ، نباید بیشتر گریه کنم .

نامه دوم تائز که همچون نامه اولی تان با  
پستکارتی همراه بود ، سر گشودیم و همه  
مطلوب آن احتمال داشت به صفحه مسابقات  
و سرگرمیها . نامه را به متصرف آن بخش  
حوالت گردید که در نشر آن اقدام ورزش ،  
همکاری و انتقادات شما را پذیرا هستیم .  
خدا حافظ .

دوست عزیزم محمد ظاهر غوثی از چاریکار :  
بیدیرد سلام ، صمیمانه مارا . شعر «تمکین  
بنشاید و مارا به ترس و لرز در افق کنید که  
بگوییم آن یکی شیراست اندر بادیه که آدم  
میخورد ... و دیگر در کار برد کلمات که  
هر کلمه باید در قالب درست خود بیفتد و  
معنای مطلوب و مورد نظر را انتقال دهد ...  
خدا حافظ .

دوست عزیزم محمد همایون هزیر مسامور  
صنایع اکشاف دستی و زارت تجارت :  
باسلام و دعا خواهیم که همه روز تان

- ۶- برای اینکه خواب بریشان نبیند هرگز  
پس از صرف غذا و شکم پر نخواهد.  
۷- همینکه سعی و گوشش کنید که در  
اتفاق که هوا کاملا در آن رفت و آمد میکند  
پغراشد و لی بیاد داشته باشید در جریان  
اهید واریم باذکر این چند تکنه شما را  
کدام نموده باشیم.

## جوانان و روابط خانوادگی

میگویند روابط زن و شوهر از هوی باریکتر  
از آن جمله زن خوش ندارد که غیر از خودش  
و اقامت همینطور است. شاید زیاد دیده باشید  
خانواده های را که در زندگی زن و شوهری  
خوب نیستند و گوچترین ناراحتی داشتند  
با اشنایان شوخر و مزاج این وضع  
و هستند زن و شوهرها یکی هنوز یک دوسرال  
از زندگی مشترک شان نگذشت و لی زندگی  
برای زن گران آمده تحمل آن را ندانسته یکنون  
وروابط خانوادگی شان تیره و تاریخی بوده و گوچترین  
حس حسادت بروی مستولی نموده که همین  
حس احساس بالآخره به درجه اتفاق میرسد و شاید  
خوبی که بتوان روی آن حساب کرد دیده  
نمیشود. چرا یکنون خوب نیستند و لیکن عذر نمیگیرند  
شما زیاد شاهد ناراحتی های بعضی از خانواده  
چنین ناراحتی های دارند و خود را بدیغتدر  
ها بوده باشید که هسته اصلی اختلاف آنها  
مسایل خانواده احساس میکنند؟  
را همین حسادت ها تشکیل داده است. و  
اگر چه جواب این چراها بارها داده شده همچنین زیبای زن باعث این شده که شوهر  
است ولی بدینیست که باز هم روشی درین بیشتر از پیش حسود گردد. بعضی از مردان  
را دیده باشید که خود آرزو دارند با هر زنی  
باره اندخته شود. و  
برسیده شده که چرا یکنون خوبی و مزاج کنند ولی وقتی پای زن  
دیگر شوخر و مزاج اینها باشند.



با اینکه هنوز یکسال را پروره نکرده اند زندگی خود او در میان باشد به هیچکس اجازه نمیدهد  
خانوادگی شان دستخوش یک سلسله ناراحتی که باز نش مزاج کنند و تواینکه طرف از نزدیکان  
همسرش باشند و این بدنده نیز نوع حسادت به  
شمار می‌رود. مرد برای اینکه تا اندازه این  
نیفته است. ۱- اول مساله که باعث ناراحتی درین  
نوع ناراحتی داشته باشد گوتش میکند که  
زن و شوهرها میگردد، علم هم فکری و  
همسرش را به خانه بگذارد و کمتر به جای  
توافق نظر بین زن و شوهر است. هنلاشون  
و با مهمنی ببرد که این وضع باعث ناراحتی  
بنایر عادت جوانی و گذشته خود عادت دارد که  
با دلتنگی زن شده و سبب میگردد که بین زن  
بادوستان و رفقای دوران بچه کی زیاد تهاس  
و شوهر یکو مکو های ایجاد گردد که بالآخره  
داشته باشد و دایم در رفت و آمد باشند، که  
بعض این رفتار شوهر برای زن خوش آیند  
جدایی کشانیده میشود. و این طور مثال  
نبوده و مخالف این طرز زندگی میباشد. ها زیاد و فراوانند و اگر خواسته باشیم که  
همین علم توافق نظر باعث ایجاد ناراحتی هر یک را شرح بدھیم و دروی آن بیچیم سخن  
و اختلاف بین زن و شوهر میگردد. به درازا میکشد.

۲- حسادت: موضوع دیگر یکه زیاد قابل  
اهویت است موضوع حسادت طرفین میباشد. خوشبخت اند باید ملحت که: اساس خوشبختی



## استراحت و خواب نیروی ازدست

### رفته را باز نمیگرداند

یکی از نیاز های بیشتر در زندگی انسان است  
استراحت و خواب است. چه اگر انسان در  
طول یک روز بعد از فعالیت جسمانی استراحت  
نمیگیرد و خواب ننماید بدون شک قادر و توانایی  
او را به تحلیل میرود و بالآخره به نابودی  
کشانیده میشود. دانشمندان طب و علماء به  
این عقیده اند که خواب ضروری ترین شیوه  
برای بدن است و هر شخصی می‌تواند تعین  
گند چه مقدار خواب برای او ضروری است  
تا بدنش بتواند بخوبی بو ظایف خود عمل  
نماید. در اینجا بعضی از حقایق را که  
از مایش های علمی آن را ثابت کرده از نظر  
خوانندگان می‌گذرانیم: اگر چه عقاید مختلف  
در مورد مقدار خواب در یک شبانه روز برای  
انسان وجود دارد اما بصورت عموم اشخاص  
عادی محتاج به هشت الی نه ساعت خواب  
ضرورت دارند. ولی اشخاص تند رست بیش  
از هفت ساعت خواب لازم ندارند... اما  
خواب زیادتر از نه ساعت تسبیح بعکس خواهد  
داد. در اثر تجربیات و آزمایشها معلوم  
شده است که هر فرد باید هشت الی نه  
ساعت بخوابد، زیرا همین مقدار خواب  
کاملا قوای از دست رفته را مسترد می‌دارد،  
ولی گاهی عواملی باعث میشود که بعض از  
اشخاص هشت ساعت متواتر بخواهند و اینها  
بادردت تمام ملاحظه و تحقیق نمایند که چه  
توصیه میکند که در شبانه روز دو مرتبه  
مقدار خواب در شبانه روز لازم دارید.

# جوانان پول هارا آتش می‌زند

شما افزایات اضافی و مرضی را بین دسته دورنمودن دارایی کشیده نه تنها از نکاح ها از عضویت دور می‌زند و قتنی این قوه دفعی اقتصاد قدر آن متصور است، بلکه مهم تر عضویت به اثر دود سگرت از کارمندی اقتصاد از آن مستله صحت است.

این عمل فرار تحقیقاییکه بعمل آمد نشان مفسر داخل سیستم تنفسی گردیده و سبب می‌دد که سبب بروز انواع بیماری‌های وعزران بروز یکسلله امراض خطرناک می‌شود. که مرگ بیموجب می‌گردد، این آتش سوزی از آنجمله یکی هم سلطان شن‌ها است. احصاییه ها نشان می‌دهد که ۵۰٪ فیصد تهم افسار این عادت درسطح جهانی ابعاد کسترده وفات ناسی از سلطان شن‌ها ۲٪ فیصد ناشی دارد و در افق اتفاق نشان نیز دود سگرت از امراض قلبی و رکیاوه درصد از اثر التباب نسبای عوانی شنها که با خاندان ارتیاط چلم و سایر دخانیات یکده زیاد جوانان مارا دارد است علاوه از سلطان شن‌ها، التباب معاد ساخته است.

دو سگرت با داشتن زهر بنام نیکوتین ضرر نل های عوانی شن‌ها، بزرگ شدن کیسه عمده خود را بالای شن‌ها اجرا هنایند، های عوایی، امراض قلب و ریه. سلطان وابن عضو آرام پرکار و پرسروصدای عضویت را که سبب زندگی در نزد انسانها است، و تمام مواد سوخت عضویت ازینجا اکسیجن دود سگرت سبب افزایش ضربان قلب و بدن رهن فشار خون می‌گرد. تحقیقات نشان کاربن دای اکساید بخارج من افکند. اما نیکوتین فعالیت آن رشته های دا برهم می‌زند. که در جدار نل های عوایی فرار گرفته اند و این شن‌ها مبتلا شده می‌توانند. اما کسانی که در رشته علویله دارند و مکروپها و ذرات مضره حدود دو قطب یا بیشتر آن دودمی کنند در عین راه از تنفس داخل شنها گردیده دو. هات نظر یکنفرانها به سلطان مبتلا می‌شوند. بازه برون براند.



در خانواده مخصوصاً بین زن و شوهر را اعتماد دیگر با وجود اینکه دارای نمول و نسروت بیشماری هستند. ندارند. وابن تنها از برگت و قتنی دو جوان زندگی خانوادگی را آغاز تفاهم و اعتماد طرفین است وسی.

می‌کنند و با اینکه از نگاه اقتصادی و زندگی پس شما جوانان عزیز اکثر واقعاً خواستار امروز بسیار نوافض و کمیبود های دارند ولی زندگی آرام وایده‌آلی هستید در اویل زندگی با آنهم چون به یک دیگر شان اعتماد دارند و در تمام مسائل زندگی باهم بکوشید و در آغاز زندگی مشترک خانوادگی بکوشید بین نان تفاهم و اعتماد ایجاد گردد وابن وقتی نظر دارند خوبیست اند.

از این دو هیچ مساله دیگر که بتواند باعث ناراحتی آنها گردد باقی نمی‌ماند، و آنها زندگی خوش و سعادت باری را ادامه می‌دهند و چه خوبست چنین زندگی که برخوردار از تفاهم و اعتماد مقابله باشد.

وقتی بین زن و شوهر توافق و عدم نظری وجود داشته باشد دیگر تمام مسائل زندگی همه اش حل می‌شود. جوانانیکه متصف به این صفات نیکوپرستی دارند از این روز زندگی ایده‌آل باقی نمی‌ماند.

## یک همه‌اله جدی بین پدران و پسران

دیگر نکنید که این بی‌گفتی تعدد در برابر یکدرو خانواده ام است. و یامن جوان سبکسرو مقصود رسید. و نتنی امروز شما از من بوقوع دارید که فلاں کاری را که شما در بیست سال قبل می‌نودید من انجام بدم برایم غیره همکن میدهد که تمام مرد هایی که سگرت عادت نموده و همین شرایط زندگی در وضع اجتماعی خانواده ها نیز تائیر گذاشته و من که از او هستم می‌کویم که درهای قابل بدر دلیل و برهاش نسل امروز هستم خود بخود تخت ایسن کفتن گناه است، آیا شما به این حرف باور شرایط زندگی نوین فرادر دارم و نمی‌توانم دارید.

ایا اکثر پسری بخواهد در زیسته های مختلف حیات با پدرش حرف بزند. دلیل بکوید و دلیل بشنودگانه است؟ منکه در این کارم گناهی نمی‌بیشم. از این ها گذشته پدرم بهمن که پسر بزرگ خانواده ها نیز تائیر گذاشته و من که از او هستم می‌کویم که درهای مختلف کفتن گناه است، آیا شما به این حرف باور شرایط زندگی نوین فرادر دارم و نمی‌توانم دارید؟

ایا اکثر پسری بخواهد در زیسته های مختلف حیات با پدرش حرف بزند. دلیل بکوید و دلیل بشنودگانه است؟ منکه در این کارم گناهی نمی‌بیشم. شما تقدیم هیکتم و شما خوانند گان او چند بگذارید جوانان خود تصمیم بگیرند و آنها را باره آن فضایت گنید. وادر بکاری که دلشان نمی‌خواهند نسازید.

پدرم برای جوان بین تفاوت و کمی عدم هم در عصبانی می‌شود و با خشم می‌کویم، که پدر! دیگر من خواند. بلی این گفته پدرم راست است حرف تائینویی گفت و خیره سر هست! اکثر سکوت کنم پدرم بیشتر تشویق می‌شود و داده هم بعضاً در برابر پدر خود ایستادگی هیکتم حرفاها و ضدیت هایش بیشتر هیگردد، و اکثر و آن هم بادلایل محکم که هیتوانیم به جزو ادعای کنم که حق بطریف من است جوانان بین گفت، هم در و حق بی تربیت نداشتم.

مثلاً وقتی پدرم از زندگی گذشته اس حرف هستم.

مسی زند و زی باد تعریف می‌کند که اخلاق عقیده من و پدرم از جای سروع من چطور بودم و چنان و مارا جوان بین تفاوت شد که اومی خواست خواهی بودم و شوهری می‌خواند، در برابر این سخن های پدرهایگویم دهد در حالیکه خواهیم هنوز در مکتب است که پدر هر زمان و عصر از خود ایجاد و تقویت می‌کنم و تحصیلات خود را تمام نکرد و از همین که بخوصی خود را دارد. در آن زمانیکه شما او نمی‌خواهد با مردیکه عمرش تقریباً هم زندگی می‌کردید شرایط طوری بود که شما پدرم دارد اینکه این مرد تجربه دارد، بول میتوانستید آن کار هارا یا به گفته خود تان آن بخش ها را بینایند ولی امروز شرایط داردو میتوانند و دخترش را خوبیست سازد طوری دگر است. امروز زمان کارو نیاش

## جلانی توخي

لزدیکهای غروب یکن از روز های تابستان بود ، آفتاب آهسته روی مزارع را نرگ میگفت که فواد خان با چمال یاور چین راور چین زیر د رخت های توت کنار جوی می گذشت و حساب زمین های پهناور خود را با او در میان می گذاشت و بر خود می بالید که خان اینجاست . چند قدم دور تر عبدال بالفکنی بر دست به تعقیب شان روان بود از آنجا جویی می گذشت ، در دو کنار جوی زمینهای وسیع زراعتی قرار داشت که پهنا و انتباش معلوم نبود . اما بعض قطعه کوچک گوشه شمالغربی دیگر تاچشم کار می کرد همه اش هملک و زمین فواد خان بود که مخصوصاً گندم و شالی از آن بر میداشت .

فوادخان همچنانکه در پیشاپش چمال روان بود به سخنان او گوش داده بود ، اینطرف و انطرف خود را هم باگاه های دقیق می دید تا از کیفیت کشت و طرز کار دهقانان نیز آگاه می داشته باشد .

تا همینجا که رسیده بودند همه چیز طرف د لخواه فواد خان بود ، حاصل خوب و مظلوم بیکه روی زمین ایستاده آب و فربکه مستی کنان در میان جوی می غلظید ، دهقان هاییکه در هر گوشه مشغول ثعالث بودند از دور او را می دیدند خود را جمع و جبور کرده آدای سلام و احترام می نمودند ، همه اینها مو جب رضای خاطر فواد خان بود ، اما ناگهان چشم او از دور بهمان قطعه کوچک شمالغربی افتاد که با دیوار های کج و معوجن چون مستطیل بد شکل در گوشه زمین او چسبیده بود .

آن زمین کوچک بادوسه اتفاق دودی رنگ داخل محوطه اش متعلق به بابه برات بود که از پدر برایش بارت مانده بود . بابه برات که درین زمین توکد یافته بود هم اکنون هران کار و زندگی میگرد . اگر چه این زمین هم به فواد خان تعلق داشت یعنی در گرو او بود و بابه برات طور اجراء روی آن کار میگرد ، با آنهم دین دیوار های فرسوده اش که زیر روشانی خاکستری رنگ غروب سایه های عجیبی بر زمین فواد خان انداخته بود برای او خوش آیند

## زمین باده در ات

- اینه صاحب شاخ کبره آوردم . عیج ده خوبی و انسانیت نه فیمه ...  
بابه برات فر یاد زد : بلحاظ خدا از باب صاحب - غریب گشتن اگه آسان اس چواب خداره دادن سخت اس ، ای چه حال و روز بسی هاس ...

فوادخان خو نسر دانه به برات نگاه کرد تا آنکه سخنان او تمام شد - بعد بای گفت : - بابه برات گو چه بخاطر ای غا لمقال و گستاخی ایجاد میکنه که چوب بخواهم و تا سرحد هرگ یکو بمت . ۱ ما بخاطر یکه چند سال اس با ما کار میکنی - ای دفعه گنا هته نا دیده می گیرم .

- خی چطور کنم از باب ، هه خو عمنی سات مالک یک بول هم نیستم .

- بابه - هه هم مجبور هستم ، اگه نی بتو و بهمه معلوم اس که هه آدم بی هر ون نیستم ، ۱ ما و ختن یا مجبوریت ده بین باشد آدم چه گرده هیتانه ؟

- شما هر چیز هیتانین ، هر کاریکه د لنان بخواهد - حتی اختیار هرگ و زندگی هم هم بدت شما اس .

- درسته که هر چه دلم بخواهد هیتانم ... اما بابت گفتم که مجبور هستیم . از یکطرفای باقی و محصول حکومت از طرف د گه ای وضع و بیش آمد شما دهقانها ...

بین هه از روی هر و بشر دوست ده عوض پنج جریب زمینت بتو بیست هزار افغانی دادم ، آ خوش دهای ینچ سال از زمین توجه بهم دادی ، پدر چهار پنجه سیر غله و چند خروار ترکاری گنده ره لعنت که تو در سال بهم دادی .

- او از باب صاحب ، اگه هه او لاد هایم نان خشک شکمیز خود را باشیم ز هر جان ما شوه .

- بس بس بابه ز بابازی نکو ، اگه خوردی یا نخوردی اویش بهم هر بوط نیس و هه هم تا حال بخاطر دیش سفیدت چیزی در رویت گفتیم بلکه گفتیم با شه که همو چاره و پرده خودت واو لاد هایت شوه . همکه امروز که به بول فروردت دارم فقط و فقط بول هی خواهم و بس . ۱ ما هه خو بریتان قسم خوردم که ندارم ،

جریب زمین دارم ، او هم کاشکه ده یک جا پاشه ، یک قسمش ده یک شیر و دگه قسمش ده دگه شیر ...

خو ، خودت برش تکفسی که از باب کجا رسیدگی هیتانه ، همه شماردم میخورین ، از چون برات را عرض دوست میداشت . لذا او این کار را مصلحت ندیده و هر بار از قصد خود منصرف شده بود .

مگر اینبار هو قفس ر سینه بود . از دیروز که اطلاع یافت بابه برات بمنظر تداوی خانمیش بدون اجازه و اطلاع او بشیر رفته و دوروز را بکویه که تدارم ، د گه ای خروج و برج هزار و دهقان ، ای هایه و نکس حکومت و ای صدھا

صرف د گه ژندگیش از کجا پوره میشه .

- خوب گفتیش چمال خان ۱ ما تکفسی راجع بفروش زمین چه گفت ؟

- دیروز خو چند برش گفتند که بودم بابه برات

- بیش خود ، گرفته زمینه تغییه کنه .

- بیش خودت ؟

- بیلی بخاطر ایکه شفا عنده بیش شما

دیده شد . که شتابان و دعوا کنان بدآ خل زمین بیش می آمدند .

چمال گفت : مثلیکه خود شان اس ... بیلی همowa استند - گلاب و برات .

فواد خان بچمال گفت :

- بابه برات آدم زیرگ و زیباتاز اس ، همکر

فرکت باشه هر طوری که اس دندانش ازای زمین گنده شوه .

لحنله ها گذشت ، سر و صدای برات و گلاب

نزویک و نز دیگتر شد تا آنکه بفاصله چند

قدمی فواد خان و چمال ر سیدند ، آ تکاه گلاب

بابه برات را که مشغول جمع و جود کردن دستار حلقه حلقه اش بود به بیش تبله داده

گفت :

- چشم همه مردم دعیس که هه هزار

# بر گزیده های از میان فرستاده های شما

## زمین با بهترات

ای ره هم باید بفهمی که اگر تا ختم پانزده روز بول به نرسه هیکم که پند و پندو لنه بیکطرف کوت کده ز همه بیرون قیمت که باشد بفروشن و بول مه ره برسان...

بعد بجهال خطاب گرده گفت: ما دگه وخت نداریم برو که ببینیم د هفا نبا چه می کنم.

آنروز شام کاو و گو ساله بابه برات را

از خانه اش بر دند.

موقع بودن بابه برات با دختر ۱۳ ساله ویس رینج ساله اش بد هن دروازه هو پلی ایستاده بودند، دخترش اشک می دیخت، اما با گوشه چادر دهن خود را محکم می فشرد

تا صدا بگوش هادرش نر سد.

بابه برات هم در حالیکه ۱ شک بچشمانت

حلقه زده بود و مشتبای گرده اش را

من شردد خم خم کنان می گفت:

- ظالمها، خدا ناترس ها، از خدا می خواهم

بکروز کفر اعمالتانه بچشم سر ببینم.

یسر کوچک او که تاکنون خا موس ایستاده

و با تکاه های معصو مانه اش علت واقعه را

جستجو می کرد، مثل اینکه ذهن کودکانه اش

دیگر همه چیز را درک گرده بود فر یاد زده

دوید سوی هادرش، هادرش هنوز تپ داشت.

طفلک در حالیکه عقده گلویش را می شردد

قفسه را بعادرش گفت. مادر بارای حرکت را

نداشت، اما از زبان کودکانه پرسش همه

چیز را فهمید.

ساعت بعد و قبیله بابه برات با تا

آمد دید چشمها خانش بر از اشک است.

مات و مبوبت ماند. خانم با صدای لرزانش

پرسید: گوساله ره هم بردند.

- آری، اما غصه نخور فر دا مبروم نخیر،

بنها ندگی بانک ز داشت، ۱ شالله پسول

ای ظالمباره می تم، ز همه خلاص میکنم و گاو

گوساله ره پس میاریم.

خانم چیزی نگفت، اما از گوشه های

چشم اشکای داغ سرازیر شد و تار وی

بالشت دویدند... روز ها گذشت، هاه ها

سپری شد و سالها حال شان همیگونه بسود

تا اینکه کاخ زور هنمان از هم پاشید و روز گار

شان عوض شد و زندگی خو بی را بسے راه

انداختند.

تایستان دیگر بابه برات بازن واولادهایش

ذیور چیوی نشسته بودند. نان چاشت را

می خوردند. بابه برات بیشتر از هر وقت

دیگر خوش بود، و قتنی ز نش علت را پرسید،

برات در حالیکه از دور جسم بعاصل وا فر

دو خته بود جواب داد:

- خوش هستم از نیکه دیگر برای خود گار

میکنم - دیگر ظالمی وجود نداره که حاصل

کارو نان هارا از ما بگیره.

خود او کسی حاضر نمیشه، از طرفی هم برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت بد عده، ۱ ما چند روز محدود باکمی فشار

تائیجه زودتر میسر شود، گفت:

- نه یکمای زیاد اس، در حالیکه خشار حکومت بالایم بسیار اس و مه باید تا هفت دیگر باقیات خوده حل و فصل کنم. ۱ هابانه چون ادم سنگدل و بن هرود نیست همس فشاره تا پانزده روز د گه هم بخود فبو ل میکنم و تره تا او و خت یعنی پانزده روز میلت میتم، درسته؟

- یانزده روز.

- یانزده ازی ممکن نیس.

- درسته از باب، کو شش میکنم.

ضمنا گوش کو - چند و خت اس که کاو عای ما سیرش کم شده، او لاد ها هر روز سر تقسیم شیر با هم دعوا میکن د گه

تا وختیکه بول بهم میرسه کاوته با گوسالیش

بری گلاب تسلیم کو.

شیندن این جملات مثل غربه سنتگیش بود

دیگر همه چیز را درک گرده بود فر یاد زده

شود.

پیش چشمپایش سایه ۱ نداشت و گفت:

- چه میگین ادب، آخر قوت و لا یمود

او لاد های بینوا و زن بیمارم از هموس، چطور

میتانم...

- فقط بری چندروز تابوللم برمه، اضافه

کارسان ندارم.

بعد رویش را گرد طرف معا لفظش که اکنون

با به باری اینها ایستاد بود.

- او بجه عبدال تو هم برو کش گلاب گاو

فوادخان هم دیگر بی خو صله شده بود.

و گوساله ره گرفته بیار و تار و خنیکه مه پس

در حالیکه دستیا یش را می تکانندزدیک آمده

بخانه میرسم آنها باید در طوبیله باشند.

گفت:

- بابه، ایکه زمینه میفروشی یانه میفروشی پایش نشست:

بعه مریوط نیس - ۱ما بول همه هیتی یانیعتی

ار باب، اینه سر خوده پیش لج میکنم،

اگه کاو و گوساله ره بینون ما از گشته گرمی-

میریم عاره بکش ۱ ما و سیله روزی «اره ازها

نگیر.

- افلایکمای خو همه میلت بینن.

فوادخان لحظه بقایه برات خیره شد، بـا

- او بابه برات - تو تا حال باید فهمیده

باشی چیزی ده که مه هیکم حتیا عمل میشه.

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

هرچه میکند. خو بست چند روزی باو میلت

بـا

فودخان که آنطرفتر خو دش را با خونه

برات برای تادیه بول غیر از فروش ز همین

چاره ندارد، خواه مخواه باز هم برات بهارو

فالیت های عنتی را در کشور خویش انجام  
جبوانه و استهار میرانه ۱ فلاح متحده  
میدهند چنانچه نقش آنان در فائزیکه شای  
امریکاست چه ۱ فلاح متحده چنین میخواهد  
توکید یشم نود فیصد و کار فلزات و ساختمان  
و بیوسته در صنعت است تا تلاش هر دهان  
هائین در فابریکه های امریکا (۸۰) فیصد  
امریکای لاتین را که بخارط اعاده تا مین حقوق  
هائین . باوصفت اینهمه کار های سازنده  
سان راه انداخته اند باقتل و کشتار ، ترور  
بار قروض بر ۱ امریکای لاتین سنگینی نموده  
و فقر خفه سازند ، خلاف ازینکه ۱ هر روز دیگر  
و اینک به یکصد میلیارد د سیده ۱ است که  
عصر بیداری مدل و رعیابی بسوی تر فی  
عامل عدم آن سیره گست و بلان های سود- اجتماعی است .



دخلات ۱ میزبانی از فقر و ترور و اختناق در بو لیوی و السلوادور گردیده است

## پیو و زی دیگری نصیب

## دانشگاه‌ها و اسما

سخراي قزلام که بين بعيره او را وکوه عالم معروف تاریخ و جغرافیه فرن د هم ياد  
شان شان هو غیت دارد بند زیچ راز آوري شده است :

خودرا بیان میدارد باستان سازان آن، در زیر انبار های چقل و ریگن شهر تانی و گهی «تر کیس کیدر» خواسته بیندا گرده اند. یک یاستا شناس و بشر اس انسنتیوت تاریخ اکادمی علوم افغانستان حین از زیارتی بر نتایج تحقیقات

تئانشنس ایتدایی گفت: شهر = گید ره نمده است.  
قرن نشم تا قرن دوازدهم در وا دی در شهر = گیدر = یک عبا دنگاه بیز دگر دریا موقعت داشت در هوردان شهر در گشت نمده که در آن پیایای حکما کی سفالی  
نم مختلف غربی مشهول آثار «عقدیسی» دیده می شود که کار هنری آن دارای خصوصیات

تقديم و ترجمة : هير حسام الدين بروهند

امپریالیزم، فقیر تو و رو آدمکشی  
رادر دو لجه‌ی را رسالته ادوار

پیو سمه د اهن هیو زد

اصلان متعدد امریکا بازور گوین و سلطه جویش خویش برآمدت دخالت خود ، درکشور های امریکای لاتین افزوده است و با پسلان های مطروحه خویش بطور خیلی ها مخاصمانه اختناق و گرسنگی ، فقر و ترور را در مناطقی که نفوذ پیدا هی نماید ، دامن هیزند . امریکابرا ای توسل به اهداف شوم حتی ۱ لو سع گوشیده در امریکا ی لاتین یعنیور بپره بسر دی سیاسی خویش به اقدا هاتی دست ببرد . از اثر همچو دشت افکنی های امریکاست که ترور بطور مستدام در بولیوی را هش را باز گردد و عواقب ناشی از آن زیاد گسب و خامت پیدا گردد است بموجب گزارش های تازه از «سالوادور» دخالت امریکا در آنجا باعث شد لا دوصد و چهل و سه نفر اخیراً بقتل بررسد ، در السالوادور اطفال شیرخوار در برابر دیدگان والدین شان هدف مردمی قرار گرفته و با پسر های متواتر و حشیگران ۱ خلاع متعدد امریکابیر حمانه و چه درد ناک جان های شیرین شانرا از کف مید هند . ۱ خبار دلخراش درهورد تجهیل رنج و شکنجه بر می دم «یو رو کوای » به ذراعه متعدد یکی دیگر از هنال عای بازی پاسر نوشت همل بو سیله گماشتنگان ۱ هریکای چپانخوار ، بعسیاب می آید . قتل را عبه های ۱ هریکایین بوسیله عساکر امریکایی جنایت دیگری است از هزاران جنایت زور گوییان و ستم پیشگان ۱ هریکایی . تکرار همچو سخته های دلخراش در هیان حلقة های زمامدار امریکایی گردید و شمار ریبانان خشم دد هشانه از بیان قدرت در



نها کران کش ور هی مختلف در فستیوال آشکند دیده هیشوند

دستی بیشتر فته شهربت ز یا د داشت گرچه بدست خواهد بود . در حفظ آیدات اتزار که درین اول و آخر در پیلولی صحرای گرم کشف شده ساهم می باشد . این عبادتگاه باید یک مسجدجامع باشند . همچنان درین شهر یک کوچه کشید شده که هنوز دو اتفاقه یا سه اتفاق داشته و سطح آن بصورت مستطیل ساخته شده بود . در عین زمان یکتعداد زیاد از رفوف گلی و اشیای نسبتی و عجیزان سکه هایی که قدرتمندان بر قرون هفت و هشتاد و سه و تاکنون سکه سناسان از آن اطلاعی نداشته اند بدهست آمده است . درین حفریات در یک هزار علیق حکاکی شده بطور غسلی از سفالین دنکه قوچ ، برآمدگان و موجودات خیالی از شهربازستانی گمده به الاماکن ازورده شده است که این گلکسیون هورود علاوه که این قرار گرفته که در هورد هنر عای زیبای باستانی تحقیق می کنند . شیر ، گیر ، ساخته شده ، شامل است . بوجب تازه ترین گزارش ها حفریات جدید در تابستان اینده در گندرو اتزار نتایج جدید و جالب خواهد داد . در جریان حفریات بقایای بیشتر باستانی این هرگز ساخته شده است .

## ششمین فستیوال فلم‌های هنری در تاشکند

بر هزاران انسان فیلم صورت گرفت بجهت  
آنکه از افراد کوثر سریعیت بودند. گودنی  
که متعلق به گلوبالیست های بود و آنها در  
سراسر جهان زمینق کلو نیالیزم مسلط بود.  
از آنجاییکه در فستیوال تاشکند رو حیه  
بودند، گل زیاد دیده میشود و بیشتر به  
فیلم عالیکه مبارزه، مبارزه بر حق که بشریت  
گردیده و از کشورهای پیشرفته صنعتی چون  
عنده جایان نیز فیلم های خوبی در فستیوال  
انداخته اند، بدبخت قدر نگریسته میشود.  
فیلم کشورهای زمینق بیش از حد تصویر طرف  
توجه حلقه های هنری شاخصه فستیوال فرار  
گرفت. از ارزیابی داستان فیلم چنین  
استنتاج می توان گرد که:  
مسکونین «موزدا» در صدد شه اند «ارکستر  
ترازیدی» را بسازند، همان ترازیدی را که  
گلوبالیست ها دامنگیر شان ساخته بود.  
برداخت فیلم یک ارتباط عجیب میان جمل و  
حیثیت. وا قیمت و فانتزی، استیزی او در این  
و امثالیم بر فرار داشته...  
فیلم یک صحتنافیل را نیز با خود همراه دارد  
که بر «لاکنندۀ زندگی ترازید مسکو نیز  
«موزدا» است اما در فرجام سرویی زمزمه  
می گردد که سرود گر آن بیقین با آن سرود  
ذاب و نجدیدگان را بسوی ظفر ر هبری  
میکند. فیلم در واقع تعجب داشته واقع  
دای تاریخی هر زمینق است. هر چند که این  
نخستین فیلم هر زمینق من باشد و لی شاید  
فردا نام رزیسور روبرویا - جهانی  
گردد و بساند رزیسور افريقيا که اولین  
وزمینق است، محلیکه در ۱۹۶۰ آنجا  
بر سبیل هنال در ششمین فستیوال فیلم  
در تاشکند از جمهوریت هر زمینق اولین فیلم  
هنری آن نهایش داده شد. در انتخاب فیلم  
برای نهایش در فستیوال تاشکند سعی شده  
بود تا فقط و فقط به فیلم هاییکه داشتند  
عالی و زیاد انسانی باشد مجال نهایش داده  
شود. «موزدا» یکی از دهکده های  
محلیکه در آنجا

# سیپروردست

تیه و نوشه از عبدالحقیم پویل

## طی مسابقات انتخاباتی تیم‌های والیبال پسران و باستکمال دختران

برگزیده شد



گوشه از مسابقه فاصله ده هزار متر در جاده‌های سیر بخارست به هفدهم رسیدن اسیدیوم  
میباشد.

## در مسابقات انتخاباتی حصلین جهان منعقد بخارست تیم اتحادشوری جامی اول را گرفت

ورزش دوستان بسیار ارجمند .  
نماینده دارند که ریاست عالی ورزش  
وکمته ملی المپیک در او اخر ماه سرطان  
به یقنا روز های گرم ماه مبارک رمضان  
برای هردم مسلمان و متدین ها بود تبریز من  
مسابقات دیگر فتبال را بنام جام دوستان  
بین باقدور ترین تیم های فتبال کابل که در  
تین زمان صدرنشیان سه گروه مسابقات  
جام خیربر بودند در سنتیوم ملی کابل برای  
انداختند .

این مسابقات با طرح نسبتاً متفاوت نسبت  
به مسابقات قبلی بخارط شرکت تیم های  
خوب و علاوه‌نهادی بستر ورزش دوستان شکل  
گردید . در این مسابقات آن چنان گرم  
و زدنی بود که هر تماشاگر با احساس بخارط  
برای انداختن چنین مسابقات بسیار صدای  
به تحسین و سپس گشیده از اینگونه اقدامات

از شنیده ورزشی حسن استقبال بعده اوردند.  
فتبال تیم فتبال هندو کش بایک ترکیب جوانتر  
و با ارزی دیگر مقامات مسؤول ورزشی کشور  
باتوجه به این عمل تکو و مستبدیه ریاست  
عالی ورزش وکمته ملی المپیک که بر میزادی  
مسابقات را وقتاً فوقتاً روی دست گرفته  
آنها نیز با چنین اقدامات شان بخارط توسعه  
و گسترش ورزش در کشور عزیز ما انجام  
دهند .

یابی جای فرار بگیرد .

در جاری چوب این مسابقات شش تیم صدر نشان

تیرین باز یکن در تیم‌های منتخب که همه دیدار برده شدکه! این دیدار شامل مسابقات دوین های برای تماشاگران دلچسپ و دیدنی بود - انداخت نیزه - انداخت در فاصله های مختلف، انداخت دیسک چمناستیک، انداخت کلوه، زنجیر پیشان و با سکتبال دختران تیم های شرکت داروی بدن آن - خیز از ارتفاع بلند - خز کشنه به دو گروه دسته بندی شده بودند و دور دیدار عبور از چوبخراک و غیره تماشات آنها پیکار های شانرا در چار چوب این ورزش بود که تماشاگران با حضور یابی شان در ستدیوم بایان اسماهای یکنده بازیگران که استعدادشان را در کنی شهرب بخارست از آن دیدن گردند و هر گدام برای ورزشکاران طرف علاقه شان ابراز احساسات و شادمانی میکردند.

در مجموع تمام شرکت کنندگان جهودهای جهانی ۱۹۸۰ مسکو دیده شد از جمله میتوان از دختر فیروزان تماشات چمناستیکی نادیه کوهماچی از روحانیه نام برد و درین رقابت ها باز هم با هنرنمایی عالی و چشمگیر اس مدال طلائی این مسابقات را مال خود ساخت و در بایان مسابقات اظهار داشت که این

آخرین بگ رشرکت اس به حیث یک مسابقه دهنده خواهد بود و در اینده تصمیم دارد به حیث مربی این ورزش در کشورش ایفا و قیمه بکند.

در بایان مسابقات از تمام هدالهای طلاق در بخارست بود نمر نمود گزارشگر مجله با استفاده از آن مطالیه را تبیه داشت که تقدیم شما خوانندگان گرامی میدارم.

مسابقات انتیک ملی هفت عقده تعلق گرفت - از مسابقات انتیک ملی هفت عقده روز د ر ستدیوم بزرگ شیر بخارست مر کشود جمله بیست و هشت هدال طلا، بیست و هشت هدال رومانیه با استراک ورزیده تیرین ورزشکاران کشود های جبان که همه محصلین بود تخت ورزشکاران اتحاد شوروی، بیست و سه هدال بروزن برگرام منظم ذیر نظر گمیسیون های جداگانه طلا، سیزده هدال نقره و چهارده هدال بروزن همچنان درین رقابت ها تیم آمو باز هم تکنیک و تغییرات خوب در پیش گرفته بکنند



گوشه از مسابقه دوین تیم های دختران زادر فاصله چهارصد متر در نقطه پایان نشان میدهد.

با درخشش خوب و قابل توجه شان چون تیم کسب عنوان فیروزانی دیگر راه یابی ورزشی فتبال گلوب ورزشی قوای مسلح تو جه تماشاگر ان و صاحب نظران فتبال را بخود جلب نموده و تیم اکادمی خارندوی که در

\* مسابقات جام خیر در خشنگی خاص داشت درین رویداد گمتر در خشن داشته چنانکه دریک دیدار در برابر تیم فتبال گلوب قوای مسلح به شکست هواجه شدند تیم اکادمی خارندوی را شناس دادند تا با پیروزی شان دو مسابقات بعدی مرحله اول این رویداد بعیت مدعا دست یابی جام درستی پدرخشدند. چون مسابقات به سرانجام خود ترسیده هابا ختم آن شمارا در جریان نتیجه گیری آن قرار میدهیم.

همچنان ریاست عالی ورزش و کمیته المپیک مسابقات انتخاباتی والیبال جوانان و باسکتبال دختران را بین عده بین از تیم های والیبال و باسکتبال کلپیا و هوسمات ورزشی در چمنازیوم پیوستنون کابل دایر نمودند. مسابقات والیبال که به تاریخ بیست و یک تور دایر گردید و تا پنج سلطان ادامه یافت تیم های استراک کننده با توجه به دو هدف مشخص و عده نبرد شانرا با تبارز دادن



صفحه چالب خیز یکن از ورزشکاران که برای گرفتن نمره بهتر تلاش نموده است.

# هزار و نهاده هزار



ساهان به موسیقی جازاغنا و وسعت

بیشتری بخشیدند.

بنام رهبر ارکستر یاد میشود  
نام ارکستر هم به نوازندهان و هم به آلات  
موسیقی اطلاق واستعمال میگردد  
ارکستر سمعونی امروز که از ۶۰۰ الی ۱۰۰۰ موسیقی  
نوازان مشکل است از دسته کوچک و ساده  
آلات موسیقی شروع شده و دسته بزرگ  
اکتشاف یافته آلات موسیقی ختم میگردد  
با گذشت ایام آلات تازه وجدید موسیقی  
جای آلات کهنه را اشغال مینماید که این  
بروسره امروز نیز مسیر تکاملی و اکتشاف  
یافته خود را می بیناید  
بایدیاد آور شویم که ارکستر امروز از چهار  
دسته مشکل است.

۱ - آلات بادی چوبی : مشتمل بر توله  
های چوبی (که برخی از آنها دارای زبانچه  
است) بوده و نوازنده همراه نفس خود دیده  
و سوراخهای را که بروی توله واقع اند توسط  
انگشتان خود مسروق و باز مینمایند مانند  
فلوت (توله) کلارنٹ - اوپو وغیره .

۲ - آلات برنجی : که مرکب از گونا (شاخ) اوین ریکارد و سرج آلات موسیقی که مجموعاً  
ترمیونی تیوبا (طرم گرانی)

۳ - آلات تاری که مشتمل بر ویلن های اول دوم (بیله کوییک دلارین) بعنایت ازدواج دوک  
ویولا ها، ویلن سلو هاوپسین های دوگانه  
دزووس و مرگیت اف لورین صورت گرفت .  
میباشد

۴ - آلات خوب : مانند دهل های کلان و خورد  
تاوه ها، مثلث این آلات بعضاً (بطار یه) خوانده  
بود از (ابو، فلوت، ترمهون ، دف ، بربط و  
ویلو ها ) اما این آلات بطور درست تنظیم  
نمیشود آلات دیگر از قبیل جل ترنک ، طنبور،  
زنک ها ، ستور مجارستانی وغیره برای تولید  
تاثیرات مخصوصی یا دونق محلی نیز استعمال  
میگردید ویلن ها برای یک صحنه (سن) نگاهداده شده بود و به تنها بین نواخته میشد .

و آغاز مجدد ارکستر با احیای دوباره لیریک

در بیان قرن شانزدهم از طرف یکدسته کوچک  
ادبا و موسیقی دانان صورت گرفت و اشخاص  
مذکور در فلورانس اجتماع نمودند تا درامای  
لیریک را انجام نمایند و اوین نمایش در ۱۵۹۷

صورت گرفت. اثری ازاویری مذکور باقی نماند  
(بورید یعنی بعنایت ازدواج (ماری دومنجی  
اهمیت قدمتی میباشد . که نخستین نویسنده  
گان آنها اسکیلوس و سو فر گلیز واولین  
ارکستر دسته فلو تها (توله ها) ولیرها بودند  
قرار گرفت .



نگارش از : احمد عارف ظفاریار

## ارکستر چیست؟

تفیری روی داده و امروز ارکستر به یک  
گروهی از نوازندهان اطلاق میشود که آلات  
مختلف موسیقی را می نوازند و در همن این  
گروه توسعه یک شخص رهنمایی میشود که  
ارکستر گلمه بی است یونانی و در ایام  
گذشته به محلی گفته که فضای آزاد  
و گشاده داشت و در آن همراه با آواز موسیقی  
رقص اجرا میگردید اما با گذشت زمان در آن

شیباز (انکشت) یا چوب زده میشوند.  
۳- آلات گندن که توسط انکشت، ناخن یا  
ناخن زده میشود مانند چنگ، یا هارپ سیترو  
طبور، هلم.  
۴- آلاتی که توسط دم نواخته میشود از قبیل  
مانند پیانو و پیلوون بانجو، ترس و میست و  
ساقساфон برخلافه آلات بومی ترکیب یافته‌های  
دسته هرکب از آلات:  
۱- مالش دار: از قبیل سارنگ، سارنده  
و پیلوون، دلربا، غیچک که در عین کماچه نواخته  
وغیره که ازین چهار نوع سامان طوق الکر  
میشوند.  
۲- آلات فرب داریعنی (شلاگن سترومنت)  
مانند دباب، بانجو، پیانو، طبور که توسط  
در مملکت ما بیشتر گشته است.

از: ع، غفاری

## شیوه‌های جدید کارگردانی

### در تیاتر

پس از استاد نیسلاؤسکی و هایر عسوله، استفاده گند و آن هم تا جانی که ممکن بود  
که دو کار گردن بزدگت دوسی بسودن بود جنی صحنه های از نمایش را با فلم نشان  
نخستین سالهای قرن بیستم با دو شیوه اجرای دهد و هیچ ترسی نداشت که صحنه های فلم  
متفاوت صحنه تئاتر معاصر را د گو ن را در گذار صحنه های بازیگری زنده و عین  
ساختمان، ۱- گتون ادوین پیسکا تور.  
به کار بود.

با وجود اینکه پیسکار تور در یک میان  
از هر دو وسیله استفاده می‌کرد، یعنی دو  
همان حال که با زیگرا نش مشغول بازی  
صحت بودند از نمایش، او بردیوار روبه روی  
صحنه تکه فلمی هم که به گونه‌ای هر بوط  
به و قایع آن صحنه می‌شد، نشان میداد  
البته ناگفته نماند که پیسکا تور با استفاده  
از اسلامید و به خصوص فلم سر و صدا و  
اعترافی بسیاری را بر انگیخت.

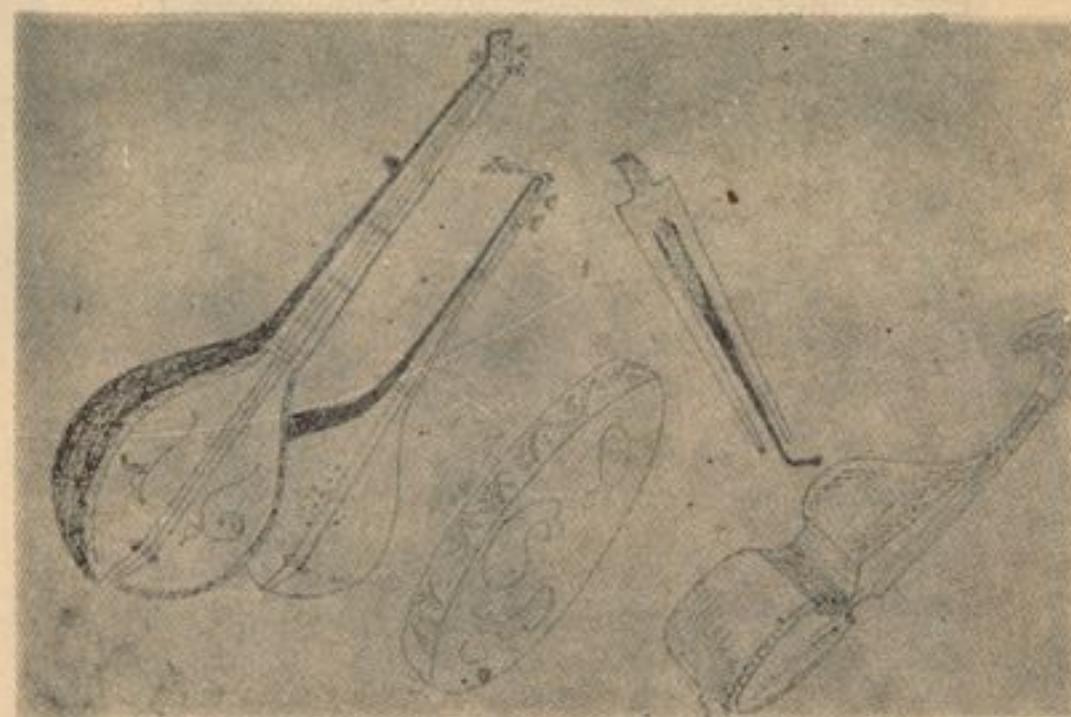
بسیاری معتقد بودند که نباید از عوامل  
غیر تئاتری در تئاتر استفاده کرد. ۱- مای  
پیسکاتور که هنر مندی چسود و بیشتر  
بود. این اعترافها را نادیده گرفت و بکار  
بود که او بر روی صحنه از کار گرفتن دور  
خود داری می‌کرد و اگر چه نمایش‌های نشانه  
توانست باشیوه خود بر بسیاری از نمایش‌های  
نویسان و کار گردن بزدگت تئاتر موافق  
بدر آید و راههای چندیدی برای بیان تئاتر  
به یک صحنه خالی اکتفا می‌کرد.

در چنین حالی ممکن بود پیسکاتور یک  
ورق کاکل در انتهای صحنه بچسباند که روی  
آن نوشته بود «باغ»، «خانه»، «باشی»  
من شود، بر تو لد برشت، آرتو میلر و  
تسی و بیلی هز هستند.

بر تولد برشت هندی در بر لین دستبار  
بیندازد و با بالاگره اتفاق می‌افتد که از همین  
که پیسکا تور با روی کار آمدن هیتلر از  
آلمان تریخت و به امریکا پناه برد و در آنجا  
گفتی است که پیسکاتور اویین کار-  
مدرس تاسیس کرد، آرتو ملیم و تنی و  
گردنی هم بود که استفاده از اسلامید را به  
ویلیامز نیز به شاگردانش پیوسته و  
جای دکور ساخته بود یا نقاشی شده در تئاتر  
توانستند از نظریات او در باره تیاره  
مرسوم کرد و نه فقط اسلامید، بلکه اونخستین  
استفاده گشته.

بقیه دو صفحه ۴۹

ده ماه قبل از نمایش (یوریدیجی) یک موسیقی نظر انداخته شود و اوضاع هیکردد که  
ارکستر مهی تری در روم (۱۶۰۰) برای نمایش این آلات مخصوص این سر زمین بوده و در  
نخستین دراما موسیقی مقدس (لاوپرنتازیون مالک عجموار نظر آن وجود ندارد. متلازیاب  
دل اینداد کوایپ استعمال گردیده بود. سازنده، طبیور که یاین شکل و ساختمان  
وگفته میتوانیم که این اثر یک اوپرای بود  
زیرا عمره صحته ها تزیینات، آهنگ چنگ مخصوصیکه در رسم بامیان کشیده  
رقض و خواندن اجرا میگردید، ارکستر کمالاً زیرین آله مخصوص آنوقت دا سبب اهتزاز  
از نظر تمثیلگران پوشیده بود اما کرکرهای سریا به اصطلاح غربی (دیزو نانس کلوبیس  
مختلف با خود آلات مختلف داشتند و چنین تشکیل داده کمتر بنظر رسیده اگرچه اسم  
رباب در آله بربطة غربی هم استعمال شده مگر  
وامد میاختند که آواز ایشان با آواز خودشان  
هرمه است. بالاخره این دسته آلات موسیقی  
به ارکستر سه‌فومنی امروز، مبدل گردید. و در آغاز قرن هفدهم تغییری در ارکستر واقع  
شده آلات بادی کمته ازین رفته و جای سارنگ هندی شباعی ندارد مثلاً سارنگ  
ایشان را آلات جدید گرفت. هندی بطوری نواخته میشود که زه یاسیم آن  
اوپرای مشبود لدوپیو یک علامه تاریخی در وقت نواختن در زیر ایشان قرار نگرفته  
در موسیقی شناخته شده و موسیقی جدید بلکه به پشت ناخن ها نهاد و مالش می‌باید  
از آن آغاز گردید. ارولیو آخرین اثر بزرگ است که برای ایشان قرار میگرد. اتفاقاً نیا از رباب و  
ارکستر ونسان تحریر یافته است و در آن سارنگ، با توله و دهل دسته بس موزونی دا



چند وسیله کلاسیک موسیقی

(۴۰) قطعه‌ای از آلات مختلف موسیقی در ارکستر تشکیل میدهند. مثال آن رادر لوگر بخوبی  
شامل میباشد و این ارکستر را مونت وردی دیده میتوانیم. تال و سر و طرز ادای ارکستر  
ترتیب داد. واکثر طریقه‌های اوراسه صدساً لوگری مخصوص خود آنها بوده و حتی در دسته  
عای سمت شرقی و افغانیانه ملودهای سر جدهم  
بعد در موسیقی خود تقلید نمود که مردمان دیده نمیشود. وسط قرن نزدهم آن را (موسیقی آینده)  
نمی‌خواهند. ارکستر در افغانستان نیز یاين شکل و کم و گیفدر  
موسیقی یا به اصطلاح خود ها دسته ساز میشود.  
میباشد. از روی آثاری که در بامیان بعلاوه از طبیور وزیر بغلی وزنگ در صفحات  
 شمال دسته هرغوبی تشکیل میکنند. غیچک  
القام این سر زمین رایج و مورد استعمال است. هم بشکل های مختلفی دیده شده است.  
ظاهر میگردد که موسیقی دسته بندی آن در از آلات موسیقی مخصوص بومی بوده و دسته  
القام نستان از چندین هزار سال قبل معمول شنگی را تشکیل مینمایند. البته موسیقی ها  
بوده و آلات طرب چه بصورت انفرادی و چه در به صورت سه‌فومنی هائند عموم مالک شرقی  
مجموع بهصورت دسته جمعی نواخته میشند. نبوده و تواافق نغمات و سرها وجود ندارد. مگر  
هرگاه در اطراف بعض از آلات طرب و ادوات درین او آخر سازهای مامرکبات بیشتر را بخود

## نها یش فوق العاده

یک مرد گوچک اندام نزد هدایت سر کس فوق العاده راستی فوق العاده است ! من برای نهایش شما ۳۰۰ فرانک میدهم آمدو گفت : من میخواهم یک نمایش خارق العاده مرد جواب داد : نه خیر ۵۰۰ فرانک : به تعاملات شماشان بدعم من میتوانم ازبله نه خیر ! خوب سرکس شما بیرم و به سر خود را در خیمه سرکس آهسته گفت : نه خیر ! روی زمین سرکس بیشدازم . بدون جال : من دیگر از این ارتفاع نمی برم . مدیر سر کس سخنان او را باور نکرد . وبا آن هم داخل خیمه بزرگ رفتند . مرد به آهستگی به قلله خیمه سر کس من به هیچ عنصر مندی تاکثون برای بستان بالا شد . اطراف خود را بانین انداخت و به سرمه دعوت باسر خود را بازیگر شنیدند . واپس شماشان خواهد دیگر نهایش بدھید؟ زمین خورد . یک تانیه در جای خود ماند . من از کار شما بسیار خوش هستم : آنوقت بر خواست و باچشممان از حلقه بیرون آنمرد تبسیم نموده گفت : به مدیر سر کس نکاه کرد . میدانید ، من نمی فرمیم که افتدن اینقدر مدیر سرکس با خوشحالی زیاد فریاد زد . درد دارد .



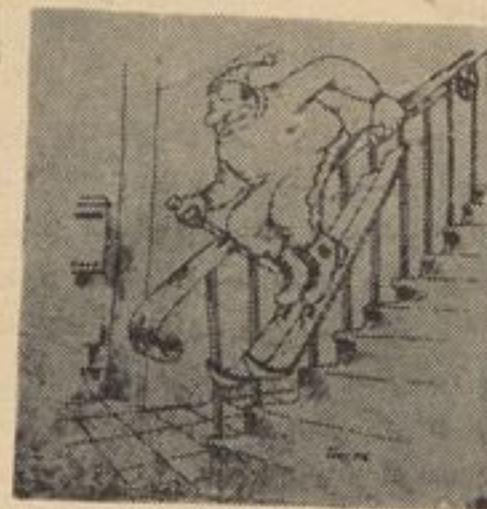
هر چشم چران



ویلن نواز خیالی

## منطق کودکانه

دخترک ببهانه من گرفت و مادرش را ناراحت میکرد . مادر عصبانی شد و گفت : دخترم اگر بزرگ شوی و همینطور باشی هرگز شوهر نمی بایس ؟ چرا مادر ؟ خوب واضح است ، کدام هد حاضر است ، بازن ببهانه بیش لجیاز ، ازدواج گفند؟ دختر گفت : ولی من یکنفر را میشناسم که با چنین زنی ازدواج کرده مادر شن فوراً برسید : این ذار گیست ؟ دختر گفت : پدرم . فرستنده : باطن شاه خواجه زاده



بدون شرح

## هر یخی میکروب

دو میکروب در ناخیه نشش با هم تصادف گردند .

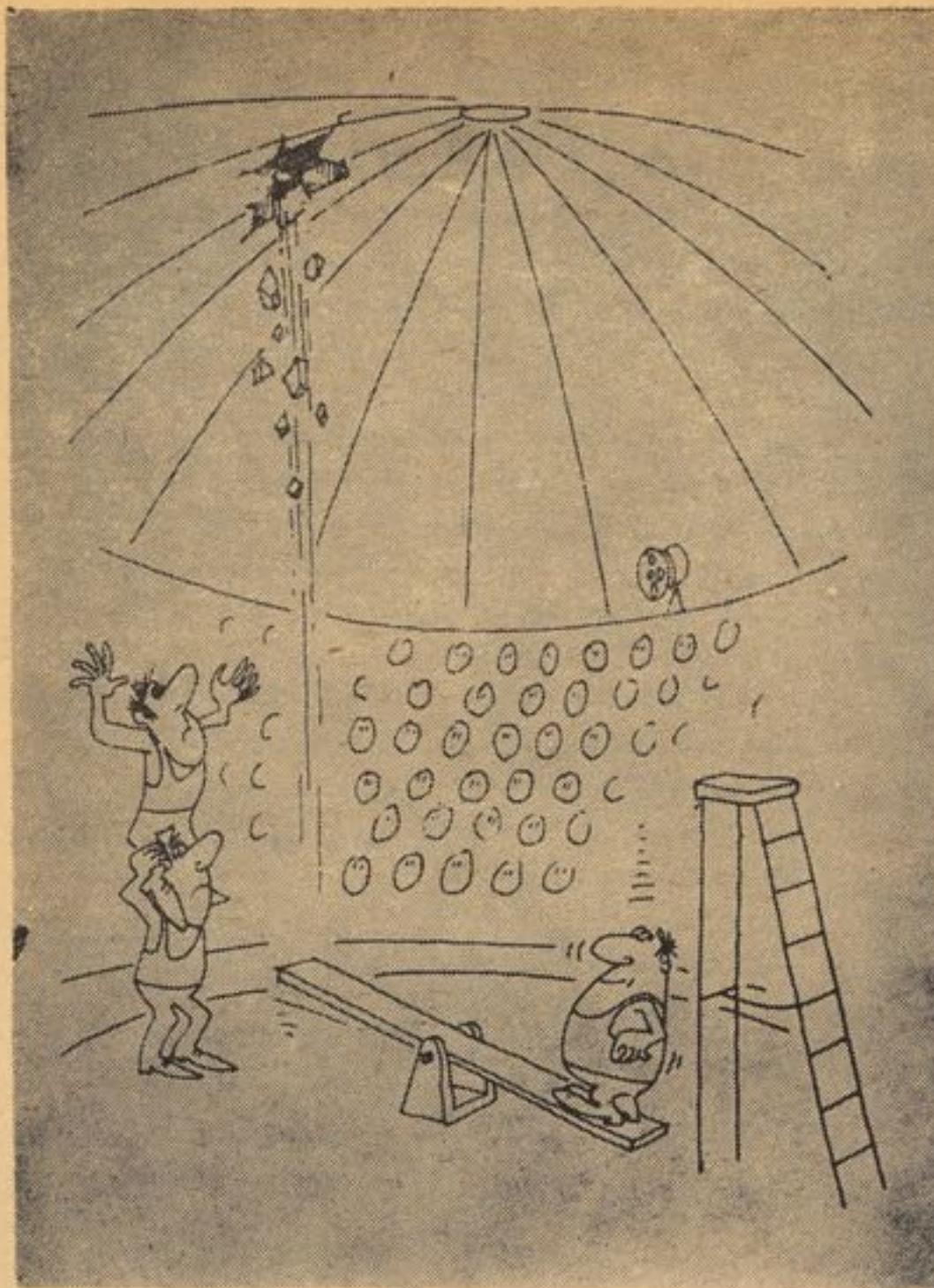
میکروب اولی گفت : مدلیکه مریض هستی . ر تک دویست چندان خوب نیست ؟ میکروب دومی جوابداد : بله ، هر چیز پنسیلین گرفته است .



بدون شرح

انتخاب از محمد طاهر ایوب متعلم لئه نصرالدین

## برگزیده‌های از دیان فکاهات ملanchور الدین



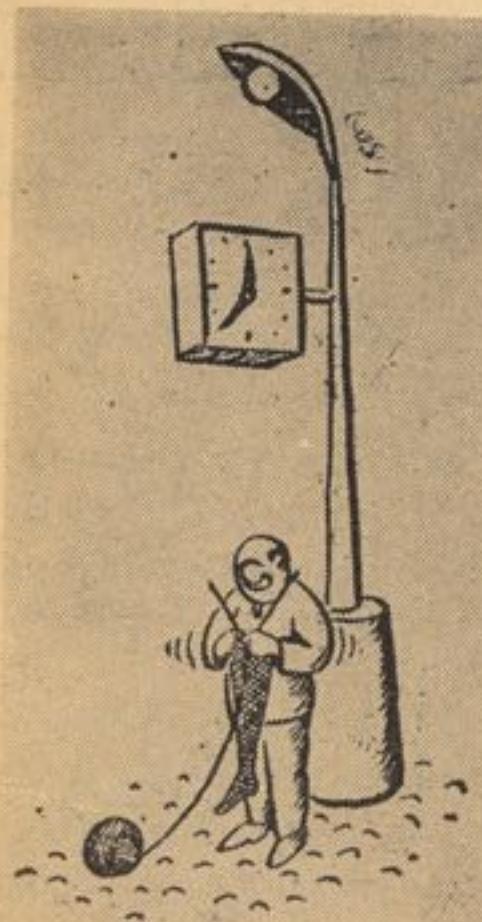
بدون شرح

شیی زن هلا را سدیدا ناجوری عارض شد.  
هلا خواست برای آوردن داکتر برود . چون  
بکوچه رسید . زنش از پنجه صدا زد : داکتر  
دیگر لازم نیست درآرام گرفت. ولی ملا بعرف  
زن گوش نداد به منزل داکتر رفته او را از  
خانه بیرون کشید و گفت : داکتر صاحب  
برای آوردن شما می‌امدم ناگاه خانم از پنجه  
صدا زد که درد او را مسنه و احتیاج به آوردن  
دیگر نیست . لذا آنقدر بشما بگویم که  
احتیاج به آمدن شما نیست .  
\*\*\*

روزی ملا نصرالدین با یکی از رفقاءش  
به سکار رفته بود . گویند را دیدند گمان  
کردند که سکار است آنرا با تیر زدند و بدنبال  
آن رفتند . تیریه جان گزگ نخورد بودو  
و گرگ از ترس جان زیر یک سنگ پنهان  
شد بود . رفیق ملا رفت که گرگ را از زیر  
سنگ بیرون کنند که گرگ بالای حمله و سرش  
را از بین گزگ متوجه شد رفیق سو بدر  
نکرد آمد از گوشش مشاهده کرد دید که رفیق  
بی سر افتاده است به فک فرو رفت که آیا  
او از اول سر نداشته یا داشته . و حالا بدود  
و بیند بزمین خورد پارچه بارچه گردید و مردم  
حتی بیچاره هایش را نیا فتند . بدین ترتیب  
پدرخنده از هم‌اجدا شد و برای ابد وداع نمود.  
اما بادا توابد زندگ خواهد بود . و بدین صورت  
شما از خانه بیرون شد . آیا سر داشت  
او قلای تغییر آسمان شد .  
يانه ؟

ما به ارواح ملا نصر الدین می‌خندیم و  
شادی می‌کنیم زیرا او چنین می‌خواست و  
کسانیکه امروز به زیارت مقبره آن بزرگ  
مرد فکاهی برود مشاهده خواهند کرد که مقبره  
جندراس الاغ و گاو بود . ملا با شعف تمام  
در روزه پولادین نصب است و قلی که بیشتر  
دویده به زنش گفت :  
از نیم سیروزان دارد به سر در روزه آویخته  
شده و در روزه را مسدود نموده اما سه طرف  
دیگر مقبره بدون دیوار است . یعنی قیر  
اورا هم چون خودش خنده دار ساخته اند .  
\*\*\*

روزی مردم نزد ملا آمدند تادر مورد آسمان



بدون شرح



بدون شرح



با خواهر جان چند دقیقه ماهم آمریت کنیم .

## یک مساله جدی

در حالیکه همه ما میدانیم که بول عرکز نمیتواند خوبی بخوبی بیار آرد . و گذشته از این تفاوت سن خودش نیز در ذات خود پرروبله بزرگ است که این سکل در آینده خوبتر محسوس میگردد و دیگر اینکه اصلاً خواهرم همچ علاقمندی ندارد که با این بیرون مرد ازدواج کند . و حتی در مقابل این تصمیم پدره مخالفت شدهام دیگر برادران و خواهران در مقابل تصمیم واراده پدر استادگی نمایند . وقتی از پدرم خواستم که دوستانه بدون اینکه مساله پدرم پسری درمیان باشد موضوع را بررسی نمایم برایم گفت که حیف است، با تو طرف شوم و دلیل که میآوردم هیگوید هنوز تو بجهه هستی .

خوب شما را بخدا بگویند که کی مقصراست ؟ آیا بگذارم پدرم اراده خود را برداختر جوان که آرزو دارد تحصیل خودرا ادامه دهد وهم میخواهد با جوان عمسن و سالش ازدواج کند یا بر اراده و تصمیم پدر لبیک گفته و تسلیم آن شود ؟

من از پدر خود واز دیگر پدر ان گاهچین خاصیت دارند میبرسم ، که در عصر امروزی که تمن بشری از کجا سر بر آورده و یکجا رسیده است و شرایط زندگی امروزی هم به داشته باشند ؟ آیا گفتن واقعیت های زندگی گناه است و سر بیچی شورده میشود . چرا بعضی از بدران اینطور اند ؟

اگر پدرم هر ایوان بی تربیت میداند ، و متمرد میخواند من بخاطر حقوق پدری این چیزی نمیکویم ویرایش احترام میگذارم ولی این احترام نباید دلیل آن باشد که اراده پدر گذمی خواهد بر فرزندانش تعیین نماید قبول دارم . باز هم در مقابل این بدون اینکه خدای ناخواسته بی احترامی نسبت به آن شود ایستادگی میکنم .

به حیث یک جوان امروزی به آن عده از بدران خطاب میکنم که بگذارید جوانان و فرزنداتتان که مردان آینده اند و رسالتمند زندگی امروز و فردا اند از خود اراده داشته باشند ، به شخصیت آنان احترام بگذارید، عقایدش را اگر نمی بینید لائق در مقام مخالفت هم نباید . چرا نه خواهد . بیدرند آن پدران ، که امروز شرایط زندگی طوری دیگر است ، امروز زمان دانش است ، زمان بردگی نیست ، زمان کارویکار است . بگذارید . که جوانان راه زندگی خوبش را خود تعیین کنند .

- من خواهم گذاشت ، از بیل های سخت از بازار های سنتگین تر عبور کرده ام . جمعیت که سخت به هیجان آمده بود خا هوش هاند و به زن که روی نی های نایابیدار ، زیر پرده باران و بیزی که پر تو کمرنگ ماه را از خود عبور میداد ، بسیار به آ هستگی بیش می رفت چشم دو خته بود ، این ۱ قدم زن، نوعی قمار بود و عنده بی از حاضران در عین تغمی زدن شانس هو فقیت او با خود می گفتند که اگر زن هو فق شود به سلامت از بیل عبور رکنده ، نشان از فالی نیکو است و همه بند ون تلفات به « بین ۱۲ » خواهیم رسید.

ولی بعباران هو لناک که قطع شده بود ، دو باره شروع شد و قبل از آنکه کسی فرست داشته باشد که خود را به ز میسند اندازد ، هر هی بزرگی در میان جمعیت کس اندازد ، جلو بیل جمع شده بود ، اتفاقاً رکرد ، اغتشاش و حسنهایی که بدبال این اتفاق رخداد ، بسیاری که رودخانه را بین هی در برابر ۱ تشن تو پیغامه می دانستند خود را به آب انداختند و گروهی نیز به سوی بیل عجوم آوردند .

مادر که در وسط بیل از و حشت فلنج شده بود، سر گرداند تا بینند پشت سر او چه خبر است و در حالیکه بیل زیر فشار ناگهانی او لین آیند مکان به شدت نوشان می گرد با نا امیدی به جان بینا بیل چنگ انداخت ، سبد جلوی بروی آب فرود آمد و تعادل از دست رفت، نی و سبد ها با هم به آب انداند و فوجه های مادر در صدای بیل طنین اتفاقیارها و فریاد هردم که به آب می جستند تا به شنا گرانی که اکنون جز سرشان معلوم نمی شد ملحق شوند ، خاموش شد .

زنند و تکنک از آن عبور می گشند ، از هم گسیخته شود ، و اگر بیل در جریان سریعی که از زیر آن می گذشت فرو می رفت . هیچکس تعجبی نمی گرد . عده بی از روی آن گذشته بودند که زنی را دیدند پیش می آید ونی د رازی بر شانه دارد که بیرون انتہای آن سبدی بزرگ آ و بیزان است . اکنون هواهی کلی تاریک شده بود ، هر دیگر که در بین او من آمد چون مجتبی سبد هارا نمی دید ، طناب هایی را که سبد های آن را بیخطر می شدند .

- حالا دیگر فقط باید از بیل گذشت .

- بلى این کار برای جوانان آسان است . ولی تکلیف پیران و کودکان چیست؟ از این گذشته پارها د چطور باید از روی آن انتقال داد ؟

ربیش سفید های قریب « تکون » از ربیش سفید های د گذشته « تکون » پرسیدند :

- جاده بی در اهتماد رو خانه است ؟ آناید همه اینجا منتظر بهانیم تا همه بیک از روی این بیل کوچک لر زان عبور گشند ! اتفاقیاری و حشتاک در صد هتلی عقب جمعت این بحث را هتو فف کرد . تر شج کل سرایای گریزند گان را الوده گرد ، چند اتفاقیار دیگر در بیان آن بود، تویهای انسوی آب شاید بدون هدف فیر می گردند اما روستاییان چنین می ینداشتند که دشمن آنها را عدف قرار داده است ، ترس دو باره برآنها مستولی سد و ناله و شیون شان بینند گردید، چند نفر خود را به آب انداختند و گو شیدند که از روی خانه عبور گشند ، عده بی دیگر شتابزده به یکدیگر تنه هی زدنده سمت بیل دوی می آورندند و بیل زیر و زن آنها بیه لرگش و نو سان در آمد ، مسعودی ۱ ز روستاییان که خو نسردی خود را حفظ گرده بودند گو شیدند که نظمه ظاهری بر قرار سازند و صدای خود را در هیا هی از د حام به گوش بر سانند .

- یک بیک از بیل عبور گشید ؟ بیل را بیش از اندازه بار نگشید و گزنه همه غرق خواهد شد .

اگر او لین ر گیار فیر هر می ها، ر گیار های د یکری در بین هیداست ، این تهدید بی اثر می ماند ، از طرف د یکر خطر گذشتن از روی بیل به یقین کمتر از خطر هر می های که از مسلسل های فیر میشد ، نبود ، بیل به شدت در نو سان بود و لرگش داشت و بیم آن هیرفت که هر لحظه حتی زیر قدم های معناطه هر یک از گسانیکه دل بدربا می-

## طی مسابقات انتخابی

به ورزشکاران رومانیه ، بیست مدل اطلاء، جایان ، المقرب ، سویندن . برازیل ، چکو - سیزده مدل نقره و چیار مدل برونز بیه سلواکیا . بلغاریه ، فرانسه ، یونان فنلاند و ورزشکاران امریکایی تعلق گرفت به این کمبودیا اتریا ورزیده بودند و طوریکه درین دفعه گفته همچویم تیم اتحاد شوروی از رهگذر شده شرکت گذشته کنندگان شاهله تیم های دختران تصاحب گرده بیشترین تعداد مدلابا جای ویسان بودند .

اول را گرفت و تیم های رومانیه و امریکا در مسابقات ریکاردهای جدید بادر نظرداشت بالترتیب دوم و سوم گردیدند .

به صورت کل درین مسابقات ورزشکاران گردید مثلا در پرس بیندورزشکار رومانیه بی کشور های اتحاد شوروی ، رومانیه ، امریکا، ریکاردهای جدید را در اتفاق شش مترو چند ساعتی ایطالیه ، آلمان دمو کراینک ، آلمان غرب قایم گرد و در اند اخت نیز ریکاردهای جدید بر تائیه ، هنگری ، یوگوسلاویا ، بولندا ، قایم شد .

## برای شما در گزیده ۱۵

## شیوه‌های جدید...

### استفاده از قلم در تئاتر:

البته ذکر یک نکته نیز در اینجا لازم است و آن اینکه شیوه پیسکاتور را در کار گر دانی چر نوع نمایشی نمی‌توان به کار گرفت. استفاده از صحنۀ خالی و بدون دکور و استفاده از اسلامید و فلم مناسب با نمایش های یک یاچند پرده ای نیست و بیشتر به کار آناری می‌آید که دهها صحنۀ مختلف داشته باشند، همان طور که خود پیسکاتور نیز ازین شیوه مخصوصاً برای نمایش درآوردن ارمنی‌ای بزرگ جهان، که امکان شان دایماً در تفییر است و پیوستگی و فشردگی یک نمایشناه را نداشت، (هائند رهان چنگ

وصلح تو لستوی) ۱ استفاده می‌کرد. هاما همزمان با فعالیت پیسکاتور، چند کار گر دان بزرگ دیگر در اروپا و جهود داشتند که بزرگترین آنان زاک کوبیو بود و سمت می‌گزد، محل ۱ جرای این نمایش را بهمراه یک پارک پردرخت منتقل ساخت. هجتین کمیتی (تاجر و نیزی) ۱ نزهمن تویسته را که محل و قوع داستان آن و نیز است، درینک از میدانهای همین شهر به اجرا در آورد. یا برای عرضه نمایشناه (انسان) که یک ۱ تر مذهبی است فضای بازی را رو به روی گلیسای بزرگ شمر سالن بورگ در اتریش ۱ تختا کرد و برای اجرای تراژدی شمر بارادیسی اتر سوفوکل که از آثار یونان باستان است و در اصل غرق شوند و با روح خود خلوت گشته، به در آن هفتی تیاتر ۱ جرا می‌شد، فضای سیروک را بر تزییده. زیرا به سبب مدور بودن محل تمثیل نش شبا هست زیادی به تئاتر دارد. به هر حال، مقایسه کار ریو هاردین عبادت‌خانه، با این تفاوت که در آن آدمی در جستجوی خداوند نمی‌رود. بلکه به این ترتیب نمایشگاه نیست، بلکه آن هایشگاه روح نمایشگاه تئاتر چاکر نمایش و تمثیلگران باشد.

در تئاتر گرو تفسکی نه صحنۀ و سالن از هم جدا هستند و نه باز یکر و نهای شاگر.

صحنه و سالون یکی است. همان طور کار بازیگر یا تماشاگر، بازیگر است، یک دیر یا یک دوین همیش، به نمایش در آوردن و نمایش این برداشتن. دیوار میان صحنۀ و سالون و تزدیگر ساختن باز یکر و تماشاگر به یکدیگر بزرگتر یعنی دیگر گرو تفسکی در تئاتر چند سال پیش از آن دیده نمی‌شود.

یوزی گرو تفسکی بزرگترین کار گر دان تئاتر معاصر نیست، با این همه پیش بروک کارگر دان بر جسته و نامدار ۱ تکلیس در باره او گفته است. از زمان استانی‌سلا و سکنی تاکنون هیچ کار گر دانی به ۱ ندازه گرو تفسکی بر تحولات ۱ جرای تئاتر معاصر تائیز نکاشته است.

یکی شدن تمثیلگر و بازیگر: از میان کار گر دانان ۱ مرور جهان چند تن به نام ماسکس ریسو هار دیست بکار تیاتر سر گرم بود که نمایش متفاوت باشیوه کو یو داشت. بدین معنی که ۱ گر شهر تی کسب گرده اند، از اینان جودجوای نویسان را (از شکسپیر گرفته تا مو لیر فرانسوی، پیتر بروک انگلیسی، ویرژی گر- تفسکی لیستانی نا می‌بر آوازه تر دارند. است) به یک شکل، یعنی روح همان تختگاه اجرا سازد. ماکس ریو هار دیست در این بود که براز ۱ جرای هر نمایشناه مکانی شیوه کار او معتبرتر از بروک یا دیگر کار گر - متناسب با آن پیدا کند. هر چند که این مکان دانانی است که نامشان را باید گردیم، بلکه بیشتر بدین سبب که شیوه کار گر دانی گرو تفسکی بیش از دیگر کارگر دان امروز بر تئاتر معاصر بخصوص تئاتر بیشتر از تجربی معاصر، تأثیر گذاشته است و آن هم نه قطعی غرب بلکه در شرق نیز بضم نمی‌خورد.

## چگونه میلیارد رهای...

بر ثروت خود می افزایند و بر تولید وسایل کشتار جمعی یا فشاری دارند. اگر روسای جمهور امریکا از نهاد تا کار تر کار تو لید بمب نیو ترو نی را پنهان از افکار عامه انجام میدادند، ریگان بیشتر ماهه امر تو بید را بو صاحت اعلام نموده است.

ریگان، زیر فشار سنتکین لاشخوران چنگ طلب انحصار رات غول پیکر این ابر میلیاردرها سازند گسان افزار مر گ قرار دارد و ما فنده سلف خود جز یک پیچ ساده ماشین عظیم قدرت جهنمی «بول» چیز دیگری نیستند وی به آستان انحصار ات بزرگ تعهد سپرده است که سرمایه داری در حال مرگ را تجات (!) می دهد و قهرمان وار بر گرده اسب مسابقه تسلیحاً تی مهمیز میزندولی این تومن وی را و سر مایه داری را به گودال نابودی خواهد رسانید. این هنر پیشه در جه دوم فلم های کاو بای ها لیو د ریگان، متعصب ترین و راستگرا ترین اشخاصی را در پست های حساس مقرر نموده است. ریگان کدوبار یکی در سال ۱۹۷۶ و بار دیگر در سال ۱۹۸۰ برای نا مزدی از حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا کو شش گرده و شکست خورد این بار پنج سال پیش فعالیت های انتخاباتی را آغاز گرد و در درون حزب سازمان بخصوص برای خود، تهیه کرد و در خارج از دستگاه حزبی او به نیرو های محافظه کاری که خود را «راست های نو» می نامد، تکیه کرد.

مردم امریکا از فعالیت رو نالد ریگان رئیس جمهور آن کشور مایوس میباشد، این مطلب از نتایج رای گیری افکار عامه که از طرف شرکت تلویزیونی سی - بی . اس با اشتراک روز نامه نیویارک تایمز بدست آمده است، معلوم می گردد . طبق نتایج رای گیری افکار عامه تعداد زیاد امریکا بی ها، فعالیت حکومت امریکای تحت ریاست ریگان را تقبیح نموده و اکثر یت رای دهنده گان با اتفاق آراء گفته اند که رئیس جمهور امریکا به فکر آسا یش ثروتمندان بوده و هیچ نوع تدا بیز برای رفاه رحمتکشان اتخاذ نکرده است.

کشور را به دوران چنگ سرد بر گرداند، در جواب گفت: «مگر چنگ سرد هیچو قت بپایان رسیده بود؟» در شرایط کنو نی جهان که تضاد شدید تر می شود ، بحران و تورم و بیکاری بیش از پیش بر فرسود گی این نظام پو سیده می افزاییدر چنین شرایطی است که طبقه حاکم بورز- وازی ایالات متحده امریکا تلاش می کند تا از هم پاشی جامعه استثماری «جا معه ای که به حکم تاریخ محکوم به زوال است» را به تا خیر اندازد و در عین حال قدرت اقتصادی شرکت های انحصاری ری دا بیشتر سازنده، انحصارات از طریق مسابقه تسلیحاتی افسار گسیخته، بیوسته

ریگان در انتخابات ایا لئی وهم و ترس می داشت که تحول طلبان به صورت پنهانی هولیوود را اشغال در بیانیه ها یش سعی می کرد که راه حل برای معضلات جهان پیدا کند نکنند . وی پیوسته لست های سیاه و مسؤولیت همه نا بسا ها نی ها، آشوب ها را در وجود اتحاد شوروی سوسیا لستی خلاصه می کرد. این عقیده ریگان حتی ژورنال لیستن و مفسرین امریکا بی را نگران ساخته چه قضاوت نا درست میان تهی می تواند پیا مد فاجعه آفرینی داشته باشد . خبر نگاران که از ریگان سوال کردن که مگر نمی خواهد دعوت کرد تادر پرو گرام اعلا نات تجاری این کمینی که بنام «جنرال - الکتریک تیاتر» یاد می شود، کار نماید و آمر تیا تر به ریگان توصیه کرد که برای جلب مردم باید وی فلسفه ای را تقویت کندا از آن دفاع هم شده بتواند و مردم را هم خوش آید . وی هشت سال در پرو گرام تبلیغاً تی کمینی متذکره کار کرد و فلسفه و شهرتی که بدست آورد، بدستربن حزب جمهور یخوا هان گذاشت . ریگان در بیان نیه های حزبی خود پیوسته پسر خود ترقی و پیشرفت داد سخن زده و در انتخابات کنکره امریکا با پشتیبانی از (جمعیت جون برج) بر داخت و مالیات بر عایدات را که شکل مترقبی داشته باشد، و کمک با بیکاران را رخصتی با حقوق برای تبلیغ ها خواند در همینجا بود که مخالف عدد سکرت دود می کنند بسیار لز وارد حملات خطرناک قلب قرار می گیرند . زیرا دخانی بالای قلب و رگهای بدن تأثیرات ناگوار داشته و سبب علله خون در رگهای قلب وی نقیض حرکات قلب می گردد .

صفحه ۳۷

خوب به نفع بشریت ساخته شود . فراریک احصایه گمرک کابل در سال ۱۳۴۹ دد حدود ۴ میلیون قطعه سکوت به صورت رسمی وارد افغانستان گردیده بود که اگر بصورت وسطی عرفی سکوت دا بیست افغانی قیمت نهاییم در حدود هشتاد میلیون الفانی خانمها نیز مناسفانه معتقد به این عمل شدواند که نه تنها به صحت خودشان فسرد جدی و خطرناک دارد بلکه آنده خانمها که حامله اند در اثر دود سکوت رحم شان تبیه می گردد و در نتیجه باعث ولادت قبل از وقت طفل های یاگستانی بصورت غیر رسمی به میلیون ها فقط می رسیده اسفاً همراه سکوت دویه از زیاد بوده است، و به عنده میلیون افغانی می دسد .

مصارف سکوت تنها خرید سکوت و دود کردن آن نبوده بلکه چندین هرتبه بالاتر از مصرف سکوت تداوی آنده مريضان معتقد به سکوت می گردد که به یکی از امراض تنفسی قلیل ویا رگهای خون یا زخم معده که ناسی از دود سکوت باشد، پس از تمام خوانندگان گرامی احترامانه خواهشمند بیم که :

۱- به این عقیده نباشد که سکوت را رها کرده نمی تواند ، فقط تصویب بگیرد و سکوت نکشید .

۲- به هیچ یک از دوستگان سکوت تهدید و مانع کشیدن سکوت شوید .

۳- در نزد اطفال و فامیل تان سکوت نکشید و هیچگاه آرزو نداشته باشید که طفل تان از کشیدن سکوت شما لذت ببرد .

۴- منعیت یک انسان بادرد در هر جا که باشید و یک طفل را مصروف کشیدن سکوت و دخانیات بینید، اورا نصیحت نموده و اگر سخن شهارا قبول هم نکند . وی را از کشیدن سکوت منع نهاید .

۵- خانمها که به صحت خود خود علاقه دارند باید هر گز سکوت می گردد ، هر گاه در وجودانی را هر تکب نشود .

## جو ازان پول...

صفحه ۳۸

خانمها نیز مناسفانه معتقد به این عمل شدواند که نه تنها به صحت خودشان فسرد جدی و خطرناک دارد بلکه آنده خانمها که حامله اند در اثر دود سکوت رحم شان تبیه می گردد و در نتیجه باعث ولادت قبل از وقت طفل های یاگستانی بصورت غیر رسمی به میلیون ها فقط می رسیده اسفاً همراه سکوت دویه از زیاد بوده است، و به عنده میلیون افغانی می دسد .

مصارف سکوت تنها خرید سکوت و دود کردن آن نبوده بلکه چندین هرتبه بالاتر از مصرف سکوت تداوی آنده مريضان معتقد به سکوت می گردد که به یکی از امراض تنفسی قلیل ویا رگهای خون یا زخم معده که ناسی از دود سکوت باشد، پس از تمام خوانندگان گرامی احترامانه خواهشمند بیم که :

۱- به این عقیده نباشد که سکوت را رها کرده نمی تواند ، فقط تصویب بگیرد و سکوت نکشید .

۲- به هیچ یک از دوستگان سکوت تهدید و مانع کشیدن سکوت شوید .

۳- در نزد اطفال و فامیل تان سکوت نکشید و هیچگاه آرزو نداشته باشید که طفل تان از کشیدن سکوت شما لذت ببرد .

۴- منعیت یک انسان بادرد در هر جا که باشید و یک طفل را مصروف کشیدن سکوت و دخانیات بینید، اورا نصیحت نموده و اگر سخن شهارا قبول هم نکند . وی را از کشیدن سکوت منع نهاید .

۵- خانمها که به صحت خود خود علاقه دارند باید هر گز سکوت می گردد ، هر گاه در وجودانی را هر تکب نشود .

نکته مهم اینها هم موضوع اقتصادی است. محاسبه شان می دهد که با پولیکه در یکروز صرف خرید سکوت می گردد ، هر گاه در کارهای معقول مصرف شود میتواند بروزه های برای آینده امپریا لیزم می نامد،

ترجمه: احسان ((اذری))

یافته است معاصرین داستایوسکی معتقد بودند که سوسلواداری جاذبه سحرآمیزی بود. ولی عشق اونومیدی ها و حوا داشت مشمیز کنندگان را برای داستایوسکی عرضه کرد.

هنگامیکه داستایوسکی رابطه اش را با سو سلو توپیخ میدهد، در محله نخست علاقو ماحترا م اناستکینا رادر برابر خود برمی انگیزد و سر انجام قسم بیش می تهدوا و را به سرحد عشق و محبت هیرساند.

باید ترتیب اناستکینا در زندگی متلوں داستایوسکی گام هیگدارد. یاس ترا بی وسکوت زندگی اش را می شکند. در غم و آندو هش سریم شده بسرای تسکین و آرامش روح سودایی نویسنده بزرگی می پردازد.

الکساندر زاد کی کار گردن فلم در مورد تهیه این فلم میگوید: مشکل عده مادر یافتن گرس که نفس داستایوسکی را استادانه بازی کنند بسیار مشکل بود، زیرا برای ها کافی نبود صرفا شخصی که با قیاده و صورت داستایوسکی شباهت میداشت دریافت شود. تکنیک اساسی انجام نفس دنوارو سهمگشی بود که سیمای نویسنده بزرگ رادر لحظات بعرانی و وسوسات ترسیم نماید. بلآخره انتولی سولو نیتس این خلا را پر کرد. سولو نیتس

با زیگر پر استعداد سینما چیزهای دست و حساس است. در چشم عای او نیروی خاصی نهفته است او را قادر ساخت نفس فیودور داستایوسکی را میگفته بازی نهاید. کار و تمرین با سو سلو نیتس نشاط آور و اطمینان بخش بود. نفس اور ذهن تمثیل گرانش احساس و شور می آفریند. الکساندر راز کی افزود: «برای انجام نفس سوسلو از ستاره سینمایی پولیندی دیواز یکو سکا ستاره سینمایی پولندی دعون نمودیم، دیواز یکو سکا دارای زیبایی، لطف و افسون زنانه خاصی است که بعائد سوسلو روان داستایوسکی را به احساس عشق و کاهی هم با احساس نفرت می آورد.

نفس اناستکینا را هنر پیشه جیوان سینمایی اتحاد شو روی ایونکنا سیما نوا بعده داشت رول او نیز قابل وصف و ستایش بود.

**مدیر مسوول:** راحله راسخ خرمی  
**معاون:** محمد ذ مان نیکرای  
**هیئتمن:** علی محمد عثمان زاده  
**آدرس:** انصاری واتیجواری ریاست  
مطابع دولتی - کابل

تیلفون مدیر مسوول: ۲۶۸۴۹

تیلفون توزیع و شکایات: ۳۶۸۵۹

سروچبورد مطابع دولتی: ۳۶۸۵۱

تیلفون ارتباطی ژوندون: ۲۱



فیودور داستایوسکی

نیز مسحور نویسنده میشود. ولی بخاره داستایوسکی با نگاه عمیق و خیره به دختر داخل شدن در دنیای برها جرا و دانستن زیبا نگاه میکند اناستکینا بد علیز داخل احساسات و تناقضات درونی داستایوسکی میشود و با آواز بزیده و سیمهای افسرار آزاد در تمام ناشناسی میگوید:

من هیخواهم آقای داستایوسکی را ملاقات و در تباق کننده اش را بایولینا ریا سوسلو شرح میدم در داستا یسو سکن خود را از کنم. داستایوسکی با دختری که در سر راهش هشقا بایخته را زده ویاس سوسلوار گویند: بددار شده است افظه از عشق میکند. اناستکینا جنانجه این تهمیم او در داستان قمار باز، نیز بازتاب



صحنه ای از رمان «قمار باز»

## دیدگی داستایوسکی

اورا بی حدود است و تئاتری تکان دهنده هالی گسترده های زندگی داستایوسکی را تئاتری از خود ایگز میسازد.

درین هنگام داستایوسکی به نوشتن رمان (قمار باز) میپردازد. که یکی از شهکارهای جاودان اوست. داستایوسکی بعد از هفت گوناهی بادختری نزد ساخته بنام اناستکینا آشنازی پیدا میکند، که بعد های عقدش درمی آید. در صحنه ای فلم اناستکینا از پله های زینه که با نور گمنگ روشن شده است بالای

میرود و در مقابل دروازه نویر (۱۳) دهلیز می ایستد. در پایان دهلیز قیاده افسرده ای را میبیند که یک شمع بدهست دارد. داستایوسکی با نگاه عمیق و خیره به دختر زیبا نگاه میکند اناستکینا بد علیز داخل احساسات و تناقضات درونی داستایوسکی میشود و با آواز بزیده و سیمهای افسرار آزاد در تمام ناشناسی میگوید:



اوگیناسیماز ادر نقش انسانیکن

فلم «بیست و نهش روز از زندگی فیودر داستایوسکی» گوشه دراما تیک و گوتا زندگی داستایوسکی را میکند. فلم نویسنده معروف رادر حالت انسنیکن فکری و آندوه نشان میدهد. هرگز ناینگام همسر، هموگث برادر، چدانی از پولیناریا سوسلو اگه داستایوسکی



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**